

کتابخانه تخصصی علوم غریبه، متافیزیک، ماوراء و باستانی

آدرس کانال مادر تلگرام:

https://telegram.me/joinchat/CrNPQT۸xvaIrIQKDpeg-sw

یا

https://telegram.me/ketabsabzz

با عرض سلام خدمت همراهان خوب کانال و خیر مقدم به دوستانی که تازه به جمع ما اضافه شدند

دوستان خوبم،همینطور که میدونید کتابای علوم غریبه بیشترشون قدیمی و فاقد شناسنامه کتابه.اونچه که من برا بیوگرافی کتاب گذاشتم تو هیچ کانال کتابی نبوده.بلکه خودم زحمت کشیدم کتاب رو دانلود کردم و بعد تا ورق آخر کتابو گشتم بخاطر اینکه بفهمم موضوع مطالبش چیه.اول تو یک برگه چک نویس کنم بعد ویرایش و تایپ کنم براتون.اینکار خیلی از وقتم رو میگیره.بعد کانالای دیگه بدون هیچ زحمتی مطالب کانال منو برمیدارن میزارن میزارن کانال خودشون.میخوام بگم به هیچ وجه به استفاده کانالای دیگه از مطالبی که مینویسم راضی نیستم و اصلا حلال نمیکنم.چون این بیوگرافیا رو خودم درست کردم.اینجور نیس که اونچه میخونید همش یک جای کتاب یا صفحه اولش باشه بلکه کل کتابو گشتم و دستچین کردم.و بدتر اینکه بخاطر بالا رفتن سرعت کارم برا باز شدن بعضی فایلا تا الان نه تا برنامه پی دی اف خوان عوض کردم انصاف نیس زحمتمو راحت تو کانالشون بزارن وقتی که خودمو هم راحت میتونن پیدا کنن که اجازه بگیرن.گفتم تا بعضیا که حاصل زحمت منو راحت و بدون اجازه برمیدارن بدونن این کارشون به هیچ وجه انسانی نیست و من هم اصلا نمیگذرم.چرا که وقت زیادی رو برا انتخاب متن بیوگرافی کتاب میزارم.

از آنجا که دعانویسی دارای شرایط خاص و نیازمند تهذیب نفس و پاکی سرشت است و انجام آن از عهده هر فردی برنمی آید،ادمین این کانال هیچ مسعولیتی در برابر استفاده نادرست و نابجا و سوء از کتب علوم غریبه که در کانال قرار داده میشود نداشته و هدف از قرار دادن اینگونه کتابها صرفا جهت مطالعه و آشنایی مختصر کاربران گرامی کانال با این علوم اسرار آمیز است نه برای استفاده شخصی و دنیایی و طلسم کردن افراد...

بسیاری از عوذه و تَمائم (آنچه از کتب و آحراز و غیر ذلک که تعلیق می‌نمایند) از اشراک می‌باشند.

و از حضرت امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمودند: بدرستیکه بسیاری از تمائم شرک می‌باشد.

از زرارة بن اعین روایت است که گفت از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام سوال نمودم در مورد مریض که آیا تعویذ یا چیزی از قران به او بیاویزم؟ پس فرمود: بله اشکالی ندارد، بدرستیکه آیات قران نفع می‌دهد پس آن را استعمال نمائید.

و نیز از اسحاق بن عمّار روایت است از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام در مور د مردی که به او علتی می‌باشد پس قران برای او نوشته می‌شود و به او آویزان می‌گردد یا قرآن را نوشته و شسته و آب آن را می‌نوشد، حضرت فرمودند: کلّ آن اشکالی ندارد (چه تعلیق آن و کتابت و شستن و خوردن آن). مؤلف گوید:

روش ما نیز در این کتاب این بود که در هر مورد از آیات و سوره‌های قرآن برای حلّ مشکلات و رفع امراض و غیر ذلک استفاده شود، خصوصاً که اکثر استعمال آیات و قران از طریق ائمه علیهم السلام روایت گردیده بود و آنچه که از غیر قرآن می‌باشد یا از ادعیهٔ ائمه علیهم السلام است یا ذکر خداوند جلّ ثناؤه می‌باشد و اما از غیر اینها باید اجتناب نمود.

و حلبی از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت نموده که آیا چیزی از قرآن و تعویذ رابر فرزندان و زنهای خود آویزان نمائیم؟ فرمود: بله هنگامی که در ادیم (پوست دباغی شده و جلدی که آن تعویذ را در آن گذاشته باشند) که حائض آن را حمل نماید و اگر در ادیم نبود زن آن را آویزان نکند و در روایت دیگر است که عبدالرحمن بن سالم گفت از مولایمان حضرت امام جعفرصادق علیه السلام در مورد مریض سؤال نمودم که آیا چیزی از تعویذ و قرآن به او آویزان گردد؟ فرمود: اشکالی ندارد. گفتم بسا می‌شود که جنابت به ما اصابت می‌کند، فرمود: بدرستیکه مؤمن نجس نمی‌گردد ولکن زن آن را همراه نکند هنگامی که در ادیم (جلد) نباشد و اما مرد و بچه اشکالی ندارد.

مؤلف گوید: ظاهر روایت این است که زن اگر در ایام حیض تعویض را در جلد یا ادیم گذاشته بود می‌تواند همراه داشته باشد والاّ آن را در ایام حیض همراه ننماید.



فصل هفدهم

ثواب سوره‌های قرآن

ذکر چند نکتهٔ مربوط به ثواب قرائت سوره‌های قرآن

در این قسمت شروع می‌نمائیم به بیان ثواب سوره‌های مبارکهٔ قرآن که به اسانید خود از کتابهای، ثواب‌الاعمال رئیس الفقهاء و المحدّثین جناب ابی جعفر محمد بن علی بابویه صدوق(ره) و تفسیر نورالثقلین محدث خبیر شیخ عبد علی بن جمعة العروسی و تفسیر مجمع البیان مفسّر جلیل شیخ ابی علی فضل بن حسن الطبرسی، روایت می‌نمائیم اما در ابتدا تذکر چند نکتهٔ مهم ضروری می‌باشد:

نکتهٔ اول، در مورد ثواب‌هایی که در روایات برای اعمال مختلفه مانند قرائت سوره‌های قرآن و مانند آن وارد گردیده، باید به این مسئله توجه داشت که این اعمال بنابر شرائطی قبول می‌گردد و در صورتی شخص عامل از این ثوابهایی که غالباً بسیار عظیم می‌باشد بهره‌مند می‌گردد که حائز این شرائطی که ذکر می‌گردد باشد: ۱ ـ ولایت: اولین شرط قبولی هر عملی چه از واجبات یا مستحبات دارا بودن ولایت ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام می‌باشد و بدون ولایت ایشان هیچ عملی از واجب یامستحب و یا صغیر و یا کبیر نزد حقتعالی عظم شأنه مقبول نمی‌باشد زیرا بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فقط ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام باب اللّه می‌باشند و از هیچ طریق دیگری نمی‌توان به خداوند جلّت عظمته توسّل و تقرّب یافت فلذا می‌بینی که حتی کفّار و اهل کتاب و عامه نیز گاهی اگر توسل مقبولی داشته باشند از طریق یکی از ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام می‌باشد اما ولایتی

که موجب قبولی اعمال و عدم آن موجب ردّ کلیهٔ اعمال می‌باشد، دارای دو جزء می‌باشد:

۱) دوستی و اطاعت کامل از ائمهٔ معصومین ﷺ و قبول داشتن تمام دوازده نفر ایشان به امامت به همان کیفیتی که خود آن حضرات در روایات بیان فرموده‌اند.

۲) دشمنی و عداوت با هر کسی که با هر یک از ایشان ذرّه‌ای عداوت داشته باشد و این وجه تمایز فرقهٔ حقهٔ ناجیهٔ شیعهٔ امامیه از تمام فرق دیگر می‌باشد زیرا بسا می‌شود که حتی کفّار و اهل کتاب نیز ائمهٔ ما را دوست دارند زیرا ایشان مظهر علوم کامله و صاحب معجزات مشهوده می‌باشند بنابراین هنگامی ولایت ائمهٔ معصومین کامل می‌گردد که برائت و دشمنی با دشمنان ایشان ﷺ در دل شخص قرارگیرد و این غالباً در زمان غیبت و بلکه در زمان ائمه ﷺ مسئله‌ای قلبی و باطنی بوده است و هر کس ذره‌ای در قلب خود محبّت یکی از دشمنان ائمه ﷺ را داشته باشد ولایت او کامل نبوده و اعمال او بالکلیّه مردود و بیهوده می‌باشد.

اما روایاتی که در مورد شرط قبولی اعمال به ولایت وارد گردیده بسیار زیاد می‌باشد و ما به ذکر چند روایت مختصره اکتفا می‌نمائیم: اولاً روایت معروفی که در وسائل و کتب معتبرهٔ دیگر از حضرت رسول الله ﷺ نقل گردیده که آن حضرت فرمودند **کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به موت جاهلیّت مرده** و بنابراین شخص بدون ولایت کافر از دنیا رفته و اجماع است که از شخص کافر هیچ عملی قبول نمی‌گردد و نیز در وسائل و هدایةالامّه از مولایمان حضرت علی بن الحسین ﷺ روایت است که **فرمودند اگر شخصی به اندازهٔ آنچه که نوح در بین قوم خود بود یعنی نهصد و پنجاه سال، روز را روزه بگیرد و شب را عبادت نماید و سپس خدا را بدون ولایت ما ملاقات نماید** آن اعمال اصلاً برای او نفعی ندارد و نیز از مولایمان حضرت ابی جعفر محمد بن علی الباقر ﷺ روایت نموده که فرمودند هر کس که به خداوند تقرب جوید به وسیلهٔ عبادتی که نفس خود را به خاطر آن به مشقّت می‌اندازد و امامی برای او از طرف خداوند نباشد پس سعی و تلاش او قبول نیست و او گمراه و متحیّر می‌باشد و خداوند با اعمال (عبادات) او دشمن می‌باشد (زیرا او بدون امام و راهنما خدا را عبادت نموده و چون عبادت او از طریق صحیح نمی‌باشد بنابراین اعمالش نه تنها موجب رضایت

حقتعالی نیست بلکه بالعکس موجب غضب الهی می‌باشد) و اگر بر آن حال بمیرد بر مرگ کفر و نفاق از دنیا رفته است.

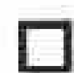
۲ ـ تقویٰ: شرط دیگر که موجب قبولی اعمال و عبادات می‌باشد دارا بودن تقوای الهی است و (معنای آن این است) که اعمال شخص فاسق اگر توبه ننماید یا آنکه توبهٔ غیر حقیقی نموده و قصد گناه داشته باشد در نزد حقتعالی پذیرفته نمی‌شود زیرا در قرآن می‌فرماید: **انما یتقبّل اللّه من المتّقین** (مائده ۲۷)، یعنی بدرستیکه خداوند از متقین قبول می‌فرماید و ائمهٔ معصومین ؑ آیه را به این معنا تفسیر نموده‌اند که اعمال و عبادات شخص فاسق و کسی که معاصی را مقدمهٔ عبادات خود قرارمی‌دهد، در نزد حقتعالی پذیرفته نمی‌شود.

۳ ـ عدم ارتداد و حفظ ایمان تا موقع از دنیا رفتن، و این شرط بسیار دقیق و مهمی می‌باشد یعنی اگر انسان می‌خواهد اعمال خیر و عباداتی را که در دنیا انجام داده به عنوان ذخیره به عالم آخرت ببرد باید مؤمن از دنیا برود و اگر قبل از مرگ مرتد شود تمام اعمال او هر چند که خیر و عبادات بوده فاسد و محو می‌گردد زیرا خداوند می‌فرماید: **و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون** (بقره ۲۱۷)، یعنی و کسی که از شما مسلمانان از دین برگردد و مرتد شود و بمیرد در حالیکه کافر باشد پس آنها تمام اعمالشان در دنیا و آخرت محو و فاسد می‌گردد و ایشان اهل جهنم و در آن جاودان می‌باشند. بنابراین تمام ثوابهایی که در کتب معتبرهٔ دعا و مانند آن ذکر گردیده مختص به کسانی است که سه شرط مذکور را دارا باشند.

نکتهٔ دوم ، توجه به این مسئله است که قرآن کتاب خداوند و دستورات حقتعالی برای انسانها می‌باشد بنابراین علاوه بر قرائت قرآن نباید از تدّبر و تفکّر در کلمات خداوند غفلت نمود و باید قرائت آیات الهی راهی بسوی عمل به قرآن و شناخت بهتر و دقیق‌تر صفات حقتعالی و معانی و معارف اسلام باشد و این میسّر و ممکن نمی‌باشد مگر بوسیلهٔ ائمهٔ معصومین ؑ زیرا ایشان تنها کسانی هستند که قدرت فهم و درک کتاب خداوند را دارا می‌باشند، و در تفسیر قول خداوند که می‌فرماید: **ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین** (بقره ۲)، بنابر روایت حضرت امام صادق ؑ منظور از متقین

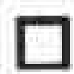
شیعیان حضرت امیر المؤمنین﷣ می‌باشند که با استفادهٔ از تفاسیر ائمهٔ معصومین ﷢ پی به معانی و مفاهیم آیات قرآن می‌برند و مولا یمان حضرت امام سجاد﷣ فرمودند آیات قرآن خزائن علم می‌باشد پس هرگاه خزانه‌ای باز شد پس سزاوار است برای تو که به آنچه در آن می‌باشد نظر بیفکنی و حضرت امیر المؤمنین﷣ در نهج‌البلاغه می‌فرماید: بدانید که این قرآن هدایت کننده‌ای است که گمراه نمی‌کند، و در تفسیر ابوالفتوح رازی از حضرت رسول اللّه﷑ روایت است که فرمودند: و کسی که طلب هدایت به غیر قرآن نماید گمراه می‌گردد.

نکتهٔ سوم، روایات متعددی از طریق خاصه و عامه در مورد ثواب سوره‌های قرآن در کتب روایت و تفسیر نقل گردیده و در اینجا صحیح‌ترین این روایات را انتخاب نمودیم و از ذکر روایات ضعیف السند خودداری شد.



سورهٔ حمد

در مستدرک محدث نوری(ره) از لب اللباب راوندی از حضرت رسول اللّه﷑ روایت نموده که ملکی بر آن حضرت نازل شد و گفت بدرستیکه خداوند تو را به دو سوره بشارت می‌دهد که قبل از تو به پیامبری اعطا نفرموده: فاتحة‌الکتاب و خاتمه‌های سورهٔ بقره، و از آن حضرت روایت است که فرمودند فضل سورهٔ «حمد» مانند فضل حاملین عرش می‌باشد کسی که سورهٔ «حمد» را بخواند ثواب حاملین عرش الهی به او اعطا می‌شود و نیز روایت است که فرمودند اگر فاتحة‌الکتاب در یک کفهٔ میزان قرارگیرد و بقیهٔ قرآن در کفهٔ دیگر، بدرستیکه فاتحة‌الکتاب هفت برابر بر کفهٔ دیگر رجحان دارد.

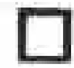


سورهٔ بقره

بریده از حضرت رسول اللّه﷑ روایت نموده که فرمودند سورهٔ «بقره» را یاد بگیرد پس بدرستیکه اخذ (خواندن) سورهٔ بقره برکت است و ترک (خواندن) آن حسرت می‌باشد و ساحران راهی بر سورهٔ بقره ندارند.

سورهٔ بقره و آل عمران

از مولایمان حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام روایت است که فرمودند کسی که سورهٔ «بقره» و «آل عمران» را بخواند روز قیامت می‌آید در حالیکه آن دو سوره روی او را مثل ابر سایه کرده‌اند.



فضیلت آیةالکرسی و تفسیر آن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوم لاتَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَومٌ لَهُ ما فِي السّماوات وما في الأرض مَنْ ذَا الّذي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إلاّ بِإذنه يَعلَمُ ما بين أيديهم وما خَلفهم ولا يُحيطون بشيء مِنْ عِلمِه إلاّ بما شاءَ وَسِعَ كرسيُّهُ السّموات والأرض ولايَؤُدُهُ حفظُهُما وهو العليُّ العظيم ـ لا إكراه في الدّين قد تَبَيَّنَ الرُّشدُ مِنَ الغيِّ فَمَن يَكْفُر بالطّاغوت ويؤمِن بِاللّه فقد استَمْسَك بِالعُرْوَةِ الوُثقى لا انفصام لها واللّه سميعٌ عليم ـ اللّه وليّ الّذين آمنوا يُخرِجُهم مِنَ الظُّلمات إلى النّور والّذين كفروا أولياؤُهم الطّاغوت يُخرجونهم من النّور إلى الظُّلُمات أُولئك أصحابُ النّار هُم فيها خالِدون. (بقره ۲۵۵ ـ ۲۵۷).

در مستدرک الوسائل از کتاب الغایات جعفربن‌احمد قمی(ره) روایت نموده که حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به مردی فرمودند چه آیه‌ای عظیم‌تر است؟ گفت: خدا و رسول او آگاه‌ترند، پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دوباره فرمود و آن مرد دوباره گفت خدا و رسول او داناترند، پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دوباره سؤال را تکرار فرمودند و آن مرد دوباره گفت خدا و رسول او داناترند، پس حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: عظیم‌ترین آیه، آیةالکرسی می‌باشد.

مؤلف گوید علت اینکه حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله چند مرتبه سؤال را تکرار فرمودند برای این است که بر اهمیت موضوع یعنی عظمت آیةالکرسی تأکید فرمایند.

و از لب‌اللباب قطب راوندی از حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت نموده که فرمودند در شب معراج دو لوح را دیدم که در یک لوح فاتحةالکتاب و در لوح دیگر کلّ قرآن قرار داشت که سه نور از آن ساطع بود، پس گفتم ای جبرئیل این انوار چیست؟ جبرئیل

گفت: آن سه نور، یکی سورهٔ قل هو اللّه احد، یکی سورهٔ یٰس و یکی آیةالکرسی بود.

و از حضرت رسول اللهﷺ روایت نموده که فرمودند آیةالکرسی در خانه‌ای خوانده نمی‌شود مگر آنکه ابلیس سی روز از آن بیرون می‌رود و داخل آن خانه ساحر و ساحره تا چهل روز وارد نمی‌گردد.

و در خبر است هنگامی که آیةالکرسی نازل گردید ابلیس دچار ترس شد پس به یثرب آمد و از مردی سؤال نمود که امشب اتفاقی افتاده، گفت بلی آیةالکرسی نازل شده است.

و از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر؈ روایت نموده که فرمودند: کسی که یک مرتبه آیةالکرسی بخواند خداوند هزار مکروه از مکروهات دنیا و هزار مکروه از مکروهات آخرت را از او رفع می‌فرماید که آسانترین مکروه دنیا فقر است و آسانترین مکروه آخرت عذاب قبر می‌باشد.

و از مولایمان حضرت امام صادق؈ روایت است که فرمودند:

برای هر چیزی بلندی است و بلندی قرآن آیةالکرسی می‌باشد.

و از تفسیر شیخ ابوالفتح رازی روایت نموده که حضرت رسول اللهﷺ فرمودند: کسی که آیةالکرسی را بعد از هر نماز واجب بخواند خداوند جل جلاله قبض روح او را متولی می‌گردد و مانند کسی می‌باشد که همراه انبیاء جهاد نموده تا شهید شده باشد.

و حضرت امیرالمؤمنین؈ فرموده که پیامبرﷺ می‌فرمودند: کسی که آیةالکرسی را بعد از هر نماز واجب بخواند او را چیزی مانع دخول در بهشت نمی‌شود مگر مرگ و مواظبت نمی‌نماید بر آن مگر صدیق یا عابدی، و کسی که هنگام خواب آیةالکرسی را بخواند خداوند او را در مورد خودش و خانه‌اش و خانه‌های هم جوارش ایمن می‌فرماید.

و از جابر بن عبدالله از حضرت رسول اللهﷺ روایت نموده که خداوند تعالیٰ به موسی بن عمران؈ وحی فرمود: کسی که بعد از هر نماز بر آیةالکرسی مداومت نماید، خداوند تعالیٰ به او قلب شاکرین و اجر نبیّین و عمل صدّیقین را اعطا می‌فرماید و چیزی از دخول او به بهشت ممانعت نمی‌نماید مگر مرگ، موسیٰ؈ گفت: چه کسی به آن مداومت می‌نماید؟ فرمود: مداومت نمی‌نماید بر آن مگر پیامبر یا صدیق یا مردی

که از او راضی شده‌ام یا شخصی که شهادت را روزی او می‌نمایم.

و از دعوات قطب راوندی(ره) روایت نموده که حضرت رسول‌الله صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که بعد از هر نماز واجب آیةالکرسی را بخواند نماز او قبول شده و در امان خداوند می‌باشد و خداوند تعالیٰ او را حفظ می‌فرماید.

و نیز روایت نموده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: یا علی، بعد از هر نمازی آیةالکرسی را بخوان پس بدرستیکه محافظت و مداومت نمی‌نماید بر آن مگر نبی یا صدّیق یا شهید.

و در تفسیر مجمع‌البیان روایت نموده کسی که هر شب ده آیه از سورهٔ بقره را در خانه‌ای بخواند شیطان وارد آن خانه نمی‌شود و آن ده آیه، چهار آیه از اول سورهٔ بقره و آیةالکرسی و دو آیهٔ بعد از آن (یعنی تا هم فیها خالدون) و سه آیهٔ آخر آن می‌باشد.

و در روایت مولایمان حضرت امام سجاد علیه السلام اضافهٔ بر این ذکر شده بود که در نفس و مال خود چیز مکروهی نمی‌بیند و قرآن را فراموش نمی‌نماید.

مؤلف گوید اقویٰ این است که منظور از آیةالکرسی تا(هو العلی العظیم) می‌باشد زیرا آیه مفرد می‌باشد و نفرمودند (آیات‌الکرسی) و این روایت نیز مؤیّد همین مطلب می‌باشد زیرا آیةالکرسی و دو آیهٔ بعد که از (لااکراه فی الّدین) تا (هم فیهاخالدون) می‌باشد را بطور جداگانه ذکر نمودند، اما مشهور آن است که آیةالکرسی تا (هم فیها خالدون) می‌باشد و البته این نظر هم خالی از قوّت نیست زیرا اولاً که مطابق احتیاط می‌باشد و ثانیاً بیشتر خواندن قرآن ممدوح و مورد رضایت حقتعالیٰ عظم شأنه می‌باشد.

و از جامع‌الاخبار از مولایمان حضرت امام باقر علیه السلام روایت نموده که فرمودند: کسی که بعد از وضو آیةالکرسی را بخواند خداوند تعالیٰ ثواب چهل سال را به او اعطا فرماید و چهل درجه برای او بالا ببرد و چهل حوریه به او تزویج فرماید.

شیخ طبرسی در مکارم‌الاخلاق روایت نموده که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله هنگام خواب آیةالکرسی می خواند و می‌فرمود که جبرئیل بر من نازل شد و گفت: ای محمد، بدرستیکه عفریتی از جن در موقع خواب شما را دچار کید می‌نماید پس بر تو باد به آیةالکرسی.

و از مولایمان حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که شروع نما سفر خود را با صدقه، و آیةالکرسی بخوان.

و نیز در مکارم الاخلاق از مولایمان حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام از صباح حذّاء روایت است که گفت شنیدم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمود:

اگر کسی از شما ارادهٔ سفر نمود بر در خانهٔ خود بایستد در مقابل جهتی که متوجه آن می‌باشد پس فاتحةالکتاب را از جلو و سمت راست و چپ بخواند و آیةالکرسی را نیز از جلو و سمت راست و چپ بخواند، سپس بگوید: **«اَللّٰهمَّ احْفِظْني وَ احْفِظْ ما معي وَ سَلِّمْني وَ سَلِّمْ ما معي وَ بَلِّغْني وَ بَلِّغْ ما معي ببَلاٰ غِکَ الْحسنِ (الجَميلِ)»** بدرستیکه خداوند تعالیٰ او را حفظ فرماید و آنچه با او باشد و او را سالم می‌دارد و آنچه را که با او باشد و خداوند او را و آنچه که با اوست را به مقصد می‌رساند.

و نیز از مولایمان حضرت امام ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت نموده که فرمودند: کسی که در سفر هر شب آیةالکرسی بخواند خود و آنچه که با او است سالم می‌ماند و سپس می‌گوید: **«اللهمّ اجْعَلْ مسيری عبراً و صمتي تفکّراً و کلامی ذکراً»**.

و نیز در آن کتاب است که اگر از شب ترسیدی ده مرتبه بگو: **«اعوذُ بکلماتِ اللّهِ من غضَبِهِ و مِن عِقابِهِ وَمن شَرِّ عِبادِهِ وَ من همزات الشياطين وَ اَنْ يحضُرونَ»**، پس بدرستیکه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن امر می‌فرمود و سورهٔ ناس و فلق و آیةالکرسی و **«إذْ يُغَشّيْکُمْ النُّعاسَ اَمَنَةً مِنه»** (انفال ۱۱) و **«وَجَعَلنا نَوْمَکُم سُباتاً»** (نباء۹)، را بخوان.

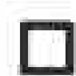
و نیز در مکارم‌الاخلاق در باب دخول مسجد روایت نموده در تورات مکتوب است که بشارت بده کسانی را که در هنگام تاریکی بسوی مسجد می‌روند به نور درخشنده‌ای در روز قیامت.

و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: که خدای تبارک و تعالیٰ فرمود: آگاه باشید که خانه‌های من در زمین مساجد می‌باشند و مساجد برای اهل آسمان می‌درخشند چنانچه ستارگان برای اهل زمین درخشندگی دارند، خوشا به حال کسانی که مساجد خانه‌های ایشان است (در مساجد بیتوته می‌کنند) خوشا به حال بنده‌ای که در خانهٔ خود وضو گرفته سپس مرا در خانه‌ام زیارت نماید، هر آینه بشارت بده کسانی را که در

هنگام تاریکی بسوی مسجد می‌روند به نور درخشنده‌ای در روز قیامت پس هنگامی که داخل مسجد شدی پای راست را مقدّم کن و بگو: **«بسم اللّه و باللّه»** الیٰ آخر دعا که در حاشیهٔ مفاتیح الجنان در باب آداب رفتن به مسجد مذکور می‌باشد سپس آیةالکرسی و سورهٔ «ناس» و «فلق» را بخوان و هفت مرتبه «سبحان اللّه» و هفت مرتبه «الحمدلله» و هفت مرتبه «الله اکبر» و هفت مرتبه «لااله الا الله» بگو، سپس بگو: **«اللهم لک الحمد علیٰ ما هدیتنی و لک الحمد علی ما فضّلتنی و لک الحمد علی ما شرّفتنی و لک الحمد علیٰ کلّ بلاء حَسَنٍ ابلیتنی اللهمّ تقبَّل صلاتی و دعائی و طهِّر قلبی و اشرَحْ صدری و تُب علیَّ اِنّک انتَ التوّاب الرّحیم»**، و در مسجد ننشین تا آنکه دو رکعت نماز تحیّت مسجد را بخوانی و اگر دو رکعت نماز فجر را نخوانده‌ای پس اداء آن از دو رکعت نافله مجزی می‌باشد.

مولف گوید:

که فضیلت و خواص آیةالکرسی بسیار بیشتر از این می‌باشد و حتی در بعضی کتب قریب صد خاصیت برای آیةالکرسی ذکر شده بود که به علت عدم وقوف بر سند و منابع اصلی آن از ذکرش خودداری نمودیم، و اما به دلیل آنکه آیةالکرسی دارای فوائد و فضیلت بسیاری می‌باشد اکثر مردم به قرائت آن مداومت می‌نمایند اما متأسفانه غالباً از معنای این آیهٔ شریفه بی‌اطلاع می‌باشند و مدتها بدون اینکه توجّهی در معنای آن نمایند آن را قرائت می‌کنند، بنابراین مقداری از تفسیر و معنای این آیهٔ شریفه ذکر می‌گردد تا انشاءالله شروعی باشد برای فهم آیات دیگر قرآن خصوصاً سوره‌ها و آیاتی که زیاد قرائت می‌شود و مورد ابتلاء می‌باشد.



معنا و شرح کلمات آیةالکرسی

اللّه ـ کلمهٔ «اللّه» معروفترین اسم خداوند (عظم شأنه) می‌باشد و فقط به خداوند اطلاق می‌گردد، در کتاب شریف «توحید» شیخ صدوق (ره) در بیان خلقت اسماء مبارکه مسطور است که خداوند ابتداءً چهار اسم را خلق فرمود که هر یک از آنها پیش از دیگری نبوده، پس سه نام از نامها را ظاهر گردانید به جهت احتیاج خلائق بسوی آنها

و یک نام از آن اسماء را محجوب و مستور فرمود و آن نامی است که از جمیع خلائق پوشیده است و در خزانهٔ علم خداوند است که غیر از او کسی آن را نمی‌داند و این نامهای سه گانه که ظاهر شد آنچه که در بین آنها کمال ظهور را دارد لفظ «اللّه» می‌باشد و حقتعالیٰ تبارک و تعالیٰ برای هر یک از این اسماء چهار رکن را مسخّر فرمود که مجموعاً از ضرب آن دوازده رکن بدست می‌آید و برای هر یک از این ارکان دوازده‌گانه سی نام آفرید که هر یک از آنها دلالت بر فعلی از افعال حقتعالیٰ عظم شأنه می‌نماید و مجموع آن سیصد و شصت نام می‌شود.

مؤلف گوید: که این قسمتی از روایت بود و طالبین برای مطالعهٔ کامل و دقیق این روایت به کتاب «توحید» شیخ صدوق مراجعه نمایند و کتاب «توحید» بهترین کتب اسلامی در مورد خداشناسی و معارف الهی می‌باشد زیرا تمام معارف الهی در این کتاب بوسیلهٔ تبیین قرار گرفته و بدیهی است که ایشان نیز تمام این مطالب را از منبع وحی خداوند (عزّذکره) دریافت نموده‌اند و چه کسی مانند ذات اقدس الهی قادر بر تعریف و تبیین صفات و معارف خود او می‌باشد.

در جنة الامان الواقیه مذکور است که اسم «اللّه» از جهاتی از اسماء دیگر خداوند امتیاز دارد:

اولاً، این اسم شریف مشهورترین اسماء خداوند تعالی و بالاترین آنها در قرآن و ادعیه می‌باشد.

ثانیاً، کلمهٔ اخلاص و شهادت مخصوص این اسم مبارک می‌باشد و بوسیلهٔ اسم «اللّه» محقّق می‌گردد «قل هو الله احد – اشهد ان لا اله الاّ الله».

ثالثاً، این اسم فقط به ذات مقدس حقتعالیٰ اطلاق می‌گردد و حقیقتاً یا مجازاً به هیچ شیئی غیر از او اطلاق نمی‌گردد.

رابعاً، این اسم مبارک دلالت بر تمام اوصاف ذات مقدس الهی می‌نماید و اسماء مبارکهٔ دیگر به تنهایی چنین اطلاقی ندارند برای مثال خالق فقط بر خالق بودن خداوند، و عالم فقط بر عالم بودن، و قادر بر قادر بودن حقتعالیٰ (عظم شأنه) دلالت دارد به خلاف اسم شریف «الله» که به تنهایی بر تمام اوصاف خداوند دلالت دارد.

خامساً، اسم مبارکهٔ «الله» اسم می‌باشد اما سایر اسماء، صفات الهی می‌باشند.

سادساً، اسماء دیگر مسمیٰ به «الله» می‌گردند اما «الله» مسمّی به دیگر اسماء نمی‌شود، بنابرین گفته نمی‌شود که مثلاً «الله» یکی از اسماء خبیر و حکیم است و نیز گفته نمی‌شود که «الرحمن الله»، «الخبیر الله» بلکه گفته می‌شود «اللهالرحمن» و «الله الخبیر». اما در مورد اصل کلمهٔ مبارکهٔ «الله» و اشتقاق آن، نظریات مختلفی بیان گردیده، و ما بدلیل اینکه این اسم شریف به همین صورت عَلَم گردیده و دلالت تامّه بر ذات اقدس الهی دارد و در قرآن و روایات نیز به همین ترتیب وارد گردیده از بحث در اصل آن خودداری می‌نماییم و طالبین آن به کتب تفسیر و لغت مراجعه نمایند.

الحیّ- اسم مبارک «الحیّ» به دو معنا می‌باشد اول به معنای کسی که پیوسته موجود است و موصوف به حیات می‌باشد و موتی برای او نیست و جهت دیگر معنای «الحیّ» این است که همیشه فعّال و مدرِک می‌باشد و هیچ وقت این صفات از او زائل نمی‌گردد و کسی که فعّال و مدرِک نباشد میّت است، و مرتبهٔ کاملهٔ «حیّ» به این معنا کسی است که تمام مدرَکات در تحت ادراک او مندرج می‌باشند به‌صورتی که هیچ مدرَکی از علم او خارج نبوده و هیچ مخلوقی از افعال او بیرون نمی‌باشد.

القیّوم- اصل کلمهٔ «قیّوم» قیووم بر وزن فیعول می‌باشد الاّ آنکه وقتی یاء و واو جمع شوند و اولی آن دو ساکن باشد واو قلب به یاء مشود و سپس یاء منقلب در یاء اول ادغام شده و «قیّوم» می‌شود.

اما در مورد معانی قیّوم شیخ کفعمی(ره) در «جنةالامان» ذکر نموده که قیّوم به معنای قائم دائمی می‌باشد که بلا زوال بوده است بذاته، و قیام هر موجودی در موجود بودنش و تدبیر و حفظش وابستهٔ به او می‌باشد و گفته شده که به معنای عالِم به امور می‌باشد و یا به معنای موجودِ دائم می‌باشد و معنای اول اصلح است.

السنة- به معنای خواب خفیف و سبک می‌باشد و آن مصدر وَسِنَ، یُوسَنُ، وَسَناً وسِنةً است و مصدر وسن به همان طریق سنة شده که وَسِعَ تبدیل به سِعةً گردیده.

و در مجمع البیان است که سنه یعنی چرت، در سر می‌باشد یعنی مربوط به مغز است و خواب مربوط به قلب و روح می‌باشد.

الکرسی- کرسی لغةً به معنای هر اصلی می‌باشد که بر بروی آن اعتماد و تکیه

بشود.

یؤده- مضارع از فعل آدَ ، یؤدُ، اوداً می‌باشد یعنی سنگین و سخت و مشکل شد برای او ، و لایوده یعنی سنگین و سخت و مشکل نمی‌باشد.

العلیّ- در کتاب «توحید» شیخ صدوق(ره) و «مجمع‌البیان» است که «العلیّ» به معنای اقتدار و قدرت و نفوذِ سلطنت می‌باشد یعنی خداوند عظم شأنه بر تمام مخلوقات با قدرت و قهر و غلبه برتری و علوّ دارد و گفته نمی‌شود رفیع زیرا رفعت در مکان می‌باشد و معنای «علیّ» در مورد خداوند بلندی گرفتن ذات اقدسش بر تمام مخلوقات با نفوذ سلطنت و اقتدار می‌باشد، و معنای دیگر «العلیّ» چنانچه در توحید شیخ صدوق(ره) مذکور است برتری ذات مقدس الهی از امثال و همتایان و آنچه که وسوسه‌های جاهلان و افکار شیطانی در آن فرو رفته و افکار گمراهان بسوی آن میل نموده است، می باشد و این مطابق فرموده کلام او می‌باشد که می‌فرماید: «تعالی عما یشکرون» یعنی علو و برتری دارد بر آنچه که مشرکان در مورد ذات اقدسش (به گمراهی) می‌گویند.

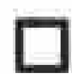
العظیم- در توحید شیخ صدوق(ره) روایت است که حقتعالی عظم شأنه عظیم نامیده شد زیرا که او خالق خلق عظیم و پروردگار عرش عظیم می‌باشد.

الغیّ- به معنای نقیض رشد می‌باشد یعنی رفتن به طریق هلاکت.

الطاغوت- در اصل بر وزن فعلوت بوده و مصدر می‌باشد و اصل آن از طغی و طغیان می‌باشد.

العروة- به معنای طناب و دست آویز می‌باشد و از آن است عروةالدلو یعنی طناب مخصوص دلو چاه.

الانفصام- به معنای انقطاع است و اصل آن از فَصَمَ به معنای بریدن و پاره‌کردن می‌باشد و گفته می‌شود فصمتُه فانفصم یعنی آن را بریدم پس بریده شد.



تفسیر آیةالکرسی

اللّهُ لاإلهَ إلاّ هُوَ الْحَيّ الْقَيُّوم- یعنی خداوند متعال، هیچ معبود و الهی به جز او

نمی‌باشد و هیچ کس غیر از او مستحقّ پرستش و خدائی نمی‌باشد و او حیّ و قیّوم است و معنای حیّ و قیّوم ذکر گردید.

لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوم- هیچ نوع خوابی حقتعالیٰ (عظم شأنه) را فرا نمی‌گیرد نه خواب سبک و نه خواب کامل و گفته شده که معنایش این است که هیچ وقت از خلق غافل نمی‌گردد و در روایت است که مولا یمان حضرت امام جعفر صادق(ع) به حالت متورّک نشسته بود و پای راست را بر روی ران چپ قرار داده بود، پس مردی گفت: فدایت شوم این نشستن مکروهی می‌باشد، پس فرمود، نه بدرستیکه این چیزی است که یهود می‌گویند که هنگامی که خدای عزوجلّ از خلق آسمانها و زمین فارغ شد و بر عرش مستولی گردید به این صورت نشست تا استراحت نماید پس خداوند عزّوجلّ این آیه را در «ردّ کلام باطل آنها» نازل فرمود که الّله لا اله الاّ هو الحی القیوم لا تأخذه سنة و لا نوم، و آن حضرت به همان حال باقی ماند.

لَهُ ما فِي السَّمواتِ وَ ما فِي الأَرْضِ- ملک حقیقی تمام آنچه که در آسمانها و زمین می‌باشد برای خدای عزّوجلّ می‌باشد.

مَنْ ذَا الَّذي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاّ بِإِذْنِهِ- چه کسی است که شفاعت نماید نزد او مگر به اذن او؟، یعنی روز قیامت هیچ کس برای کسی شفاعت نمی‌کند مگر به اذن حقتعالی و در تفسیر نورالثقلین از محاسن برقی روایت نموده که از این آیه سؤال نمودم حضرت امام صادق(ع) فرمودند: آن شفاعت کنندگان ما هستیم.

يَعْلَمُ ما بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ ماخَلْفَهُمْ- خداوند عزّوجلّ آنچه را در جلوی آنها (آینده) و در پشت سر ایشان (قبل از آنها بوده) را می‌داند، مولف گوید:

ظاهراً علت اینکه در این آیه و در آیات دیگر «مابین ایدیهم» مقدّم بر «ماخلفهم» می‌باشد این است که اطلاع ازآینده مهم‌تر از اطلاع از گذشته می‌باشد.

وَلا يُحيطُونَ بِشَيءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلاّ بِما شاءَ- و احاطه پیدا نمی‌نمایند به چیزی از علم الهی مگر به آنچه که خداوند عزوجل خود اراده فرماید، و از روایت تفسیر علی بن ابراهیم قمی(ره) استنباط می‌گردد که منظور انبیاء می‌باشند که هیچ چیزی از علم خدا را نمی‌دانند مگر آنچه که به ایشان وحی شود و اما بطور کلی و در مورد عموم مخلوقات نیز به همین کیفیت می‌باشد، علمی که در نزد جمیع مخلوقات می‌باشد سه

نوع است.

اولاً آنچه که بطور فطری و غریزی در وجود هر موجودی می‌باشد که این علم بوسیلهٔ خداوند عزّوجلّ و به همان صورتی که خود اراده فرموده در نزد هر موجودی من جمله انسان وجود دارد.

ثانیاً علمی که اکتسابی باشد و این علم برای عقلاء می‌باشد و این همان علمی است که انسانها بوسیلهٔ تعلیم آن را یاد می‌گیرند و این علوم نیز جزئی از علم خداوند است و بنابرین هیچ کس بیشتر از آن مقداری که خداوند عزّوجلّ در مورد او اراده فرموده نمی‌تواند یاد بگیرد و این مربوط به مسئلهٔ ضریب هوش هر انسانی می‌شود که این ضریب هوشی را خداوند در هر انسانی به اندازه‌ای که خود اراده فرموده قرار داده است.

نوع سوم علم، علمی است که مربوط به درک معارف الهی و مقام ائمه علیهم‌السلام و حقائق جهان هستی می‌باشد واین علم نوری است که خداوند متعال فقط به بعضی از بندگان خود عنایت می فرماید و آن علم حقیقی و اصلی می‌باشد که بدون آن عقل کامل نشده و انسان واقعی حاصل نگردیده و این همان علمی است که در روایت به آن اشاره شده «العلم نورٌ یقذف اللّه فی قلب من یشاء» علم، نوری است که خداوند متعال در قلب هر کسی که بخواهد می‌افکند، و این نور مخصوص کسانی است که تهذیب نفس نموده و اخلاص در اعمال داشته باشند و در زندگی خود فقط به دنبال جلب رضایت حقتعالیٰ (عظم شأنه) باشند و در این حال سرچشمه‌های این علوم و انوار الهی روز به روز بیش از پیش به قلب ایشان سرازیر می‌گردد و این مخصوص مؤمنین (شیعیان) حقیقی می‌باشد، البته وحی کاملترین نوع این علم است که فقط مخصوص انبیاء بوده و ظاهراً بنابر روایت در این آیه منظور از «الاّ بما شاء» همین نوع علم یعنی وحی می‌باشد.

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّموٰاتِ وَالأَرْضَ ـ کرسی خداوند عزّوجلّ آسمان و زمین را فرا گرفته، در تفسیر نورالثقلین از فضل بن یسار روایت است که گفت از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام از قول خدای عزّوجلّ «وسع کرسیّه السموات و الارض» سؤال نمودم، حضرت فرمودند: یا فضیل السموات و الارض و کل شی فی الکرسی یعنی آسمانها و زمین و هرچیزی در کرسی می‌باشد و در روایت است در مورد قول خداوند

www.telasm.com

«وسع کرسیه السموات والارض» که کدام یک وسیع‌ترند کرسی یا سموات؟ حضرت فرمودند: نه بلکه کرسی فراگرفته آسمانها و زمین را، و عرش و هر چیزی که خداوند خلق فرموده در کرسی می‌باشد و در روایت دیگر است که فرمودند آنچه را که خداوند در مورد عرش و کرسی ثابت نموده ثابت می‌کنیم و نفی می‌کنیم که عرش و کرسی حاوی خداوند عزّوجلّ باشد و آنکه خدای عزّوجلّ محتاج به مکان یا چیزی از مخلوقات خود باشد بلکه خلقش محتاج او می‌باشند.

وَلا يَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ - و حفظ آسمانها و زمین با این همه وسعت و عظمت و دقائق به هیچ عنوان بر خداوند سنگین و مشکل نمی‌باشد و خداوند علیّ و عظیم است.

لا اِكْراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ - در دین اکراه و اجباری نمی‌باشد بعد از آن که رشد و ضلالت از یکدیگر متمایز و تبیین شده است، یعنی بعد از این همه دلائل و آیات و معجزات که از ائمه معصومین علیهم‌السلام و پیامبران ظاهر گردیده حجت تمام شده و در دین اکراهی نمی‌باشد و انسان در پذیرش آن مخیّر است.

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطّاغوت وَيُؤْمِنْ بِاللّه فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقىٰ - پس کسی که کافر گردد به طاغوت و مؤمن شود پس به دستاویز محکمی دست انداخته است، و در تفسیر نورالثقلین روایت است که منظور از طاغوت شیطان می‌باشد و در تفسیر علی بن ابراهیم قمی(ره) روایت است که منظور از کفر به طاغوت کفر به کسانی است که حق آل محمّد علیهم‌السلام را غصب نمودند ومنظور از مؤمن کسانی هستند که به ولایت أئمّهٔ معصومین علیهم‌السلام ایمان آوردند پس ایشان به عروةالوثقی دست انداخته‌اند و از حضرت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که هر کس دوست دارد که سفینهٔ نجات را سوار شود و به عروةالوثقی چنگ بزند و به حبل الله المتین اعتصام نماید پس باید بعد از من علی را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد و باید ائمهٔ هدیٰ از فرزندانش را امام خود بداند و نیز در تفسیر نورالثقلین از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت نموده که فرمودند: کسی که دوست دارد که چنگ بزند به عروةالوثقی که بعد از آن انفصال و ضلالتی نباشد پس دست بیاویزد به ولایت برادر و وصیّم علی بن ابی طالب پس بدرستیکه هلاک نمی‌گردد کسی که او را دوست داشته و ولایت او را داشته باشد و نجات نمی‌یابد کسی

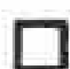
که بغض او را داشته و دشمن او باشد و از مولایمان حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا(ع) روایت نموده که فرمودند: ما حجت‌های خداوند در زمین او هستیم و ما کلمهٔ تقوی و عروةالوثقیٰ می‌باشیم.

لاانْفِصامَ لَها واللّهُ سَميعٌ عَليمٌ - کسی که دست بیاویزد به عروةالوثقی یعنی ولایت ائمه(ع) پس برای او جدایی و گمراهی نیست و خداوند سمیع و علیم است.

اللّهُ وَلِيُّ الّذينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّور وَالّذين كَفَرُوا أَوْليائُهُمُ الطّاغوت يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ أُولئِكَ أَصْحاب النّارِ هُم فِيها خالِدُونْ - خداوند ولیّ کسانی‌است که ایمان آوردند وایشان را از ظلمات وارد نور می‌فرماید و کسانیکه کافر شدند اولیائشان طاغوت می‌باشد وآنها ایشان راز نور بسوی ظلمات خارج می‌کنند و آنها اهل جهنم و در آن جاودان می‌باشند. در روایت است که منظور از کسانیکه ایمان آوردند، کسانی می‌باشند که به ولایت ائمه(ع) مؤمن شدند یعنی شیعیان ایشان، پس خداوند آنها را از ظلمات گناهانشان به سوی نور مغفرت و توبه خارج می‌فرماید.

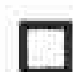
و نیز در تفسیر نورالثقلین و دیگر تفاسیر است که منظور از کسانی که کافر می‌شوند آنهایی هستند که ظالم به حق آل محمد(ص) می‌باشند و اولیاء آنها طاغوت می‌باشد و آنها کسانی هستند که تبعیت غاصبین آل محمد(ص) را نموده‌اند و آنها ایشان را از نور(اسلام) خارج نموده و به ظلمات کفر می‌برند و آنها در جهنم خالد می‌باشند.

مؤلف گوید: معنای این آیهٔ شریفه از دقائق و نکات ظریفهٔ قرآن می‌باشد که فقط به عقیدهٔ شیعه و روایات ائمه(ع) قابل معنا می‌باشد والاّ معنایی ندارد که گفته شود کسانی که کافر بوده‌اند از نور به سوی ظلمت خارج می‌شوند زیرا کسی که از ابتدا کافر بوده در نوری نبوده تا بعداً از آن نور به ظلمت خارج شود بلکه منظور کسی است که در نور اسلام قرار داشته اما با پذیرفتن امامت امامی که از سوی خداوند نبوده از نور اسلام بوسیلهٔ آن ائمه غیر حقیقی، خارج شده است.



سوره نساء

از حضرت امیر المؤمنین﷣ روایت است که فرمودند: هر کس که سورهٔ «نساء» را هر جمعه بخواند از فشار قبر ایمن می‌گردد.



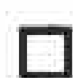
سورهٔ مائده

از حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر﷣ روایت است که فرمودند:
هر کس در هر پنجشنبه سورهٔ «مائده» را بخواند ایمانش هرگز به ظلم یا شرکی آلوده نمی‌شود.



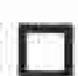
سورهٔ انعام

از ابن عباس روایت است که هر کس سورهٔ «انعام» را هر شب بخواند روز قیامت از ایمن شدگان می‌باشد و روی آتش را به چشم خود نمی‌بیند و حضرت امام صادق﷣ فرمودند:
سورهٔ «انعام» به صورت یک جملهٔ واحده نازل شد و هفتاد هزار مَلک آن را مشایعت نمودند تا به پیامبرﷺ نازل شد پس آن را تعظیم و تجلیل نمودند و بدرستیکه اسم خداوند در هفتاد موضع آن می‌باشد و اگر مردم می‌دانستند چه چیزی در سورهٔ «انعام» می‌باشد آن را ترک نمی‌کردند.
و علی بن ابراهیم قمی از مولایمان حضرت امام ابی الحسن علی بن موسی الرضا﷣ روایت نموده که فرمودند:
سورهٔ «انعام» یک مرتبه نازل گردید و هفتاد هزار مَلک آن را مشایعت می‌نمودند که صدایشان به تسبیح و تکبیر و تهلیل مشغول بود پس کسی که این سوره را بخواند آن ملائکه تا روز قیامت برای او تسبیح می‌گویند.



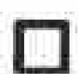
سورهٔ اعراف

از مولایمان حضرت امام ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت است که هر کسی سورهٔ «اعراف» را در هر ماه بخواند از جملهٔ «**الذین لاخوف علیهم و لاهم یحزنون**» (کسانی که خوف و ناراحتی برایشان نیست) خواهد بود و اگر در هر جمعه بخواند از کسانی که روز قیامت حسابشان را نمی‌کشند خواهد بود.



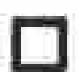
سورهٔ انفال و برائت

ابو بصیر از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «انفال» و سورهٔ «توبه» را در هر ماه بخواند نفاق هرگز به او راه نمی‌یابد و از شیعهٔ حضرت امیرالمؤمنین(ع) خواهد بود و در تفسیر عیاشی(ره) اضافهٔ بر این بود که در روز قیامت از مائده‌های بهشتی می‌خورد تا مردم از حساب فارغ شوند.



سورهٔ یونس

از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت است که هر کس سورهٔ «یونس» را در هر دو ماه یا سه ماه بخواند بر او بیم نباشد که از جاهدان باشد و روز قیامت از مقرّبان می‌باشد.



سورهٔ هود

از مولایمان حضرت امام ابی جعفر بن علی الباقر(ع) روایت است که هر کس سورهٔ «هود» را هر جمعه بخواند با پیامبران مبعوث شود و حسابش به آسانی انجام شود و معلوم نمی‌گردد که او گناهی کرده است.

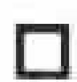
سورهٔ یوسف

ابوبصیر از حضرت امام صادق(ع) روایت نموده که فرمودند:
هر کس سورهٔ «یوسف» را هر روز یا هر شب بخواند خداوند عزّوجل او را محشور فرماید در حالیکه جمال او مانند جمال یوسف(ع) باشد و فزع روز قیامت به او اصابت نمی‌کند و از خیار عباداللّه الصالحین می‌باشد.



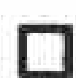
سورهٔ رعد

از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت است که هر کس سورهٔ «رعد» را بسیار بخواند خداوند جلّت عظمته او را به مصیبت صاعقه گرفتار نفرماید اگر چه مخالف باشد اما اگر شیعه باشد بی حساب داخل بهشت می‌گردد و شفاعت او در حق آشنایان و خانواده و برادرانش قبول می‌گردد.



سورهٔ نحل

شیخ صدوق(ره) از حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر(ع) روایت نموده که فرمودند هر کس که سورهٔ مبارکهٔ «نحل» را هر ماه‌بخواند قرض او در دنیا کفایت می‌شود و هفتاد نوع بلا از او دور می‌گردد که کمترین آن دیوانگی و جذام و پیسی می‌باشد و مَسکن او در جنت عدن که در وسط بهشت قرار دارد می‌باشد.

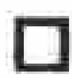


سورهٔ بنی‌اسرائیل (اسریٰ)

شیخ صدوق(ره) از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت نموده که فرمودند: هر کس در هر شب جمعه سورهٔ «اسری» را بخواند نمی‌میرد تا آنکه حضرت قائم(عج) را درک نماید و از اصحاب آن حضرت می‌باشد.

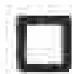
سورهٔ کهف

شیخ صدوق(ره) از حضرت امام ابی عبدالله الصادق(ع) روایت نموده که فرمودند:
هر کس هر شب جمعه سورهٔ «کهف» را بخواند نمی‌میرد مگر شهید، و خداوند او را از شهدا مبعوث می‌فرماید و روز قیامت با شهدا می‌ایستد و نیز فرمودند: هر کس که سورهٔ «کهف» را در هر شب جمعه بخواند کفارهٔ مابین جمعه تا جمعه می‌باشد و روایت است که خواندن سورهٔ «کهف» در ظهر یا عصر جمعه نیز همین فضیلت را دارا می‌باشد.



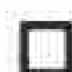
سورهٔ مریم

در روایت است که حضرت امام جعفر بن محمد الّصادق(ع) فرمودند:
کسی که به سورهٔ «مریم» مداومت نماید نمی‌میرد تا آن که به او برسد آنچه که او را غنی می‌نماید در جان و مال و فرزندانش، و به او از اجر آنچنان اعطا می‌گردد که مثل مُلک سلیمان بن داود در دنیا باشد.



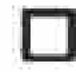
سورهٔ طه

از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت است که فرمودند:
قرائت سورهٔ «طه» را رها مکن بدرستیکه خداوند این سوره را و کسی که آن را بخواند را دوست می‌دارد و کسی که بر قرائت سورهٔ طه مداومت نماید خداوند روز قیامت کتاب او را به دست راستش می‌دهد و از او به آنچه که در اسلام (موقع مسلمان بودن) عمل نموده محاسبه نمی‌فرماید و به او از اجر آنقدر می‌دهد که راضی گردد.



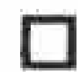
سورۀ حج

از مولایمان حضرت امام ابی عبدالله صادق(ع) روایت است که فرمودند: هر کس هر سه روز یک بار سورۀ «حج» را بخواند سال را سپری نمی‌کند تا آنکه به بیت الله الحرام مشرف گردد و اگر در سفرش از دنیا رفت وارد بهشت می‌شود، سؤال شد که اگر مخالف باشد چطور؟ حضرت فرمودند: بعضی از آنچه را که در او بوده از او تخفیف می‌گردد.



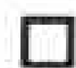
سورۀ مؤمنون

حسین بن ابی العلاء از حضرت امام ابی عبدالله الصادق(ع) روایت نموده که فرمودند: کسی که سورۀ «مومنون» را بخواند خداوند برای او به سعادت ختم فرماید و اگر قرائت آن را در هر جمعه مداومت نماید منزل او در فردوس اعلی با انبیاء و مرسلین می‌باشد.



سورۀ نور

از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت است که فرمودند: حفظ نمائید اموال و فروج خود را بوسیلۀ تلاوت سورۀ مبارکۀ «نور» و حفظ نمائید همسران خود را با سورۀ مبارکۀ «نور».



سورۀ فرقان

در روایت است که حضرت ابی الحَسَنْ(ع) به اسحق بن عمار فرمودند: ای پسر عمار قرائت سورۀ **«تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده»** را رها مکن پس بدرستیکه هر کس هر شب این سوره را بخواند خداوند او را ابداً عذاب نمی‌فرماید و از او حساب نمی‌کشد و منزل او در فردوس اعلی می‌باشد.

سوره‌های طواسین

از مولایمان حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت است که فرمودند:

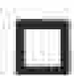
هر کس که سوره‌های طواسین ثلاثه (شعراء، نمل، قصص) را در شب جمعه بخواند از اولیاء الله بوده و در جوار و حفظ خداوند عظم شأنه می‌باشد و در دنیا فقر و بدبختی به او نمی‌رسد و در آخرت آنقدر از بهشت به او اعطا می‌شود تا راضی گردد و بیشتر از رضایتش هم به او کرامت می‌فرماید و صد زوجه از حورالعین به او تزویج می‌فرماید.



سورهٔ لقمان

شیخ صدوق(ره) از مولایمان حضرت امام باقر(ع) روایت نموده که فرمودند:

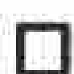
هر کس سورهٔ «لقمان» را در هر شب بخواند خداوند عظم شأنه ملائکه‌ای را موکّل می‌فرماید تا او را در آن شب از ابلیس و لشکریانش حفظ نمایند تا آنکه صبح نماید پس اگر هنگام روز بخواند پیوسته او را از ابلیس و لشکریانش حفظ می‌نماید تا شب نماید.



سورهٔ سجده

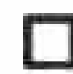
حسین بن ابی العلاء از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت نموده که فرمودند:

هر کس که در هر شب جمعه سورهٔ «سجده» را بخواند خداوند کتاب او را به دست راستش می‌دهد و او را در آنچه از او بوده محاسبه نمی‌فرماید و از رفقاء محمد(ص) و اهل بیت طاهرینش می‌باشد.



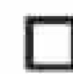
سورهٔ احزاب

از مولایمان حضرت امام ابی عبدالله الصادق(ع) روایت است که فرمودند: کسی که زیاد سورهٔ «احزاب» را قرائت نماید روز قیامت در جوار حضرت محمد(ص) و همسرانش خواهد بود. (البته منظور حضرت از ازواج پیامبر(ص) کسانی می‌باشند که در زمان پیامبر(ص) در اطاعت آن حضرت و بعد از پیامبر(ص) مطیع فرمان امام خود حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) بودند).



سورهٔ سباء و فاطر

از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت است که فرمودند: کسی که سورهٔ «سبا» و «فاطر» را در شب بخواند در آن شب در حفظ خداوند خواهد بود پس کسی که این دو سوره را در روز بخواند در آن روز به او مکروه و ناراحتی نمی‌رسد و از خیر دنیا و آخرت آنقدر به او اعطا می‌گردد که به قلب او خطور نمی‌کرد و آرزویش به آن نمی‌رسید.

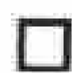


سورهٔ یس

از مولایمان حضرت امام جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت است که فرمودند: بدرستیکه برای هر چیزی قلبی می‌باشد و قلب قرآن «یس» است پس کسی که در هنگام روز قبل از آنکه شب نماید (اول روز) سورهٔ «یس» را بخواند در آن روز از محفوظین و مرزوقین می‌باشد تاآنکه شب نماید و کسی که در شب قبل از آنکه بخوابد سورهٔ «یس» را بخواند حقتعالی عزّوجلّ هزار مَلک را موکّل می‌فرماید تا او را از شر هر شیطان رجیم و هر آفتی حفظ نمایند و اگر در آن روز از دنیا برود خداوند او را داخل بهشت فرماید و هنگام غسل او سی هزار مَلک حاضر می‌شوند و همهٔ آنها برای او استغفار می‌نمایند و او را بسوی قبرش تشیع می‌نمایند، پس هنگامی که داخل در لَحَدش شد آن ملائکه در کنار قبرش بوده و عبادت خداوند را می‌نمایند و ثواب

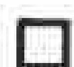
عبادتشان برای او می‌باشد و قبرش را تا جایی که چشمش دید دارد برای او فراخ می‌نمایند و از فشار قبر ایمن می‌گردد و پیوسته نوری از قبر او به سوی اطراف آسمان ساطع است تا آنکه خداوند عزّوجلّ او را از قبرش خارج فرماید پس هنگامی که او را خارج نماید پیوسته ملائکهٔ خداوند او را مشایعت می‌نمایند و او را حدیث نموده و در روی او می‌خندند و او را به هر خیری بشارت می‌دهند تا آنکه او را از صراط و میزان عبور دهند و او را در موقفی قرار می‌دهند که هیچ خلقی از آن موقف به حقتعالی عظم شأنه نزدیکتر نمی‌باشند مگر ملائکهٔ مقرّب و پیامبران مرسل، و با انبیاء در نزد خداوند می‌باشد و ناراحت نمی‌گردد با کسی که ناراحت می‌شود و اهتمامی پیدا نمی‌کند با کسی که اهتمام دارد و جزع نمی‌کند با کسی که جزع می‌نماید (ظاهراً یعنی اینکه مانند دیگر افراد در روز قیامت ناراحت و نگران نمی‌باشد) سپس پروردگار تعالی می‌فرماید: ای بندهٔ من شفاعت کن (قبول) شفاعت می‌نمایم در جمیع آنکه شفاعت نمایی و سؤال کن مرا، جمیع آنچه را که بخواهی به تو اعطا می‌نمایم، الی آخر روایت که شامل فضائل دیگری برای این شخص می‌باشد.

و در مکارم الاخلاق طبرسی روایت شده که «یٰس» برای دنیا و آخرت و برای حفظ از هر آفت و بلایی در جان و اهل و مال خوانده می‌شود.



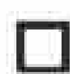
سورهٔ صافات

از مولایمان حضرت امام صادق علیه السلام روایت است که فرمودند: هر کس که سورهٔ «صافات» را در هر روز جمعه بخواند پیوسته از هر آفتی محفوظ می‌باشد و هر بلائی در دنیا از او رفع شده و در دنیا به بهترین وجه روزی داده می‌شود و خداوند نمی‌گذارد که بدی و مکروهی در مال و فرزندان و دینش از شیطان رجیم و نه ستمگر سرکشی به او اصابت نماید. و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد خداوند او را شهید مبعوث می‌فرماید و او را با شهدا در درجه‌ای از بهشت داخل می‌فرماید.



سورهٔ ص

از حضرت امام محمد باقر(ع) روایت است که فرمودند: کسی که سورهٔ «ص» را در شب جمعه بخواند از خیر دنیا و آخرت به اندازه‌ای به او اعطا می‌شود که به هیچ یک از مردم داده نشده مگر پیامبر مرسل یا ملک مقرب بوده باشد و خداوند او را و هر کس از خانواده‌اش را که دوست دارد حتی خادمش را وارد بهشت می‌فرماید اگر چه در حد خانواده‌اش نیز در حد کسی که شفاعت او را هم بنماید نمی‌باشد.



سورهٔ زمر

در فقه الرضا(ع) روایت است که هر کس سورهٔ مبارکهٔ «زمر» را بخواند خداوند عزّوجلّ شرف دنیا و آخرت را به او اعطا می‌فرماید و او را بدون مال و عشیره عزّت می‌بخشد.



سورهٔ مؤمن

از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر(ع) روایت است که فرمودند: کسی که هر شب سورهٔ «مؤمن» را بخواند خداوند گناهان گذشته و آیندهٔ او را بیامرزد و او را ملزم به کلمهٔ تقوی می‌نماید و آخرت او را بهتر از دنیایش قرارمی‌دهد.



سورهٔ حمعسق (شوریٰ)

از حضرت امام جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت است که فرمودند: کسی که سورهٔ «شوریٰ» را قرائت (مداومت) نماید خداوند او را روز قیامت در حالی محشور فرماید که صورت او مثل برف یا خورشید سفید باشد تا آنکه در نزد حقتعالی جلّت عظمته قرارگیرد پس می‌فرماید ای بندهٔ من قرائت سورهٔ «حمعسق» را مداومت نمودی و ثواب آن را

نمی‌دانستی اما اگر ثواب آن را می‌دانستی از قرائت آن ملال نمی‌یافتی اما بزودی جزای آن را به تو می‌دهم و می‌فرماید که او را داخل بهشت نمائید و برای او در بهشت قصری از یاقوت سرخ می‌باشد و درها و کنگره و پایه‌های آن نیز یاقوت سرخ است و خارج آن از داخلش نمایان و داخل آن نیز از خارجش نمایان می‌باشد و در آن پنج‌هزار نفر از ولدان مخلدون که خداوند عزّوجلّ آن را توصیف فرموده می‌باشند.



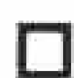
سورهٔ زخرف

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام روایت نموده که فرمودند: کسی که بر قرائت سورهٔ «زخرف» مداومت نماید خداوند او را در قبر از جانوران زمین و فشار قبر ایمن می‌فرماید تا آنکه در نزد حقتعالی عظم شأنه قرارگیرد سپس می‌آید تا آنکه به امر خداوند او را داخل بهشت گرداند.



سورهٔ دخان

ابوحمزه از حضرت امام باقر علیه السلام روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «دخان» را در نمازهای واجب و نافلهٔ خود بخواند خداوند روز قیامت او را با آمنین مبعوث می‌فرماید و او را در سایهٔ عرش قرارمی‌دهد و حساب آسانی از او می‌فرماید و کتابش را بدست راستش اعطا می‌فرماید.

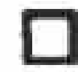


سورهٔ جاثیه

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام صادق علیه السلام روایت می‌نماید که فرمودند: کسی که سورهٔ «جاثیه» را قرائت نماید ابداً آتش رانمی‌بیند و صدای زفیر و شهیق جهنم را نمی‌شنود و همراه حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد.

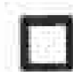
سورهٔ احقاف

عبدالله بن ابی یعفور از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت نموده که فرمودند: کسی که هر شب یا هر جمعه سورهٔ «احقاف» را بخواند خداوند در دنیا به او ترسی نمی‌رساند و او را از فزع روز قیامت ایمن فرماید انشاءالله.



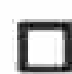
سورهٔ محمد(ص)

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ **«الذین کفروا»** را بخواند ابداً دچار ریب نمی‌شود و شکی در دین او وارد نمی‌شود و خداوند او را به فقری مبتلا نمی‌فرماید و نه او را به خوف سلطانی دچار فرماید و پیوسته از شک و کفر محفوظ باشد تا از دنیا برود پس هنگامی که مُرد، خداوند هزار مَلک را در قبر او موکّل می‌فرماید که نماز بگذارند و ثواب نمازشان برای او باشد و او را مشایعت می‌نمایند تا در موقف امن، نزد حقتعالی قرارگیرد و در امان خداوند عزّوجلّ و حضرت محمد(ص) می‌باشد.



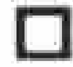
سورهٔ فتح

عبدالله بن بکیر از پدرش از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت می‌نماید که فرمودند: محافظت نمائید اموال و زنان و کنیزانتان را از تلف شدن با قرائت **«انافتحنا لک فتحا مبینا»** پس بدرستیکه کسی که مداومت نماید بر قرائت این سوره، روز قیامت منادیی ندا می‌کند بطوریکه همهٔ خلائق صدای او را می‌شنوند که تو از بندگان مخلص من هستی پس او را به صالحین از بندگانم ملحق نمائید و او را داخل جنات نعیم نموده و از رحیق مختوم به مزاج کافور به او بیاشامانید.



سورهٔ حجرات

حسین بن‌ابی العلاء از مولایمان حضرت امام صادق‌ؑ روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «حجرات» را هر شب یا هر روز بخواند از زوار حضرت محمد ﷺ می‌باشد.



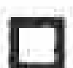
سورهٔ ق

ابوحمزهٔ ثمالی از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی‌ؑ روایت می‌نماید که فرمودند: کسی که برخواند سورهٔ «ق» در نمازهای واجب و نافلهٔ خود مداومت نماید خداوند در روزی او وسعت فرماید و کتاب او را به دست راستش می‌دهد و حساب آسانی از او می‌فرماید.



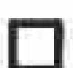
سورهٔ ذاریات

داود بن فرقد از مولایمان حضرت امام صادق‌ؑ روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «ذاریات» را در روز یا شبش بخواند خداوند در معیشت او اصلاح قرار دهد و روزی واسع برای او آورده و نوری برای او در قبرش آورد که با چراغی تا روز قیامت بدرخشد.



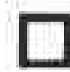
سورهٔ طور

محمد بن مسلم از حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی‌ؑ روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «طور» را بخواند خداوند عزّوجلّ خیر دنیا و آخرت را برای او جمع فرماید.



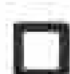
سورهٔ نجم

از مولایمان حضرت امام ابی عبدالله جعفر بن محمدؑ روایت است که فرمودند: کسی که بر قرائت سورهٔ «والنجم» در هر روز یا هر شب مداومت نماید در بین مردم زندگی می‌کند در حالیکه مورد ستایش بوده و کامل (توانگر) و محبوب در بین ایشان می‌باشد.



سورهٔ الرحمن

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام صادقؑ روایت نموده که فرمودند: قرائت سورهٔ «الرحمن» و قیام به آن را رها نکن پس بدرستیکه آن در قلوب منافقین قرار نمی‌گیرد و روز قیامت خداوند عزّوجلّ این سوره را به صورت آدمی در بهترین صورتها و خوشبوترین بوها می‌آورد تا آنکه قرار می‌گیرد در موقفی نسبت به خداوند که از آن موقف نزدیکتر به خداوند نمی‌باشد پس خداوند به او خطاب می‌فرماید چه کسی در حیات دنیا بر قرائت تو در دنیا مداومت می‌نمود پس می‌گوید ای پروردگار فلان و فلان، پس صورتهای آن اشخاص سفید می‌گردد (از شادی) پس خداوند به ایشان می‌فرماید شفاعت نمائید برای کسانی که آنها را دوست دارید پس شفاعت می‌نماید تا آنکه انتهائی برای ایشان نمی‌ماند و نه شخصی که دیگر برای او شفاعت نماید پس به ایشان می‌فرماید داخل بهشت شوید و هر جا که خواستید مسکن نمائید. و نیز روایت است که فرمودند: کسی که سورهٔ «الرحمن» را بخواند و هر مرتبه که به «**فبأیّ الاء ربکما تکذبون**» رسید بگوید: «**لا بشيٍ من آلائک رَبِّ أُکذِّبُ**» (به چیزی از نعمت‌هایت ای پروردگار تکذیب نمی‌نمایم) پس اگر در شبش خواند و مُرد شهید از دنیا رفته و اگر در روز خواند و مُرد نیز شهید از دنیا رفته.

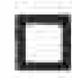


سورهٔ واقعه

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام ابی عبدالله جعفر بن محمد(ع) روایت نموده که فرمودند:

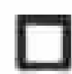
کسی که در هر شب جمعه سورهٔ «واقعه» را بخواند خداوند او را دوست می‌دارد و او را نسبت به تمام مردم محبوب می‌فرماید و در دنیا بدبختی و فقر و فاقه و آفتی از آفات دنیا را نبیند و از رفقاء حضرت امیرالمؤمنین(ع) باشد و این سوره مخصوص حضرت امیرالمؤمنین(ع) بوده و هیچ کسی با آن حضرت در این سوره شریک نمی‌باشد.

در روایت دیگر است که فرمودند: کسی که مشتاق بهشت و صفات آن می‌باشد باید سورهٔ «واقعه» را بخواند و کسی که دوست دارد که صفات آتش و جهنم را ببیند پس باید سجده لقمان (منظور سورهٔ سجده‌ای است که کنار سورهٔ لقمان می‌باشد و به آن سجده لقمان می‌گویند که با سورهٔ حم سجد اشتباه نشود) را بخواند (ظاهراً مقصود خواب دیدن بهشت و جهنم می‌باشد). و نیز روایت است کسی که سورهٔ «واقعه» را هر شب قبل از خواب بخواند خداوند عزّوجلّ را ملاقات نماید در حالیکه صورتش مانند ماه شب چهارده می‌باشد.



سورهٔ حدید و مجادله

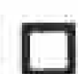
حسین بن ابی العلاء از مولایمان حضرت امام ابی عبدالله الصادق(ع) روایت نموده که فرمودند: کسی که به قرائت سورهٔ «حدید» و «مجادله» در نمازهای واجب مداومت نماید خداوند او را عذاب نمی‌نماید ابداً تا آنکه از دنیا برود و در جان خود و خانواده‌اش ابداً بدی نبیند و ضرری در بدن خود نمی‌بیند.



سوره حشر

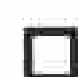
معقل بن یسار از حضرت رسول الله(ص) روایت نموده که فرمودند: هر کس که

هنگام صبح سه مرتبه بگوید **«اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»** و سه آیهٔ آخر سورهٔ «حشر» از **لوانزلنا** را بخواند خداوند هفتاد هزار ملک را موکل می‌فرماید که برای او دعا نمایند تا آنکه شب نماید پس اگر در آن روز از دنیا رفت شهید محسوب می‌گردد و اگر شب بگوید نیز همین فضیلت برای او می‌باشد.



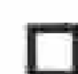
سورهٔ ممتحنه

ابوحمزهٔ ثمالی از مولایمان حضرت امام علی بن الحسین علیه السلام روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «ممتحنه» را در نمازهای واجب و نافله بخواند خداوند قلب او برای ایمان امتحان فرماید و چشمش را نورانی فرموده و فقر و جنون به او و فرزندانش اصابت ننماید.



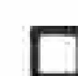
سورهٔ صف

ابوبصیر از حضرت امام باقر علیه السلام روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «صف» را بخواند و بر قرائت آن در نمازهای واجب و نافله خود مداومت نماید خداوند عزّوجلّ او را در صف ملائکه و انبیاء مرسلین قرار دهد.



سورهٔ تغابن

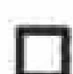
ابوبصیر از مولایمان حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «تغابن» را در نماز واجب بخواند آن سوره روز قیامت برای او شفیع می‌باشد و شاهد عدلی برای اوست نزد کسی که شهادتش را مجزی می‌داند سپس از او جدا نمی‌شود تا آنکه داخل بهشت گردد.



ثواب مسبّحات و درک حضرت قائم(عج)

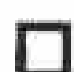
از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر(ع) روایت است که فرمودند: کسی که سوره‌های مسبحات را قبل از خواب بخواند نمیرد تا آنکه حضرت قائم(عج) را درک نماید و اگر مرد در جوار پیامبر(ص) می‌باشد.

مسبحات سوره‌هایی هستند که کلمه «**سبح**» در ابتدای آن می‌باشد و آن عبارت از: سورهٔ «حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن» می‌باشد.



سوره طلاق و تحریم

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «طلاق» و «تحریم» را در نماز واجب بخواند خداوند او را پناه می‌دهد از اینکه روز قیامت از کسانی نمی‌باشد که بترسد یا محزون باشد. و از آتش در امان باشد و خداوند او را داخل در بهشت می‌فرماید بواسطهٔ تلاوت آن دو سوره و محافظت و مداومت بر آن، زیرا این دو سوره برای پیامبر(ص) می‌باشد.



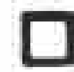
سوره ملک

و نیز از آن حضرت روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «**تبارک الذی بیده الملک**» را در نماز واجب بخواند قبل از آنکه بخوابد پیوسته در امان خداوند عزّوجلّ می‌باشد تا آنکه صبح نماید و در امان خداوند می‌باشد در روز قیامت تا داخل بهشت گردد.

و سید بن طاووس از حضرت رسول الله(ص) روایت نموده که فرمودند: کسی در شب سورهٔ «سجده» (**الم تنزیل**) و «**تبارک الذی بیده الملک**» را بخواند برای او از اجر مثل شب قدر می‌باشد.

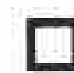
سورهٔ قلم

علی بن الصایغ از مولایمان حضرت امام جعفر بن محمد﷣ روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «ن والقلم» را در نماز واجب یا نافله بخواند خداوند متعال او را ایمن می‌فرماید از اینکه فقر به او اصابت نماید و خداوند او را از فشار قبر پناه می‌دهد.



سورهٔ الحاقه

از مولایمان حضرت امام صادق﷣ روایت است که فرمودند: بسیار زیاد نمائید قرائت سورهٔ «الحاقه» را پس بدرستیکه قرائت آن در نمازهای واجب و نافله از ایمان به خداوند و رسولش می‌باشد. زیرا که این سوره در مورد حضرت امیرالمؤمنین﷣ و معاویه نازل گردید و دین قاری آن سلب نمی‌شود تا آنکه خداوند عزّوجلّ را ملاقات نماید.



سورهٔ معارج

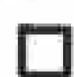
از مولایمان حضرت امام صادق﷣ روایت است که فرمودند: بسیار زیاد نمائید قرائت «سأل سائل» را پس بدرستیکه هر کس زیاد این سوره را بخواند خداوند روز قیامت از او در مورد گناهانش سؤال نمی‌فرماید و او را با حضرت محمدﷺ در بهشت ساکن می‌فرماید انشاءالله.



سورهٔ نوح

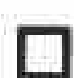
از مولایمان حضرت امام جعفر بن محمد الصادق﷣ روایت است که فرمودند: کسی که ایمان به خداوند دارد و کتابش را می‌خواند قرائت سورهٔ «**انا ارسلنا نوحا الی قومه**» را ترک نمی‌نماید پس بدرستیکه هر بنده‌ای این سوره را در نماز واجب یا نافله بخواند در حالیکه امیدوار به اجر خداوند و صابر باشد خداوند عزّوجلّ او را در مساکن

ابرار مسکن می‌دهد و سه باغ بهشتی با باغ بهشتی خود او را از روی کرامت الهی به او اعطا می‌فرماید و دویست حوریه و چهار هزار زن ثیّب به او تزویج می‌فرماید.



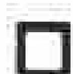
سورهٔ جن

حنان بن سدیر از مولایمان حضرت امام ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام روایت نموده که فرمودند: کسی که بسیار نماید قرائت سورهٔ «**قل اوحی الیّ**» را در حیات دنیا چیزی از چشم و دمیدن و سحر و کیْد اَجِنَّهِ به او اصابت نمی‌نماید و با حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشد پس می‌گوید ای پروردگار من عوض و تغییر حولی از آن را نمی‌خواهم (به آن راضی می‌باشم).



سورهٔ مزمل

از حضرت امام الصادق علیه‌السلام روایت است که فرمودند: کسی که سورهٔ «مزمل» را در نماز عشا یا در آخر شب بخواند شب و روز برای او شاهد هستند همراه سورهٔ «مزمل» و خداوند زنده می‌دارد او را به حیات طیبه و می‌میراند او را به مردن طیبه.



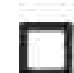
سورهٔ مدثر

محمد بن مسلم از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی‌الباقر علیه‌السلام روایت نموده که فرمودند:

کسی که سورهٔ «مدثر» را در نماز واجب بخواند بر خداوند حق است که او را با حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و در درجهٔ آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار دهد و در زندگانی دنیا بدبختی به او نمی‌رسد انشاءالله تعالی.

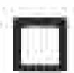
سورهٔ قیامت

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام باقر(ع) روایت نموده که فرمودند:
کسی که به قرائت سورهٔ «لا اقسم» مداومت نماید در حالیکه به آن عمل می‌نماید خداوند عزّوجلّ او را با حضرت رسول الله(ص)، از قبرش در بهترین صورتها مبعوث می‌فرماید و به او بشارت می‌دهد و در صورتش خنده می‌باشد تا از صراط و میزان عبور نماید.



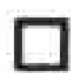
سورهٔ انسان

عَمروبن جبیر عزرمی از پدرش از مولایمان حضرت امام باقر(ع) روایت نموده که فرمودند:
کسی که سورهٔ «**هل اتی علی الانسان**» را در هر صبح پنجشنبه بخواند خداوند او را تزویج می‌فرماید از حور العین که هشتصد نفر آن از عذراء و چهار هزار نفر آن از زنان ثیب و حوریه‌ای از حورالعین می‌باشند و همراه حضرت محمد(ص) می‌باشند.



سورهٔ مرسلات و نباء و نازعات

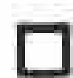
حسین بن عَمرو رمانی از پدرش از حضرت امام صادق(ع) روایت نموده که فرمودند:
کسی که «المرسلات عرفا» را بخواند خداوند او را به حضرت محمد(ص) شناسا گرداند و کسی که سورهٔ «عم یتسائلون» را بخواند در حالیکه هر روز بر قرائت آن مداومت نماید از آن سال خارج نمی‌گردد تا آنکه بیت‌الله‌الحرام را زیارت نماید انشاءالله و کسی که «والنازعات» را بخواند نمی‌میرد مگر سیراب و خداوند عزّوجلّ او را مبعوث نمی‌فرماید مگر سیراب و داخل بهشت نمی‌گردد مگر سیراب.



سورهٔ انفطار و انشقاق

حسین بن ابی العلاء از مولایمان حضرت امام صادق علیه السلام روایت نمود که فرمودند:

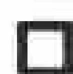
کسی که این دو سوره «انفطار و انشقاق» را بخواند و آن دو را نصب العین در نمازهای واجب و نافله قرار دهد خداوند عزّوجلّ او را از حاجتی محجوب نمی‌فرماید و مانعی او را از خداوند عظم شأنه منع نمی‌نماید و پیوسته به او نظر می‌نماید تا از حساب مردم فارغ گردد.



سورهٔ مطففین

صفوان جمال از مولایمان حضرت امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمودند:

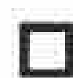
کسی که در نماز واجب «ویل للمطففین» را بخواند خداوند عزّوجلّ به او امان از آتش را در روز قیامت اعطا می‌فرماید و آتش (جهنم) او را نمی‌بیند و او هم آتش را نمی‌بیند و از پل جهنم نمی‌گذرد و روز قیامت از او محاسبه نمی‌گردد.



سورهٔ بروج

یونس بن ظبیان از مولایمان حضرت امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمودند:

کسی که سورهٔ «**والسماء ذات البروج**» را در نمازهای واجب بخواند پس آن سورهٔ پیامبران است (بنابراین) محشر و موقف او همراه انبیاء و مرسلین و صالحین می‌باشد.

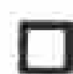


سورهٔ طارق

مُعلّیِ بن خنیس از مولایمان حضرت امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمودند:

کسی که سورهٔ او در نمازهای واجبش «السماء و الطارق» باشد برای او در روز

قیامت نزد خداوند جاه و منزلت می‌باشد و از رفقاء انبیاء و اصحاب آنها در بهشت می‌باشد.



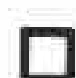
سورهٔ اعلی

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «**سبح اسم ربک الاعلی**» را در نماز واجب یا نافله بخواند روز قیامت به او گفته شود وارد بهشت شو از هر کدام از درهای بهشت که خواستی انشاءالله.



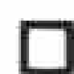
سورهٔ غاشیه

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت نموده که فرمودند: کسی که بر قرائت «**هل اتاک حدیث الغاشیه**» در نماز واجب یا نافله مداومت نماید خداوند عزّوجلّ او را در دنیا و آخرت به رحمت خود فرا می‌گیرد و روز قیامت به او امان از عذاب آتش اعطا می‌فرماید.



سورهٔ فجر

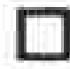
از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت است که فرمودند: سورهٔ «فجر» را در نمازهای واجب و نافلهٔ خود بخوانید پس بدرستیکه آن سوره‌ای است که برای حضرت اباعبدالله الحسین(ع) می‌باشد کسی که آن را بخواند روز قیامت با امام حسین(ع) می‌باشد و در درجه‌ای که آن حضرت می‌باشد بدرستیکه خداوند عزیز و حکیم می‌باشد.



سورهٔ بلد

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت نموده که فرمودند:

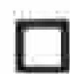
کسی که قرائتش در نماز واجب به سورهٔ «**لا اقسم بهذا البلد**» باشد در دنیا معروف می‌شود که او از صالحین است و در آخرت معروف گردد که برای او نزد خداوند مکانی می‌باشد و روز قیامت از رفقاء انبیاء و شهداء و صالحین می‌باشد.



سورهٔ شمس ولیل وضحیٰ و انشراح

از مولایمان حضرت ابی عبدالله صادق(ع) روایت است که فرمودند:

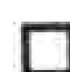
کسی که بسیار نماید قرائت «والشمس» و «واللیل اذا یغشی» و «والضحیٰ» و «الم نشرح» را در روز یا شبی باقی نماند چیزی در حضور او مگر آنکه روز قیامت برای او شهادت می‌دهد حتی مو، پوست، گوشت، خون، عروق، عصب و استخوانهایش و جمیع آن چیزهایی که زمین از او برداشت و پروردگار تبارک و تعالی می‌فرماید شهادت شما را برای بنده‌ام قبول کردم و او را پاداش دادم او را به سوی بهشت‌هایم ببرید تا از آنها هر کدام را که دوست دارد انتخاب نماید پس آن را بدون منّتی به او اعطا نمائید ولکن رحمتی است از من و فضلی است بر او و پاداش بدون رنجی برای بنده‌ام می‌باشد.



سورهٔ تین

حسن بن شعیب عقرقوفی از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت نموده که فرمودند:

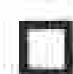
کسی که سورهٔ «والتین» را در نمازهای واجب و نافلهٔ خود بخواند به او از بهشت آنچنان می‌دهند که راضی شود انشاءالله.



سورهٔ علق

سلیمان بن خالد از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت نموده که فرمودند:

کسی که در روز یا شب خود «اقرا باسم ربک» بخواند و سپس در آن روز یا شب از دنیا برود شهید از دنیا می‌رود و شهید زنده می‌گردد و مانند کسی می‌باشد که در راه خدا با حضرت رسول‌الله(ص) با شمشیر جنگیده است.



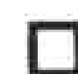
سورهٔ قدر

روایت است که خوب رفیقی است سورهٔ «انا انزلنا» بوسیلهٔ آن دین قضا می‌شود و رستگاری و ظفر ظاهر می‌گردد و عمر طولانی می‌شود و حال نیکو می‌گردد و کسی که بیشتر کلامش «انا انزلنا» باشد خدای تعالی را ملاقات می‌فرماید در حالیکه صدیق شهید باشد و در روایت است که بنده‌ای از قرائت سورهٔ «قدر» فارغ نمی‌شود مگر آنکه ملائکه تا هفت روز برای او دعا و طلب آمرزش می‌نمایند و بالجمله روایات زیادی در فضیلت سورهٔ «قدر» وارد شده که به همین مقدار اکتفاء می‌نمائیم.



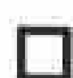
سورهٔ بیّنه

از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر(ع) روایت است که فرمودند: کسی که سورهٔ «لم‌یکن» را بخواند بریٔ از شرک می‌باشد و در دین حضرت محمد(ص) داخل گردید. و خداوند عزّوجلّ او را در حالیکه مؤمن باشد مبعوث فرماید و حساب آسانی از او می‌فرماید.



سورهٔ زلزال

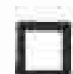
از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت است که فرمودند: از قرائت سورهٔ «اذازلزلت» خسته و ملول نشوید پس بدرستیکه کسی که قرائتش در نمازهای نافله این سوره باشد خداوند عزّوجلّ ابداً زلزله‌ای را به او اصابت نمی‌فرماید و بواسطهٔ زلزله و نه صاعقه و نه به آفتی از آفات دنیا نمی‌میرد پس هنگامی که از دنیا رفت امر می‌شود به او که به بهشت برود پس خداوند عزّوجلّ می‌فرماید بنده من بهشتم را بر تو مباح نمودم هر کجای آن می‌خواهی مسکن نما.



سورهٔ عادیات

از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت است که فرمودند:

کسی که سورهٔ «والعادیات» را بخواند و بر قرائت آن مداومت نماید خداوند عزّوجلّ او را با حضرت امیرالمؤمنین(ع) خاصةً مبعوث فرماید و در حمایت آن حضرت و جزء دوستان آن حضرت باشد.



سورهٔ قارعه

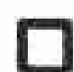
عَمرو بن ثابت از مولایمان حضرت امام محمد بن علی الباقر(ع) روایت نموده که فرمودند: کسی که سورهٔ «القارعه» را بسیار بخواند خداوند عزّوجلّ او را از فتنهٔ دجّال ایمن می‌فرماید و از اینکه به او ایمان بیاورد، و ایمن فرماید او را از گرمای جهنم انشاءالله.



سورهٔ تکاثر

از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت است که فرمودند:

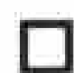
هرکس در هنگام خواب سورهٔ «الهاکم التکاثر» را بخواند از فتنه و عذاب قبر ایمن می‌گردد و ثواب بسیار زیادی نقل شده‌است برای کسی که این سوره را در نماز واجب و نافله بخواند.



سورهٔ والعصر

حسین بن ابی العلاء از مولایمان حضرت امام جعفر صادق﴿ع﴾ روایت نموده که فرمودند:

کسی که سورهٔ «والعصر» را در نمازهای نافله خود بخواند خداوند روز قیامت او را محشور می‌فرماید در حالیکه صورت او نورانی و خنده در لبانش است و چشمانش شاد می‌باشد تا آنکه داخل بهشت گردد.



سورهٔ همزه

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام جعفر صادق﴿ع﴾ روایت نموده که فرمودند:

کسی که سوره «ویل لکل همزةٍ» را در نمازهای واجب خود بخواند خداوند عزّوجلّ فقر را از او دور فرماید و رزق را به سوی او می‌کشاند و مرگ بد را از او دفع می‌فرماید.

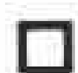


سورهٔ فیل و قریش

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام جعفر صادق﴿ع﴾ روایت نموده که فرمودند: کسی که در نمازهای واجب خود «**الم تر کیف فعل ربک**» را بخواند روز قیامت هر صحرا و کوهی و سنگ و کلوخی شهادت می‌دهد که او از نماز گذاران می‌باشد و منادی روز قیامت ندا می‌کند که راست گفتید شهادت شما را قبول کردم، او را داخل بهشت نمائید و او را محاسبه نکنید پس بدرستیکه او از کسانی است که من او را و عملش را دوست

می‌دارم.

مولف: بدانکه سورهٔ فیل و قریش جمعاً یک سوره محسوب می‌شود و کسی که در نماز سورهٔ فیل را می‌خواند باید سورهٔ قریش را هم با آن بخواند و یکی از این دو سوره را به تنهایی خواندن در نماز به عنوان سوره جائز نمی‌باشد.



سورهٔ ماعون

عَمرو بن ثابت از مولایمان حضرت امام باقر﷣ روایت نموده که فرمودند:

کسی که سورهٔ «**ارایت الذی یکذب بالدین**» را در نمازهای واجب و نافله بخواند از کسانی می‌باشد که خداوند نماز و روزه‌اش را قبول می‌فرماید و محاسبه نمی‌کند او را به آنچه که در زندگانی دنیا از آن بوده.



سورهٔ کوثر

ابوبصیر از مولایمان حضرت امام جعفر صادق﷣ روایت نموده که فرمودند:

کسی که قرائتش در نمازهای واجب و نافله سورهٔ «کوثر» باشد خداوند روز قیامت او را از حوض کوثر سیراب فرماید.



سورهٔ نصر

از مولایمان حضرت امام جعفر صادق﷣ روایت است که فرمودند:

کسی که سورهٔ «**اذا جاء نصرالله و الفتح**» را در نماز واجب یا نافله بخواند خداوند او را بر همهٔ دشمنانش یاری فرماید و روز قیامت می‌آید در حالیکه با او کتابی است که

صحبت می‌نماید و خداوند خارج فرموده است آن را از داخل قبرش، در آن کتاب امان می‌باشد او را از پل جهنم و از آتش و از زفیر جهنم، پس از چیزی عبور نمی‌کند مگر آنکه او را بشارت می‌دهد و خبر می‌دهد او را به هر خیری تا آنکه داخل بهشت می‌شود و در دنیا اسباب خیر برای او باز می‌شود به اندازه‌ای که انتظار آن را نداشته و به قلبش نیز خطور نکرده باشد.



سوره تبت

از مولایمان حضرت ابی عبدالله امام جعفر صادق(ع) روایت است که فرمودند:

هنگامی که سورهٔ «تبت یدا ابی‌لهب و تب» را می‌خوانید پس نفرین کنید بر ابی‌لهب پس بدرستیکه او از مکذبین بود. (از کسانی که پیامبر(ص) و آنچه که از نزد خداوند عزّوجلّ و حضرتش نازل می‌گردید را تکذیب می‌کردند).



سورهٔ قل هو الله احد

از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت است که فرمودند: کسی که مرض یا شدتی به او اصابت نماید و در آن مرض یا شدت **«قل هو الله احد»** نخواند سپس در آن مرض یا شدت که به او رسیده بمیرد پس او اهل آتش می‌باشد.

و روایت است که فرمودند:

کسی که ایمان به خداوند و آخرت دارد پس قرائت **«قل هو الله احد»** را بعد از فریضه رها نکند پس بدرستیکه هر کس آن را بخواند (در عقب نمازهای واجب) خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع می‌فرماید و او و پدر و مادر و فرزندانش را می‌بخشد.

و از حضرت امیرالمؤمنین(ع) روایت است فرمودند:

کسی که در عقب نماز صبح یازده مرتبه سورهٔ **«قل هو الله احد»** بخواند در آن روز گناهی او رااصابت نمی‌کندواگرچه شیطان(برای اجبارنمودن اوبه‌گناه)خودرا خوارنماید.

سوره ناس و فلق

قطب راوندی(ره) در لُب اللباب روایت نموده کسی که سورهٔ **«قل یا ایها الکافرون»** را بخواند پس برای او شفا است از کفر و رحمت است به ثبات بر ایمان و کسی که سورهٔ «فلق» را بخواند پس برای او شفا است از سحر و رحمت است به ثبات بر عافیت و کسی که سورهٔ «ناس» را بخواند پس برای او شفا است از کید شیطان و رحمت است به ثبات بر الهام (آنچه خداوند بر دل افکند).



فصل هجدهم

ثواب و فضیلت اذکار مأثوره

فضیلت ذکر حقتعالی جلّ ثنائه و عزّ ذکره

در مستدرک‌الوسائل محدث‌نوری(ره) و خصال شیخ‌صدوق(ره) روایت است که در هر مکانی ذکر خداوند عزّوجلّ را بنمائید پس بدرستیکه او با شماست، و از حضرت رسول‌اللّه‌ﷺ روایت است که فرمودند:

مردی از اُمتّم را می‌بینم که شیاطین او را در میان گرفته‌اند پس او را ذکر خداوند می‌آید (برقلب و زبان او جاری می‌گردد) پس از بین آنها نجات می‌یابد و از لُب اللباب قطب راوندی روایت است که پیامبرﷺ فرمودند:

علامت دوست داشتن خداوند دوست داشتن ذکر او می‌باشد و علامت بغض خداوند، بغض ذکرش می‌باشد و از آن حضرتﷺ روایت نموده که فرمودند: ذکر مردم مرض و بیماری است و ذکر و یاد خداوند دواء وشفاء می‌باشد، و ابن ابی جمهور از حضرت رسول‌اللّه‌ﷺ روایت نموده که گفتم کدام عمل بهتر و نزدیکتر است به سوی حقتعالی عظم‌شأنه؟ فرمود:

آن که بمیری و زبانت از ذکر خداوند تعالی مرطوب باشد.

و شیخ طبرسی(ره) در مجمع‌البیان از حضرت رسول اللّه‌ﷺ روایت نموده که فرمودند زیاد نکنید کلام را به غیر ذکر خداوند پس بدرستیکه کثرت کلام به غیر ذکر خداوند باعث قساوت قلب می‌گردد و بدرستیکه دورترین مردم از خداوند شخص قسی‌القلب می‌باشد.

و قطب راوندی در لب‌اللباب روایت نموده که حضرت رسول اللّه‌ﷺ فرمودند ساعتی بر مؤمن نمی‌گذرد که در آن حقتعالی را ذکر ننموده باشد مگر آنکه آن ساعت برای او حسرت می‌باشد، و در خبر است که اهل بهشت بر هیچ چیزی که در دنیا از آنها فوت شده حسرت نمی‌خورند مثل حسرت خوردن آنها بر ساعتی که بدون ذکر حقتعالی بر آنها گذشته است.

و از مولایمان حضرت امام جعفرصادق ؑ روایت است که فرمودند:

کلام بر سه گونه است: سود دهنده و سالم و هلاک کننده، اما کلام سود دهنده کسی است که ذکر خداوند نماید و سالم کسی است که ساکت باشد و هلاک کننده کسی که در باطل (سخنان باطل) فرو برود.

و در تفسیر ابوالفتوح رازی از پیامبرﷺ روایت است که فرمودند:

کسی که خداوند را اطاعت نماید پس ذکر خداوند را نموده اگر چه نماز و روزه و تلاوت قرآن او اندک باشد و کسی که نافرمانی خداوند را نمود پس خدا را فراموش کرده اگر چه نماز و روزه و تلاوت قرآنش زیاد باشد. و در لُب‌اللباب از پیامبرﷺ روایت نموده که فرمودند: و ذکر کن خدا را نزد هر سنگ و کلوخی الی آخر روایت.

و در مشکاةالانوار سبط طبرسی از مولایمان حضرت امام‌صادق ؑ روایت است که فرمودند: از شدیدترین چیزهایی که خداوند بر خلقش واجب فرموده بسیار ذکر نمودن خداوند می‌باشد، سپس فرمود بدرستیکه منظورم (گفتن اذکار به زبان) **سبحان الله و الحمد لله و لااله الاالله و الله اکبر** نمی‌باشد، و اگر چه این هم جزء آن می‌باشد ولکن منظورم ذکر خداوند در آن چیزهایی که خداوند حلال و حرام فرموده می‌باشد پس اگر طاعت بود انجام دهد و اگر معصیت بود ترک نماید. مؤلف گوید: ذکر خداوند عزّوجلّ بر سه حالت می‌باشد اوّل ذکر خداوند در اعمال و انجام طاعات و ترک معاصی، دوم ذکر خداوند به قلب و یاد او، سوم ذکر خداوند به کلام و زبان و این سه طریق ذکر، مکمّل یکدیگر می‌باشند.

ثواب و خواص بعضی از اذکار مأثوره
صلوات بر پیامبر و آل آن حضرت(ص)

پیامبر(ص) به حضرت امیرالمؤمنین(ع) در وصیت خود فرمود یا علی کسی که هر روز یا هر شب بر من صلوات بفرستد شفاعت من برای او واجب می‌گردد اگر چه از اهل کبائر باشد.

و در ثواب الاعمال شیخ صدوق(ره) از حضرت امیرالمؤمنین(ع) روایت است که فرمودند:

هر دعائی از آسمان محجوب است تا آنکه صلوات فرستاده شود بر محمد و آل آن حضرت(ص)، و از مولایمان حضرت امام صادق(ع) روایت نموده که فرمودند:

آیا چیزی به تو یاد بدهم که خداوند بواسطهٔ آن صورتت را از گرمای جهنم نگهدارد، راوی گفت بلی، حضرت فرمود:

بعد از فجر صد مرتبه بگو **«اللهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد»** خداوند بواسطهٔ آن صورتت را از گرمای جهنم نگه می‌دارد.

و از مولایمان حضرت ابالحسن علی بن موسی الرضا(ع) روایت است که فرمود:

که حضرت رسول الله(ص) فرمود کسی که روز جمعه صد مرتبه بر من صلوات بفرستد خداوند شصت حاجت او را برآورده می‌فرماید سی حاجت را در دنیا سی حاجت در آخرت، و روایت است که چیزی در میزان سنگین‌تر از صلوات بر محمّد وآل محمّد علیهم السلام نمی‌باشد، و از پیامبر(ص) روایت است که فرمودند:

که صلوات بر من نوری است در قبر و نوری است بر صراط و نوری است در بهشت.

و در نوادر راوندی از پیامبر(ص) روایت است که فرمودند:

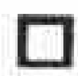
کسی که صد مرتبه صلوات بفرستد بر محمد و آل محمد(ص) خداوند صد حاجت او را برآورده می‌فرماید و در جامع‌الاخبار از آن حضرت(ص) روایت است که فرمودند:

کسی که یک مرتبه بر من صلوات بفرستد خداوند بابی از عافیت را برروی او باز می‌فرماید. و در مجموعهٔ شهید اول از حضرت رسول الله(ص) روایت است که فرمودند:

بدرستیکه شیطان دو نوع است: شیطان جن، و او دور می‌گردد به **«لاحول و لاقوة الاّ بالله العلیّ العظیم»** و شیطان انس، و او دور می‌گردد به صلوات بر پیامبر و آل

آنحضرت ﷺ و در هدایةالامة از آن حضرت ﷺ روایت است که فرمودند:

بدرستیکه شخصی از امت من هنگامی که صلوات بفرستد بر من و به دنبال آن بر اهل‌بیتم صلوات نفرستد بین او و آسمانها هفتاد حجاب می‌باشد.



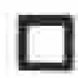
تحمید

در هدایةالامة روایت است اگر کسی هنگامی که صبح نمود چهار مرتبه بگوید:

«الحمدلله ربّ العالمین» شکر آن روز را بجا آورده و اگر شب آن را گفت پس شکر آن شب را ادا نموده است.

و روایت است کسی که بگوید: **«الحمدللّه کَما هُوَ اَهْلُهُ»** کُتّاب آسمان از نوشتن آن باز می‌مانند، می‌گویند خدایا ما غیب نمی‌دانیم، پس خداوند می‌فرماید همانطور که عبدم آن را گفت بنویسید، ثواب آن با من، و در ثواب الاعمال روایت است که فرمودند:

کسی که در هر روز هفت مرتبه بگوید: **«الحمدللّه علیٰ کلّ نعمةٍ کانَتْ اَو هِیَ کائِنَة»** پس شکر آنچه که گذشته و آنچه که باقی است را ادا نموده.



استغفار

در معانی‌الاخبار از پیامبر ﷺ روایت است که فرمودند:

برای هر دردی دوائی می‌باشد و دواء گناهان استغفار است، و از جعفریات روایت است که آن حضرت ﷺ فرمودند:

کسی که بسیار نماید استغفار را، خداوند برای او از هر همّی فرجی، و از هر تنگی گشایشی قرارمی‌دهد،واوراازجائی‌که‌نمی‌پنداشته‌روزی‌فرماید. و نیز محدث نوری(ره) در مستدرک‌الوسائل روایت نموده که آن حضرت ﷺ فرمودند:

دفع نمائید ابواب بلایا را بوسیلهٔ استغفار.

و نیز از مولایمان حضرت امام‌صادق ؑ روایت نموده که پیامبر ﷺ هر روز

هفتاد مرتبه توبه می‌فرمودند به سوی خداوند بدون هیچ گناهی گفتم، می‌فرمود **«استغفرالله و اتوب الیه»** فرمود که می‌فرمودند: **«اتوب الی الله»**.



تسبیح

در وسائل‌الشیعه روایت است کسی که بگوید: **«سبحان الله و بحمده»** خداوند هزار هزار حسنه برای او می‌نویسد.

شیخ صدوق(ره) در ثواب‌الاعمال از حضرت امام صادق ﷺ روایت نموده که فرمودند کسی که بگوید: **« سبحان الله و بحمده سبحان الله‌العظیم و بحمده»** خداوند سه هزار حسنه برای او بنویسد و سه هزار سیئه را از او محو فرماید و سه هزار درجه برای او بالا ببرد و از آن پرنده‌ای در بهشت خلق فرماید که تسبیح بگوید و اجر تسبیحش برای او باشد.



تهلیل

در وسائل‌الشیعه روایت است که هر کس بگوید **« لااله الاّالله»** درختی در بهشت برای او غرس می‌گردد، و روایت نموده که حضرت امام باقرﷺ فرمودند:

کسی که بگوید: **«اشهد ان لااله الاّ الله و اشهد انّ محمداً عبده و رسوله»** خداوند هزار حسنه برای او می‌نویسد، و روایت نموده کسی که صد مرتبه **«لااله الاّالله»** بگوید بالاترین مردم می‌باشد در آن روز از نظر عمل (خیر) مگر کسی که زیادتر از او گفته باشد.

و ازمولایمان حضرت امام‌صادق ﷺ روایت نموده که فرمودند:

کسی که هر روز ده مرتبه بگوید:

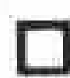
«اشهد اَن لا اله الاّالله وحده لاشریک له اِلهاً واحِداً اَحَداًصمداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحبةً وَ لا وَلداً» خداوند عزّوجلّ چهل و پنج هزارحسنه برای‌او بنویسد،ودرثواب‌الاعمال ثواب بسیار

بیشتری برای آن ذکر گردیده بود.

و فرمودند:

کسی که هر روز پانزده مرتبه بگوید: « **لا اِله اِلّااللّه حقّاً حقّاً لااله الّااللّه عبوديّة و رِقّاً لااله الّااللّه ایماناً وَ تصدیقاً**» خداوند عزّوجلّ برروی او نظر می‌فرماید و نظرش (لطف و رحمت) را برنمی‌گرداند تا آنکه داخل بهشت گردد.

و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمودند: کسی که هر روز سی مرتبه بگوید: « **لااله الّااللّه المَلِكُ الحقُّ المبین**» غِنیٰ به او روی آورده و فقر از او دور می‌گردد و درِ بهشت زده می‌شود و روایت شده که صد مرتبه بگوید.



حُولقه

در مستدرک‌الوسائل محدث نوری(ره) از جعفریات روایت نموده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که فقر بر او الحاح نماید پس باید زیاد بگوید: « **لاحول و لاقوّة الّاباللّه**».

و روایت است که فرمودند صلی الله علیه و آله: قول «**لاحول و لاقوّة الّاباللّه العلیّ العظیم**» گنجی از گنجهای بهشت می‌باشد و آن شفای نودونه درد است که کمترین آن همّ می‌باشد.

و در ثواب الاعمال از مولایمان حضرت امام ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت است که فرمودند:

کسی که بگوید: «**لا حول و لا قوّة الّاباللّه العلی العظیم**» حقتعالی عزّوجلّ بواسطهٔ آن هفتاد نوع بلا را از او دفع فرماید که کمترین آن خفگی می‌باشد.

درروایت دیگراست‌که‌اگرسه‌مرتبه‌بگوید«**بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم لاحول و لاقوّة الّاباللّه العلیّ العظیم**» خداوند نودونه بلا را از او دور فرماید که کمترین آن خفگی باشد.

در عیون از آن حضرت علیه السلام روایت نموده که فرمودند: کسی که امری او را محزون نمود پس باید بگوید: «**لاحول و لاقوّة الّاباللّه**».

و در کتاب شریف «توحید» از جابر جعفی از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام روایت نموده که گفت سؤال نمودم از معنای «**لاحول و لاقوّة**

الّاباللّه» پس فرمود: معنایش این است که نیست حُولی برای ما از معصیت خدا مگر به کمک خداوند و نیست قوّتی برای ما بر طاعت خداوند مگر به توفیق خداوند عزّوجلّ.

در فقه‌الرضا﷣ روایت است هنگامی که امری تو را محزون نمود هفت مرتبه بگو: **«بسم اللّه الرحمن الرحیم لاحول و لاقوّة الّاباللّه العلیّ العظیم»** پس اگر کفایت نمود (فبها) و الّا هفتاد مرتبه بگو.

و در ثواب‌الاعمال از حضرت رسول اللّهﷺ روایت است که فرمودند:

اگر کسی هنگامی که از منزل خارج می‌شود بگوید: **«بـاسم اللّـه»** دو ملک گویند: هدایت شدی، و اگر بگوید: **«لاحول و لاقوّة الّاباللّه»** می‌گویند نگهداشته شدی و اگر بگوید: **«توکّلت علی اللّه»** می‌گویند کفایت شدی، پس شیطان می‌گوید برای من چگونه‌است به بنده‌ای که هدایت شدونگهداشته شدوکفایت شد؟.



اذکار مکرّرهٔ هر روز

در ثواب‌الاعمال از مولایمان حضرت امام جعفر﷣ روایت است که فرمودند کسی که هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید: **«اللهم اغفر للمؤمنین و المُؤمنات و المسلمین و المسلمات»** خداوند به عدد هر مؤمنی که از دنیا رفته و هر مؤمنی که تا روز قیامت باقی می‌باشد حسنه‌ای برای او نوشته و سیئه‌ای برای او محو می‌فرماید و درجه‌ای برای او بالا می‌برد.

در مستدرک‌الوسائل و دعائم‌الاسلام از حضرت امام جعفربن محمد﷣ روایت نموده که فرمودند:

هر کس که هر روز سی مرتبه بگوید: **«بسم اللّه الرحمن الرحیم، الحمدلله ربّ العالمین، تبارک الله احسن الخالقین، لا حول و لاقوّة الّاباللّه العلیّ العظیم»** خداوند نود و نه بلاء را از او دور فرماید که کمترین آن جنون باشد.

و در وسائل‌الشیعه روایت است که نیست عبدی که هر روز هفت مرتبه بگوید: **«اَسألُ اللّه الجنة و اعوذ باللّه من النّار»** مگر آنکه آتش (جهنم) می‌گوید ای پروردگار او را از من پناه بده.

و در فلاح‌السائل سید بن طاووس(ره) از مولایمان حضرت امام‌الصادق (ع) روایت است که فرمودند: کسی که هر روز هنگام غروب خورشید بگوید: **«یا مَنْ خَتَمَ النّبوّة بمحمّدٍ**(صلی اللّه علیه و آله)، **اِختِمْ لي یَومی هذا بخَیرٍ، و شَهری بخیرٍ، و سنَتی بخیرٍ، و عُمری بخیر»** (یعنی ای کسی که نبوّت را به حضرت محمد (ص) ختم فرمودی، این روز و این ماه و این سال و عمر مرا به خیر و سعادت ختم بفرما)، پس در آن شب یا در آن جمعه یا در آن ماه یا در آن سال بمیرد داخل بهشت می‌گردد.



فصل نوزدهم

اختیارات ایّام ماه قمری

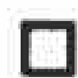
www.telasm.com

روز اول

سید بن طاووس(ره) در کتاب «الدروع‌الواقیة من‌الاخطار» روایت نموده که مولا یمان حضرت امام صادق(ع) می‌فرمایند:

روز اول ماه روز مبارکی می‌باشد و حقتعالی عظم شأنه در این روز حضرت آدم را خلق فرمود و این روز برای طلب حوائج، داخل شدن بر سلطان، طلب علم، تزویج، سفر، خرید و فروش، گرفتن مرکب(اعم از خریدن یا کرایهٔ اتومبیل و غیره) مبارک می‌باشد.

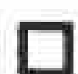
و در روایت دیگر فرمود: در این روز در طلب حوائج خود سرعت کن و هر چه را که می‌خواهی از طلب حوائج انجام بده(انشاءالله خوب است).



روز دوم

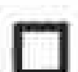
حضرت(ع) می‌فرمایند: این روز، روز زنان و تزویج می‌باشد و در این روز حوّا از حضرت آدم خلق شد و خداوند عزّ ذکره او را با آدم(ع) تزویج فرمود و این روز برای بنای منازل(ساختمان)، نوشتن قرار داد، اختیار نمودن امور، سفر و طلب حوائج صلاحیت دارد، کسی که در اول این روز مریض بشود بیماری او خفیف خواهد بود و اگر در انتهای روز مریض شود با بیماری خود جهد و کوشش خواهد نمود.

در روایت دیگر است که در این روز تزویج کن و خرید و فروش نما و از کارگزاران سلطان در این روز بپرهیز و حوائج خود را در آن طلب کن که این روز برای طلب حاجت موافق می‌باشد.



روز سوم

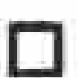
حضرت علیه السلام می‌فرمایند: این روز نحس مستمری می‌باشد پس در این روز از سلطان بپرهیز و خرید و فروش، طلب حوائج و معامله‌ای در این روز انجام مده و با کسی شریک نشو و در این روز لباس آدم و حوّا سلب شد و از بهشت خارج شدند و در این روز شغل خود را اصلاح و تدبیر امور منزلت قرار بده و اگر برای تو ممکن بود که از منزل خارج نشوی این کار را بکن، کسی که در این روز فرار کند، دستگیر می‌شود و مریض در این روز با مرض خود می‌کوشد و این روز جدّاً روز سنگینی می‌باشد.



روز چهارم

حضرت علیه السلام می‌فرمایند: این روزی است که هابیل در آن متولد شد و این روز مناسبی برای صید و زرع می‌باشد و سفر در آن مکروه است و به مسافر در این روز از قتل و سلب و بلا و مصیبت ترسیده می‌شود و در این روز بناء ساختمان و گرفتن وسائط نقلیه خوب است و کسی که در این روز فرار کند طلب او مشکل است و به کسی پناهنده می‌شود که او را منع می‌نماید و کسی که در این روز سفر کند به مشقّت راه دچار می شود.

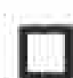
درروایت دیگر است که این روز مبارکی برای تزویج می‌باشد. و در این روز مسافرت نکن و کسی که در آن مسافرت نماید گرفتار می‌شود.



روز پنجم

حضرت(ع) می‌فرمایند: این روزی است که قابیل شقیّ در آن متولد شد و در این روز بود که برادر خود را کشت و صدای ویل و آه بر خود خواند و او اولین کسی بود که از اولاد آدم در زمین گریه کرد و ملعون بود و این روز نحس مستمری است پس در آن به کاری ابتداء نکن و به اصلاح یا تعمیر وسیلهٔ نقلیه بپرداز.

سلمان فارسی(ره) گوید: در این روز حاجتی را طلب مکن و با سلطانی ملاقات نداشته باش که این روز سنگینی می‌باشد.



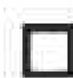
روز ششم

حضرت(ع) می‌فرمایند: این روز نیکویی برای تزویج می‌باشد و برای حوائج و سفر در خشکی و دریا مبارک است، و کسی که در این روز مسافرت نماید به سوی خانواده‌اش برمی‌گردد با آنچه به آن علاقمند و طالب بوده است.

و این روز، خوبی برای خریدن وسائط نقلیه می‌باشد و کسی که در این روز گم شد یا بگریزد پیدا می‌شود و کسی که در این روز مریض شود بهبود می‌یابد.

سلمان فارسی(ره) گوید که این روز نیکویی برای طلب معاش و هر حاجتی می‌باشد.

و در روایت دیگر است که این روز روز خوبی است و بدبختی در آن نیست و برای تزویج، صید، طلب معاش و هر حاجتی که بخواهی صلاحیت دارد.



روز هفتم

حضرت(ع) می‌فرمایند: این روز اختیار شده‌ای می‌باشد پس هر چه می‌خواهی در این روز انجام بده و آنچه را که می‌خواهی معالجه کن، کسی که در این روز کتابتی را انجام دهد(مانند تألیف و غیره) به مهارت آن را به اتمام می‌رساند و کسی که در این روز ساختمان، کاشتن و نخل زدن را شروع نماید امر او پسندیده خواهد شد و در روایت

دیگر است که این روز، روز خوبی است و در آن بدبختی نیست و برای هر حاجت و امری صلاحیت دارد.



روز هشتم

حضرت می‌فرمایند: این روز صالحی برای هر حاجتی از خرید و فروش و غیره می‌باشد و کسی که در این روز بر سلطان وارد شود حاجتش نزد او روا میگردد و در این روز سوار شدن بر کشتی و نیز سفر کردن، خروج برای جنگ و نوشتن قرارداد کراهت دارد. کسی که در این روز گم بشود راهنمایی نمی‌شود مگر به سختی.

سلمان فارسی گوید: این روز مختار و مبارک و سعیدی می‌باشد و برای همهٔ حوائج صالح است پس آنچه را که از خیر می‌خواهی در آن انجام بده و از شرّ اجتناب کن.

در روایت دیگر است که این روز مبارک و صالحی برای حوائج است مگر سفر پس در این روز سفر نکن.



روز نهم

حضرت می‌فرمایند:

این روز سبکی می‌باشد از اول و آخر آن برای هر امری که بخواهی و کسی که در این روز سفر نماید مال نصیب او شده و خیر می‌بیند پس در این روز به عمل و کارها شروع کن و در این روز وام بگیر و به کشت و زرع و نشاندن درخت شروع کن.

کسی که در این روز بجنگد غلبه می‌نماید و کسی که در این روز مریض بشود مرض او سنگین خواهد بود و کسی که در روز گم بشود امکان و قدرت(دستیابی) بر او خواهد بود.

سلمان فارسی(ره) گوید:

این روز پسندیده‌ای است و مکروه و بدی در آن نیست.

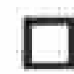
روز دهم

حضرت(ع) می‌فرمایند:

این روز صالحی می‌باشد و حضرت نوح در آن متولد شد و این روز برای خرید و فروش و سفر صلاحیت دارد. کسی که در این روز چیزی گم کند آن را می‌یابد و برای مریض در این روز مستحب است که وصیت نماید و در این روز قراردادها نوشته می‌شود و کسی که در این روز فرار کند به او دست یافته می‌شود و در زندان حبس می‌گردد.

سلمان فارسی(ره) گوید:

این روز مبارکی است مگر برای کسی که از سلطان فرار کند پس او دستگیر می‌شود.

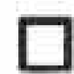


روز یازدهم

حضرت(ع) می‌فرمایند:

این روزی است که شیث بن آدم(ع) در آن متولد شد و صالح است برای ابتدا به انجام کار و خرید و فروش و سفر، و باید اجتناب نمود از دخول بر سلطان و کسی که در این روز بیمار شود نزدیک باشد که بهبودی یابد و کسی که در این روز گم شود سالم می‌ماند.

در روایت دیگر است که هر کسی در این روز از سلطان بگریزد دستگیر می‌شود.

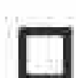


روز دوازدهم

حضرت(ع) می‌فرمایند:

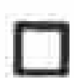
این روز، صالح و مناسب است برای تزویج و بازکردن و افتتاح مغازه و شروع شرکت و سوار کشتی یا قایق شدن.

و باید تجنّب و دوری نمود از وساطت بین مردم، و کسی که در این روز بیمار شد به سرعت بهبودی می‌یابد.



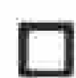
روز سیزدهم

حضرت‌ﷺ می‌فرمایند:
این روز نحسی می‌باشد و هر امری در آن مکروه است و در این روز از منازعه و حکم و ملاقات با سلطان و غیر او مانند مسئولین امور بپرهیز و به سر خود روغن نمال و سر را نتراش و کسی که در این روز گم شود یا فرار کند سالم می‌ماند.



روز چهاردهم

حضرت‌ﷺ می‌فرمایند:
این روز صالح و نیکویی برای هر چیزی می‌باشد و مناسب است برای طلب علم و خرید و فروش و قرض دادن و قرض گرفتن و سوار شدن کشتی و قایق، و کسی که در این روز فرار کند دستگیر می‌شود و کسی که مریض شود بهبودی یابد انشاءالله.
سلمان فاسی(ره) گوید:
این روز سعید و مبارکی می‌باشد و صلاحیت برای هر امر خیری دارد. و برای ملاقات سلطان و اشراف مردم و علماء مناسب است.



روز پانزدهم

حضرت‌ﷺ می‌فرمایند:
این روز محذور در هر امری می‌باشد(پرهیز بشود) مگر کسی که می‌خواهد قرض بگیرد یا قرض بدهد.

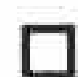
کسی که در این روز مریض شود به سرعت بهبودی یابد و کسی که بگریزد در مکان غریبی دستگیر شود.



روز شانزدهم

حضرت علیه‌السلام می‌فرمایند:

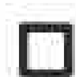
این روز نحسی می‌باشد کسی که در پایان روز سفر کند هلاک گردد و مکروه است و ملاقات با سلطان در این روز مکروه است و صلاحیت دارد برای تجارت و خرید و مشارکت و خروج به سوی دریا و بناء ابنیه و اساسات(بنیاد)، کسی که در این روز گم شود سالم می‌ماند و کسی که مریض شود سریعاً بهبودی یابد.



روز هفدهم

حضرت علیه‌السلام می‌فرمایند:

این روز متوسط‌الحالی می‌باشد، در آن از منازعه بپرهیز و کسی که در این روز چیزی را قرض بدهد به او پس داده نمی‌شود و اگر هم برگردد باید برای بازگرداندن آن کوشش و سختی نماید و کسی که در این روز قرض بگیرد آن را باز نمی‌گرداند(ممکن است قبل از گرفتن یا پس دادن از دنیا برود والّا نمی توان حمل بر بدحساب بودن طرف مقابل نمود).

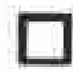


روز هجدهم

حضرت علیه‌السلام می‌فرمایند:

این روز سعید و صالحی برای هر چیزی از خرید و فروش، سفر، زراعت می باشد. کسی که در این روز با دشمنش مخاصمه نماید بر او پیروز می گردد و کسی که در این روز بیمار شود بزودی بهبودی می‌یابد.

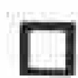
روز نوزدهم

حضرت می‌فرماید:

این روز سعید و مبارکی می‌باشد و اسحاق (ع) در آن متولد شد و روز صالحی برای سفر، معاش، حوائج، تعلّم علم و خرید وسائط نقلیه می‌باشد.

□

روز بیستم

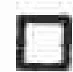
حضرت می‌فرماید:

این روز متوسط‌الحالی می‌باشد و برای سفر، حوائج، بناء ساختمان، بنیانگذاری ابنیه، درو نمودن زراعت، نشاندن درخت و مو و گرفتن وسیلهٔ نقلیه (مثل موتور و اتومبیل و غیره) صلاحیت دارد.

کسی که در این روز مریض شود مرضش سخت خواهد شد، کسی که در این روز گم شود امر او مخفی و نامعلوم می‌گردد.

□

روز بیست و یکم

حضرت می‌فرمایند:

این روز نحسی می‌باشد حاجتی را در آن طلب نکن و در این روز از سلطان پرهیز نما و کسی که در این روز سفر کند برنمی‌گردد و بر او ترسیده شود.

در روایت دیگر است که تا آنجایی که استطاعت داری از انجام کارها پرهیز کن.

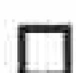
□

روز بیست و دوم

حضرت (ع) می‌فرمایند:

این روز صالحی برای حوائج و خرید و فروش می‌باشد و صدقه در آن قبول

می‌شود(افضلیت دارد) و کسی که در این روز بر سلطان داخل شود و حاجت او برآورده می‌شود و کسی که در این روز بیمار شود بزودی بهبودی یابد و کسی که به سفر برود با عافیت باز می‌گردد.



روز بیست و سوم

حضرت ﷺ می‌فرمایند:

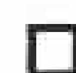
این روز صالحی می‌باشد و یوسف ﷺ در آن متولد شد و روز خفیفی است و در آن حاجات، تجارت، تزویج و داخل شدن بر سلطان طلب شود و کسی در آن مسافرت کند سود برده و خیری به او می‌رسد.



روز بیست و چهارم

حضرت ﷺ می‌فرمایند:

این روز نحسی است برای هر امری که بخواهد و فرعون ملعون در آن متولد شد و اگر کسی در این روز مریض بشود مرضش طولانی خواهد شد.



روز بیست و پنجم

حضرت ﷺ می‌فرمایند:

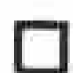
این روز نحسی می‌باشد پس در آن حاجتی را طلب نکن و خودت را در آن حفظ نما، کسی که در این روز بیمار شود سختی می‌کشد.



روز بیست و ششم

حضرت(ع) می‌فرمایند:

این روزی است که موسی عصایش را به دریا زد و دریا شکافت و روزی است صالح برای مسافرت و برای هر امر که بخواهی مگر تزویج پس کسی که امروز تزویج نماید بین ایشان جدایی خواهد افتاد چنانچه دریا برای موسی(ع) از هم جدا شد.



روز بیست و هفتم

حضرت(ع) می‌فرمایند:

این روز صالحی برای هر امر و حاجتی می‌باشد و برای سایر احوال سبک است.



روز بیست و هشتم

حضرت(ع) می‌فرمایند:

این روز صالح و مبارکی بر هر امر و حاجتی است و روز تولد یعقوب(ع) می‌باشد.



روز بیست و نهم

حضرت(ع) می‌فرمایند:

این روز صالحی می‌باشد و برای سایر امور و حوائج و اعمال، سبک است. کسی که در این روز مسافرت نماید مال زیادی نصیب او می‌گردد وکسی که در این روز بیمار شود سریعاً بهبودی می‌یابد و وصیّتی را در این روز ننویس که مکروه است.

سلمان(ره) گوید:

این روز صالحی است برای هر حاجتی و برای ملاقات دوستان و آشنایان و انجام خیر.

روز سی ام

مولا یمان حضرت امام ابی عبدالله‌الصادق علیه السلام می‌فرمایند این روز خوبی برای خرید و فروش و تزویج می‌باشد و در آن مسافرت نکن.

کسی که در این روز فرار کند دستگیر شود و کسی که چیزی را گم کند آن را پیدا خواهد نمود و کسی که در این روز چیزی قرض کند سریعاً آن را پس می‌دهد.

مؤلف گوید:

این اختیارات ماه بود که قسمتهایی از آن را که عمومیت داشت روایت نمودیم و بعضی قسمتهای آن را حذف کردیم، طالبین آن به منابع اصلی رجوع نمایند و آنچه از سعادت و نحوست ایام ذکر شد چون روایت از معصوم است باید قبول نمود و ما در مورد سعادت و نحوست ایام بحثی را در کتاب هدیةالشهداء مطرح کردیم طالبین به آن کتاب رجوع نمایند.

و آنچه که در این روایت مذکور بود جهت کسب موفقیت و به دست آوردن بهترین نتیجه و دوری از شرور و ناراحتیها می‌باشد و شاید بسیاری از مشکلات در اثر عدم اطلاع از این اختیارات ماه باشد.

علامه مجلسی(ره) در ذیل این روایت آورده است که توکل و تفویض و اعتماد بر جناب مقدس الهی نمودن در جمیع امور و استمداد از حضرات معصومین علیهم السلام نمودن هر نحوستی را به سعادت مبدل می‌گرداند و توسل به آیات کریمهٔ قرآن و دعا و تصدق تدارک هر یک از اینها می‌کند چنانچه در حدیث معتبر است که آیةالکرسی را بخوان و هر روز که خواهی حجامت کن و تصدق کن و هر وقت که بخواهی سفر کن و در احادیث بسیار است که دعا بلاهای مبرم را رد می‌کند.

و نیز سید بن طاووس(ره) در آن کتاب (الدّروع‌الواقیة‌من‌الاخطار من مایعمل مثلها کل شهر علی‌التکرار) از سهل بن یعقوب روایت نموده که روزی به حضرت امام علی بن محمد الهادی علیه السلام گفتم که نزد من اختیارات ایّام از حضرت امام صادق علیه السلام می‌باشد که آن را از حسن‌بن عبدالله‌بن مطهر از محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش از مولا یمان حضرت امام صادق علیه السلام روایت می‌نمایم و آن را به حضرت عرضه نمودم و حضرت امام علی‌بن محمد الهادی علیه السلام آن را تصحیح فرمود، پس گفتم ای آقای من در

www.telasm.com

این ایام روزهای نحسی وجود دارد که حوائج را قطع می‌نماید پس گاهی امری ضروری برای من واقع می‌شود که باید آن را انجام بدهم و نمی‌توانم آن را ترک کنم پس به من چیزی تعلیم بفرمائید که از نحوست ایام احتراز نموده و در همهٔ روزها در حوائج خود کوشش نمایم.

پس حضرت امام علی‌بن محمدالهادی علیه السلام فرمودند: ای سهل، بدرستیکه برای شیعیان ما به واسطهٔ ولایت ما حافظ و نگهدارنده‌ای می‌باشد که اگر به واسطهٔ آن در میان دریاهای پر آب، و بیابانهای خشک بین درندگان و گرگها و دشمنان جن و انس سفر نمایند به واسطهٔ ما و ولایت و دوستی ما اهلبیت از خوف و خطر آنها در امان می‌باشند، پس توکل کن بر خداوند و ولایت خود را برای ائمه پاک و طاهرت خالص نما و به هر جا که می‌خواهی برو ای سهل، هنگامی که صبح نمودی و سه مرتبه گفتی:

«اَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِکَ وَ جَوارِکَ المَنیعِ الَّذي لا یُطاوَلُ وَ لا یُحاوَلُ، مِنْ شَرِّ کُلِّ طارِقٍ وَ غاشِمٍ مِنْ سائِرِ مَن خَلَقْتَ وَ ما خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِکَ الصّامِتِ والنّاطِقِ، في جُنَّةٍ مِنْ کُلِّ مَخُوفٍ، بِلِباسٍ سابِغَةٍ حَصینَةٍ، وَ هِيَ وَلاءُ اَهلِ نَبیِّکَ، مُحتَجِزاً مِنْ کُلِّ قاصِدٍ لي اِلیٰ اَذیةٍ بِجِدارٍ حَصینٍ، الاِخْلاصُ فِي الاِعتِرافِ بِحَقِّهِمْ، وَالتَّمَسُّکُ بِحَبْلِهِمْ جَمیعاً، مُوقِناً اِنَّ الحقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ مِنْهُمْ وَ فِیهِمْ وَ بِهِمْ، اُوالي مَنْ والَوا، وَ اُعادي مَنْ عادَوا وَ اُجانِبُ مَنْ جانَبُوا، فأَعِذني اَللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ کُلِّ ما أتقیهِ اِنّا جَعَلنا مِنْ بَینِ اَیدیهِمْ سَدّاً وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَاَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لایُبْصِرُونَ» و هنگام شب نیز سه مرتبه این را بگو که از هر خوف و خطری در امان می‌باشی.

و هنگامی که در روز نحسی قصد توجه(سفر و مانند آن) نمودی و از آنچه که از نحوست در آن می‌باشد بیم داشتی سورهٔ حمد، ناس، فلق، آیة‌الکرسی، قدر و آیهٔ آخر سورهٔ عمران را بخوان و بگو:

«اَللّٰهُمَّ بِکَ یَصُولُ الصّائِلُ، وَ بِکَ یَطُولُ الطّائِلُ، وَ لاحَولَ لِکُلِّ ذِي حَوْلٍ اِلاّ بِکَ، وَلا قُوَّةَ یَمتارُها ذُو قُوَّةٍ اِلاّ مِنْکَ، اَسأَلُکَ بِصَفْوَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ خِیَرَتِکَ مِنْ بریَّتِکَ، مُحَمَّدٍ نَبیِّکَ وَ عِتْرَتِهِ وَ سُلالَتِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، صَلِّ عَلَیْهِمْ وَ اکْفِني شَرَّ هٰذَا الْیَوْمِ وَ ضَرَّهُ، وَ ارْزُقْني خَیْرَهُ وَ یُمْنَهُ وَاقْضِ لي في مُنصَرَفاتي بِحُسْنِ الْعاقِبَةِ وَ بُلُوغِ الْمَحَبَّةِ، وَالظَّفرِ بِالاُمْنِیَةِ، وَ کِفایَةِ الطّاغِیَةِ الغَوِیَّةِ، وَ کُلِّ ذي قُدْرَةٍ لي عَلیٰ اَذِیَةٍ، حَتیٰ اکُونَ في جُنَّةٍ وَ

عِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلاءٍ وَ نَقِمَةٍ وأَبْدِلْنی مِنَ الْمَخاوِفِ فیهِ أَمْناً، وَ مِنَ الْعَوائِقِ فیهِ یُسْراً، حَتّی لایَصُدَّنی صادٌّ عَنِ الْمُرادِ، وَ لا یَحِلُّ بی طارِقٌ مِنْ أَذَی الْعِبادِ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ، وَالْأُمورَ اِلَیْکَ تَصیرُ، یا مَن لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیءٌ وَ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ».



فصل بیستم

نوادر ادعیه
و اذکار و فوائد مُتنوّعه

www.telasm.com

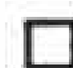
عهد اسلام برای روز قیامت

در خواص‌السور از ابن عباس روایت نموده که حضرت رسول الله(ص) فرمود:
که هر کس آیهٔ «**شهد الله** (سورهٔ آل عمران) را تا **العزیزالحکیم**» بخواند و بعد از آن بگوید:
«وَ اَنَا اَشْهَدُ بِما شَهِدَ اللّٰهُ بِهِ وَ اَسْتَوْدَعُ اللّٰهَ هٰذِهِ الشَّهادَةَ وَ هِیَ لی عِنْدَ اللّٰهِ وَدیعَةٌ»
پس بگوید «**اِنَّ الدّینَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلامُ**» روز قیامت حقتعالی (جل ذکره) می‌فرماید که این بنده را نزد من عهدی است و من به عهد خود وفا می‌کنم بندهٔ مرا به بهشت ببرید.



رفع فشار قبر و آسانی سؤال قبر

جهت رفع فشار قبر در حاشیهٔ زادالمعاد است که این آیه را بر جامهٔ (کفن) میت بنویسند: «**سُبْحانَ الَّذي خَلَقَ الْاَزْواجَ كُلَّها مِمّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَ مِمّا لا يَعْلَمُونَ**»، (یس ۳۶) و این آیه را ورد خود کند، سؤال قبر بر او آسان می‌شود: «**وَ اِذا قيلَ لَهُمْ اَنْفِقُوا مِمّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لِلَّذينَ آمَنُوا اَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشاءُ اللّٰهُ اَطْعَمَهُ اِنْ اَنْتُمْ اِلّا في ضَلالٍ مُبينٍ**» (یس ۴۷).



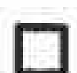
تنها نبودن در قبر

حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) فرموده‌اند که هر کس هر جمعه اسم «اَلْبارِئُ» را صد بار بگوید، خدایتعالی او را در قبر تنها نگذارد و از برای او مونسی فرستد.



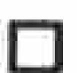
توبه شخصی که بسیار گناه نموده

از مولایمان حضرت امام علی بن موسی الرضا(ع) روایت است که فرمودند:
هر کس که گناه بسیار داشته باشد چنانکه به ناامیدی نزدیک شود و بر خواندن اسم«اَلْعَفُوُّ» مداومت نماید به امید کامل به بهشت می‌رود.



آسانی سؤال و جواب قبر

در خواص السور از حضرت امام‌صادق(ع) روایت گردیده است که به جهت آسانی سؤال و جواب قبر هفتاد و پنج مرتبه سورهٔ «الحاقه» را بخواند و در حاشیهٔ زادالمعاد است که این آیهٔ شریفه را بر کفن میت بنویسند تا از عذاب قبر ایمن باشد:« لٰا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ»(یس ۷۵).

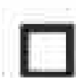


برای آسان جان دادن محتضر

صاحب خواص السّور روایت می‌نماید، که از حضرت امام جعفر صادق(ع) منقول است که به جهت فراخی روزی سورهٔ «واقعه» را چهل و یک مرتبه بخوانند و بر سر هر قبری که بخواند صاحب آن قبر از عذاب ایمن گردد و بعضی از علماء گفته‌اند، اگر سورهٔ واقعه را نزد بیمار بخواند راحتی می‌یابد و اگر نزد محتضر خوانند جان دادن برای او آسان می‌شود.

آسان گذشتن از پل صراط

در حاشیهٔ زادالمعاد است که جهت آسان گذشتن از پل صراط به این آیهٔ شریفه مداومت نماید:« وَ آيَةٌ لَهُمْ اَنّا حَمَلْنا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ» (یس ۴۱).



دعایی که زیاد خواندن آن تأکید شده

سید بن طاووس(ره) در مهج‌الدعوات از مولایمان حضرت امام باقر(ع) روایت نموده که جبرئیل(ع) به حضرت رسول(ص) گفت: ای پیامبر خدا بدان بدرستیکه من هیچ پیامبری را به اندازهٔ شما دوست نمی‌دارم پس خیلی زیاد بگو:

« اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرىٰ وَ لا تُرىٰ وَ اَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلىٰ وَ اَنَّ اِلَيْكَ الْمُنْتَهىٰ وَ الرُّجْعىٰ وَ اَنَّ لَكَ الْاٰخِرَةَ وَالْاُولىٰ وَ اَنَّ لَكَ الْمَماتَ وَالْمَحْيا وَ رَبِّ اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَذِلَّ اَوْ اَخْزىٰ».

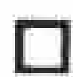


دعای مروی حضرت امیرالمؤمنین(ع)

در بعضی از کتب معتبرهٔ اصحابناالامامیه است که این دعای شریف از حضرت امیر المؤمنین(ع) می باشد و آن حضرت این دعای شریف را در قنوت می‌خواندند و برای این دعا فضیلت و ثواب بسیاری نقل شده و باید به قرائت آن مداومت نمود، دعا این است:

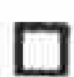
« اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَالْعَنْ صَنَمَيْ قُرَيْشٍ وَ جِبْتَيْهِما وَ طاغُوتَيْهِما وَ اِفْكَيْهِما وَ اِبْنَتَيْهِما اَللَّذَيْنِ خالَفا اَمْرَكَ وَ اَنْكَرا وَحْيَكَ وَ جَحَدا اِنْعامَكَ وَ عَصَيا رَسُولَكَ وَقَلَّبا دينَكَ وَحَرَّفا كِتابَكَ وَاَحَبّا اَعْداءَكَ وَ جَحَدا آلاءَكَ وَ عَطَّلا اَحْكامَكَ وَ اَبْطَلا فَرائِضَكَ وَاَلْحَدا في اياتِكَ وَ عادَيا اَوْلِياءَكَ وَ والَيا اَعْداءَكَ وَ خَرَّبا بِلادَكَ وَاَفْسَدا عِبادَكَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُما وَ اَتْباعَهُما وَ اَوْلِياءَهُما وَ اَشْياعَهُما وَ مُحِبّيهِما وَ اَنْصارَهُما فَقَدْ اَخْرَبا بَيْتَ النُّبُوَّةِ وَ رَدَما بابَهُ وَ نَقَضا سَقْفَهُ وَ اَلْحَقا سَماءَهُ بِاَرْضِهِ وَ عالِيَهُ بِسافِلِهِ وَ ظاهِرَهُ بِباطِنِهِ وَاسْتَأْصَلا اَهْلَهُ وَ اَبادا اَنْصارَهُ وَ قَتَلا اَطْفالَهُ وَ اَخْلَيا مِنْبَرَهُ مِنْ وَصِيِّهِ وَ وارِثِ

عِلْمِهِ وَ جَحَدا إمامَتَهُ وَ اَشْرَكا بِرَبِّهِما فَعَظِّمْ ذَنْبَهُما وَ خَلِّدْهُما في سَقَرَ وَ ما اَدْراكَ ما سَقَرُ لا تُبْقي وَ لا تَذَرُ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ مُنْكَرٍ اَتَوْهُ وَ حَقٍّ اَخْفَوْهُ وَ مِنْبَرٍ عَلَوْهُ وَ مُؤْمِنٍ اَرْجَوْهُ وَ مُنافِقٍ وَ لَّوْهُ وَ وَلِيٍّ اٰذَوْهُ وَ طَريدٍ اٰوَوْهُ وَ صادِقٍ طَرَدُوهُ وَ كافِرٍ نَصَرُوهُ وَ اِمامٍ قَهَرُوهُ وَ فَرْضٍ غَيَّرُوهُ وَ اَثَرٍ اَنْكَرُوهُ وَ شَرٍّ اٰثَرُوهُ وَ دَمٍ اَراقُوهُ وَ خَيْرٍ بَدَّلُوهُ وَ كُفْرٍ نَصَبُوهُ وَاِرْثٍ غَصَبُوهُ وَ فَيْءٍ اِقْتَطَعُوهُ وَ سُحْتٍ اَكَلُوهُ وَ خُمْسٍ اسْتَحَلُّوهُ وَ باطِلٍ اَسَّسُوهُ وَ جَوْرٍ بَسَطُوهُ وَ نِفاقٍ اَسَرُّوهُ وَ غَدْرٍ اَضْمَرُوهُ وَ ظُلْمٍ نَشَرُوهُ وَ وَعْدٍ اَخْلَفُوهُ وَ اَمانَةٍ خانُوهُ وَ عَهْدٍ نَقَضُوهُ وَحَلالٍ حَرَّمُوهُ وَ حَرامٍ اَحَلُّوهُ وَ بَطْنٍ فَتَقُوهُ وَ جَنينٍ اَسْقَطُوهُ وَ ضِلْعٍ دَقُّوهُ وَ صَكٍّ مَزَّقُوهُ وَ شَمْلٍ بَدَّدُوهُ وَ عَزيزٍ اَذَلُّوهُ وَ ذَليلٍ اَعَزُّوهُ وَ حَقٍّ مَنَعُوهُ وَ كِذْبٍ دَلَّسُوهُ وَ حُكْمٍ قَلَّبُوهُ وَ اِمامٍ خالَفُوهُ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ بِكُلِّ آيَةٍ حَرَّفُوها وَ فَريضَةٍ تَرَكُوها وَ سُنَّةٍ غَيَّرُوها وَ رُسُومٍ مَنَعُوها وَ اَحْكامٍ عَطَّلُوها وَ بَيْعَةٍ نَكَثُوها وَ دَعْوىٰ اَبْطَلُوها وَ بَيِّنَةٍ اَنْكَرُوها وَ حيلَةٍ اَحْدَثُوها وَ خِيانَةٍ اَوْرَدُوها وَ عَقَبَةٍ اِرْتَقَوْها وَ دِبابٍ دَحْرَجُوها وَ اَزْيافٍ لَزِمُوها وَ شَهاداتٍ كَتَمُوها وَ وَصِيَّةٍ ضَيَّعُوها اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُما في مَكْنُونِ السِّرِّ وَ ظاهِرِ الْعَلانِيَةِ لَعْناً كَثيراً اَبَدًا دائِمًا دائِبًا سَرْمَدًا لا اِنْقِطاعَ لِاَمَدِهِ وَ لا نَفادَ لِعَدَدِهِ لَعْنًا يَغْدُو اَوَّلُهُ وَ لا يَرُوحُ اٰخِرُهُ لَهُمْ وَ لِاَعْوانِهِمْ وَ اَنْصارِهِمْ وَ مُحِبّيهِمْ وَ مَواليهِمْ وَالْمُسَلِّمينَ لَهُمْ وَ الْمائِلينَ اِلَيْهِمْ وَالنّاهِضينَ بِاَجْنِحَتِهِمْ وَالْمُقْتَدينَ بِكَلامِهِمْ وَالْمُعْتَقِدينَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَالْمُصَدِّقينَ بِاَحْكامِهِمْ» پس چهار مرتبه بگو «اَللّٰهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذاباً يَسْتَغيثُ مِنْهُ اَهْلُ النّارِ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ».



کسی که دچار اتهام گردیده

صاحب خواص السور آورده که از مولایمان حضرت امام صادق؈ منقول است که هر کس را بهتانی زده باشند هفت بار سورهٔ مبارکهٔ «نور» را بخواند از آن اتهام خلاص می‌گردد انشاءالله.



دعایی که هنگام نظر در آینه خوانده می‌شود

محدث نوری(ره) در مستدرک المقنع شیخ صدوق (ره) روایت نموده که چون در آینه نظر می‌نمایی بگو:«**اَلحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي خَلَقَني فَاَحْسَنَ خَلْقي وَصَوَّرَني فَاَحْسَنَ صُورَتي وَ زٰانَ مِنّي مٰاشٰانَ مَنْ غَيْري وَ اَكْرَمَني بِالْاِسْلاٰمِ**».



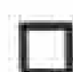
کلمات ختم مجلس

در خواص‌السور از حضرت امیرالمؤمنین(ع) روایت است که فرمودند:

هر کس بخواهد در روز قیامت مزد عمل را بر وجه کمال بگیرد باید آخر کلام او در هر مجلس این آیهٔ شریفه باشد: «**سُبْحٰانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّٰا يَصِفُونَ وَ سَلاٰمٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ**»(صافات ۱۸۲).

و در مستدرک و جعفریات از حضرت رسول‌الله(ص) روایت است که فرمودند:

کسی که مجلسی را به این کلمات ختم نماید اگر در آن مجلس گناهکار بوده باشد، این کلمات کفارهٔ گناهان او خواهد بود و اگر نیکوکار باشد ثواب او بیشتر می‌شود و آن کلمات این است: «**سُبْحٰانَكَ اَللّٰهُمَّ وَ بِحَمدِكَ اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنتَ اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيكَ**» و در روایت دیگر است که کفارهٔ مجلس این کلمات است: «**سُبْحٰانَكَ اَللّٰهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ لاٰ اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ رَبِّ تُبْ عَلَيَّ وَاغْفِرْلي**»

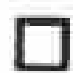


ادعیه هنگام داخل شدن بازار

در مستدرک و امالی ابوعلی از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت است که فرمودند: کسی که داخل بازاری می‌شود بگوید: «**اَشْهَدُ اَنْ لاٰ اِلٰهَ اِلاَّاللّٰهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رسولُهُ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعوذُ بِكَ مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغرَمِ**» خداوند به اندازهٔ تمام افراد از عرب و غیر عرب که در آن بازار باشند برای او حسنه می‌نویسد.

و از پیامبر(ص) روایت نموده هنگامی که وارد بازار می‌شدند میفرمودند:

«اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسئَلُکَ مِنْ خَيرِ هٰذاَ السَّوقِ وَ اَعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفرِ وَالْفُسُوقِ». و اگر خواستی چیزی بخری بگو: «يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا دائِمُ يا رَؤُوفُ يا رَحيمُ اَسئَلُکَ بِعَونِکَ و قُدرَتِکَ وَ ما اَحاطَ بِهِ عِلمُکَ اَنْ تَقْسِمَ لي مِنَ التِّجارَةِ اَعْظَمَها رِزقاً وَ اَوسَعَها فَضْلاً وَ خَيْرَها لي عاقِبَةً فَاِنَّهُ لا خَيْرَ فيما لا عاقبَةَ لَهُ».



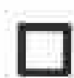
دفع ضرر فال بد

در مکارم الاخلاق است که حضرت سیّد المرسلین(ص) فال نیک را دوست می‌داشتند و از طیره وفال بد کراهت داشتند، و امر می‌فرمودند:

کسی که چیزی را دید که از آن کراهت دارد وفال بد به آن می‌زند بگوید:

«اللّٰهُمَّ لايُؤتي الْخَيْرَ اِلّا اَنْتَ وَلايَدفَعُ السَيِّئاتِ اِلّا اَنْتَ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِکَ».

در تحفة الرضویه و انیس الادباء از بعضی علماء منقول است که جهت دفع ضرر فال بد این کلمات را بخواند:«اِعتَصَمْتُ بِکَ يا رَبِّ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ في نَفْسي فَاعْصِمْني مِنْ ذٰلِکَ».



ایمنی از صاعقه و رعد

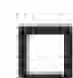
در تحفة الرضویه از سید عبدالله بلادی منقول است که انسان در هنگام ظهور صاعقه و رعد و برق آسمان این آیهٔ شریفه را بخواند:«اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِکُ السَّمٰواتِ وَالارضَ اَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا اِنْ اَمْسَکَهُما مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ کانَ حَليماً غَفُوراً»(فاطر ۴۱) پس این آیه برای حفظ از خرابی و نزول صاعقه و رعد و برق مجرب می‌باشد، و نیز آورده که قرائت سورهٔ «یس، حم دخان، فلق، ناس و اخلاص» و نیز «آیةالکرسی» در این حالت از مجربات بوده و سزاوار نیست که ترک بشود.

و محدث نوری(ره) در مستدرک از مکارم‌الاخلاق طبرسی روایت نموده هنگامی که صدای رعد شنیدی و صاعقه دیدی بگو: «اَللّٰهُمَّ لا تَقْتُلْنا بِغَضَبِکَ وَ لا تُهْلِکْنا بِعَذابِکَ وَ عافِنا قَبْلَ ذٰلِکَ».

نماز جهت امر ترسناک

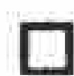
در مستدرک و جمال‌الاسبوع از حضرت جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت است که برای امر مخوف و عظیم دو رکعت نماز می‌باشد که حضرت زهرا(س) آن را می‌خواند که در هر دو رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سورهٔ «قل هوالله» احد خوانده می‌شود پس هنگامی که سلام نماز را دادی صد مرتبه صلوات می‌فرستی.

مؤلف: در روایت ذکر نشده که منظور از امر مخوف عظیم چه می‌باشد اما ظاهراً خطرات و بلاهای مهم مانند سیل، زلزله، قحطی و جنگ و مانند آن مقصود باشد.



فرو نشاندن زلزله
خصوصاً زلزله‌های پی در پی

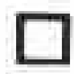
محدث نوری(ره) در مستدرک از فقه‌الرضا(ع) روایت نموده هنگامی که زلزله شد نماز کسوف(آیات) بخوان و بعد از نماز سجده کن و بگو:« **يا مَنْ يُمْسِكُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا اِنْ اَمْسَكَهُما مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً يا مَنْ يُمْسِكُ السَّماءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلاّ بِاِذْنِهِ اَمْسِكْ عَنَّا السُّقْمَ وَالْمَرَضَ وَ جَميعَ اَنْواعِ الْبَلاءِ** » و هنگامی که زلزله زیاد شد روزهای چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه را روزه بگیر و به سوی خداوند عظم شأنه توبه نموده و به سوی او بازگرد و برادرانت(برادران مؤمن) را نیز اشاره کن تا این کار را بکنند پس بدرستیکه زمین به اذن خداوند عزّ ذکره ساکن می‌گردد.



نماز هنگام باران

سید بن طاووس(ره) در «المجتنی من الدعاء المجتبیٰ» از حضرت رسول الله(ص) روایت نموده که فرمود: هنگامی که دیدی باران می‌آید دو رکعت نماز بخوانید، پس کسی که این نماز را با نیت پاک و رکوع و سجود کامل بخواند خداوند (عظم شأنه) به

ازای هر قطرهٔ آن باران ده حسنه به آن شخص می‌دهد و در روایت دیگر است که علاوه بر آن به ازای هر برگی هم که از آن باران می‌روید ده حسنه برای او نوشته می‌شود.



دفع باد و غبار و ظلمت هوا

در خواص السور است که چون باد بسیار شود یا غبار و ظلمت هوا را تیره نماید این آیه شریفه را تکرار نماید تا آن حالت از بین برود: «**لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ**» (انعام ۱۰۳).



دعای هنگام وزش باد و طوفان

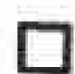
در مستدرک و مکارم‌الاخلاق طبرسی(ره) روایت است که مولایمان حضرت امام ابی‌عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام فرمودند:

هنگامی که بادها بوزد زیاد تکبیر بگویید و بگو: «**اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ خَيْرَ ما هاجَتْ بِهِ الرِّياحُ وَ خَيْرَ ما فيها وَ اَعُوذُبِكَ مِنْ شَرِّها وَ شَرِّ ما فيها اَللّٰهُمَّ اجْعَلْها عَلَيْنا رَحْمَةً وَ عَلَى الْكافِرِينَ عَذاباً وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**».



افتادن در هر مهلکه‌ای

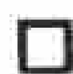
در مکارم الاخلاق روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: هر گاه در ورطه‌ای افتادی بگو: «**بسم اللّه الرَّحمن الرَّحيم لا حَولَ و لا قُوَّةَ اِلاّ باللّه العلىّ العَظيم اللّهمَّ ايّاك نعبدُ و ايّاك نستعين**».



هر مکان خوفناک و رفع ترس و وحشت

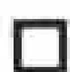
فیض کاشانی(ره) نقل می‌نماید که هر کس سورهٔ «والنّازعات» را درمکان مخوف بخواند از آن مکان ترسناک به سلامت بیرون می‌آید.

ایضاً درکتب معتبره مانند حاشیهٔ منهاج علامه منقول است که شخصی به خدمت مولایمان حضرت صادق(ع) شکایت کرد که چون تنها می‌شوم مرا وحشتی عارض می شود و چون به میان مردم می‌روم بر طرف می‌شود، فرمودند:دست بر دل خود بگذار و سه مرتبه بگو:«**بِسْمِ اللّٰه**» پس دست را بر دل بمال و هفت نوبت این دعا را بخوان:«**اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَلالِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ وَ اَعُوذُ بِاَسْماءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ ما اَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ ما اَخافُ عَلیٰ نَفْسي**»، همچنین روایت است که شخصی خدمت حضرت رسول الله(ص) آمده از وحشت شکایت نمود، فرمود: مکرر و بسیار این دعا را بخوان تا حق تعالی وحشت تو را زائل فرماید: «**سُبْحانَ اللّٰهِ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلائِکَةِ وَالرُّوحِ خالِقُ السَّمٰواتِ وَالْأَرْضِ ذِی الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ**».



بعضی خواص سورهٔ مبارکهٔ القارعه

صاحب خواص السور روایت نموده از مولایمان حضرت صادق(ع) که سورهٔ «القارعه» رابرای بر آمدن مهمات صد و هشتاد بار بخواند و فرمود هر کس به قرائت این سوره مداومت نماید در امان خداوند جلت عظمته باشد و اگر کسی که معیشت بر او تنگ شده سورهٔ «القارعه» را بنویسد و با خود نگهدارد حصول معیشت و روزی برای او آسان می‌شود.



سعادت و عزّت

فیض کاشانی(ره) روایت نموده است که در هیچ خانه‌ای هر روز سورهٔ مبارکهٔ «ق»

خوانده نمی‌شود مگر آنکه صاحب آن خانه همیشه با روزی و سعادت و عزت می‌باشد و ازذلت و خواری محفوظ می‌ماند و نقل نموده که مجرب و آزموده شده و تخلف ندارد.



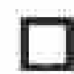
تعویذ شریف پیامبرﷺ در روز وادی القریٰ

سید بن طاوس(ره) در مهج الدعوات روایت می‌نماید که این عوذهٔ پیامبر در روز وادی القری می‌باشد و برای هر چیزی (خطر یا بلیه) نافع است پس کسی که آن را بنویسد و همراه خود آویزان نماید در امان الهی و پناه او باشد و خداوند او را در عز و منع خویش محافظت فرماید و مَلائکه او را حفظ می‌نمایند:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَلْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ اِيّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِيمَ صِراطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَاالضّالِّينَ اَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِي السَّمٰواتِ وَ ما فِي الْاَرْضِ مَنْ ذَاالَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ اِلّا بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ ما بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلّا بِما شاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ وَ لا يَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَالْمَلائِكَةُ وَ اُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللّٰهِ عَمّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْماءُ الْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ قُلِ اللّٰهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ اِلٰهاً واحِداً اَحَداً فَرْداً صَمَداً لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً وَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لا يُعْرَفُ لَهُ سَمِيٌّ وَ هُوَ الرَّجاءُ وَالْمُرْتَجىٰ وَالْمُلْتَجاءُ وَاِلَيْهِ الْمُشْتَكىٰ وَ مِنْهُ الْفَرَجُ وَالرَّجاءُ وَ اَسْئَلُكَ يا اَللّٰهُ بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْماءِ الْجَلِيلَةِ الرَّفِيعَةِ عِنْدَكَ الْعالِيَةِ الْمَنِيعَةِ الَّتِي اخْتَرْتَها لِنَفْسِكَ وَ اخْتَصَصْتَها

لِذِکْرِکَ وَ مَنَعْتَها جَمیعَ خَلْقِکَ وَ اَفْرَدْتَها عَنْ کُلِّ شَیْءٍ دُونَکَ وَ جَعَلْتَها دَلیلَةً عَلَیْکَ وَ سَبَباً اِلَیْکَ فَهِیَ اَعْظَمُ الْاَشْیآءِ وَ اَجَلُّ الْاَقْسامِ وَ اَفْخَرُ الْاَشْیاءِ وَاَکْبَرُ الْعَزآئِمِ وَ اَوْثَقُ الدَّعائِمِ لا تَرُدُّ داعِیَکَ بِها وَ لا تُخَیِّبُ راجِیَکَ وَالْمُتَوَسِّلَ اِلَیْکَ وَ لا یَذِلُّ مَنِ اعْتَمَدَ عَلَیْکَ وَ لا یُضامُ مَنْ لَجَاَ اِلَیْکَ وَ لا یَفْتَقِرُ سآئِلُکَ وَ لا یَنْقَطِعُ رَجآءُ مُؤَمِّلِکَ وَ لا تُخْفَرُ ذِمَّتُهُ وَ لا تَضیعُ حُرْمَتُهُ فَیامَنْ لا یُعانُ وَ لا یُضامُ وَ لا یُغالَبُ وَ لا یُنازَعُ وَ لا یُقاوَمُ اِغْفِرْلی ذُنُوبی کُلَّها وَ اَصْلِحْ لی شُئُونی کُلَّها وَاکْفِنی فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ وَ عافِنی فِی الدُّنْیا وَ الْاخِرَةَ وَاحْفَظْنی فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَةِ وَاسْتُرْنی فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَةَ وَ قَرِّبْ جِواری مِنْکَ فَاَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ بِاسْمِکَ الْجَلیلِ الْعَظیمِ تَوَسَّلْتُ وَ بِهِ تَعَلَّقْتُ وَ عَلَیْهِ اعْتَمَدْتُ وَ هُوَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَی الَّتی لَاانْفِصامَ لَها وَ لا تَخْفِرُ ذِمَّتی وَ لا تَرُدَّ مَسْئَلَتی وَ لا تَحْجُبْ دَعْوَتی وَ لا تُنَقِّصْ رَغْبَتی وَارْحَمْ ذُلّی وَ تَضَرُّعی وَ فَقْری وَ فاقَتی فَمالی رَجآءٌ غَیْرُکَ وَ لا اَمَلٌ سِواکَ وَ لا حافِظٌ اِلّا اَنْتَ یااَللّٰهُ یااَللّٰهُ یااَللّٰهُ یااَللّٰهُ یااَللّٰهُ یااَللّٰهُ یااَللّٰهُ یااَللّٰهُ یااَللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ وَ لا اِلٰهَ غَیْرُکَ اَنْتَ رَبُّ الْاَرْبابِ وَ مالِکُ الرِّقابِ وَ صاحِبُ الْعَفْوِ وَالْعِقابِ اَسْئَلُکَ بِالرُّبُوبِیَّةِ الَّتی انْفَرَدْتَ بِها اَنْ تُعْتِقَنی مِنَ النّارِ بِقُدْرَتِکَ وَ تُدْخِلَنی الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ وَ تَجْعَلَنی مِنَ الْفائِزینَ عِنْدَکَ اَللّٰهُمَّ احْجُبْنی بِسِتْرِکَ وَاسْتُرْنی بِعِزِّکَ وَاکْنُفْنی بِحِفْظِکَ وَ احْفَظْنی بِحِرْزِکَ وَاحْرُزْنی فی اَمْنِکَ وَ اعْصِمْنی بِحِیاطَتِکَ وَ حُطْنی بِعِزِّکَ وَامْنَعْ مِنّی بِقُوَّتِکَ وَ قَوِّنی بِسُلْطانِکَ وَلا تُسَلِّطْ عَلَیَّ عَدُوّاً بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ».

بدان که در مستدرک الوسائل محدث نوری (ره) روایت است از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: کثیراً من الرقی و تعلیق التمائم شعبة من الاشراک، و ظاهراً منظور حضرت این باشد که تعلیق احراز نوعی شرک به خداوند عظم شأنه می‌باشد بنابراین کسی که این گونه اَحراز را که مرویه باشد استفاده نماید باید بدانند که اثر تعلیق حِرز به اذن و ارادهٔ الهی است و نفس حِرز هیچ اثر و خاصیتی ندارد.

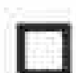


تأکید لعن بر بنی امیه بعد از هر فریضه

سزاوار نیست بعد از هر نماز واجب لعن بر بنی امیه ترک شود زیرا ائمهٔ معصومین علیهم السلام در این مورد سفارش مؤکد فرموده‌اند و شیخ طوسی(ره) در کتاب تهذیب به سند

معتبر و صحیح از مولایمان حضرت امام ابی جعفر محمد بن علی الباقر(ع) روایت نموده که فرمودند: هر گاه نماز واجبی را به پایان بردی جز بالعنت کردن بنی امیه از جای خود حرکت مکن.[1]

و لفظ لعن به این طریق می‌تواند باشد:«**اللهم العن بنی امیة**».



کیفیت توسل به هر یک از معصومین صلوات الله و سلامه علیهم

محدث نوری(ره) در «دارالسلام فی ما یتعلق بالرُّؤیا والمنام» از عالم جلیل سید فضل الله راوندی(ره) در کتاب دعوات نقل نموده است ابوالوفاء شیرازی مرا خبر داد که در زندان ابی الیاس در کرمان اسیر بودم و آنها قصد کشتن مرا داشتند پس به خداوند متعال توسل نمودم به طریق حضرت امام سجاد(ع)، پس در خواب حضرت رسول الله(ص) را دیدم آن حضرت فرمودند: در عارضه‌های دنیوی به من و دخترم و پسرم متوسل نشو بلکه برای مسائل آخرت و آنچه که از فضل خداوند(عظم شأنه) آرزو داری به ما متوسل شو و اما برادرم ابوالحسن علی(ع) پس اوست که انتقام تو را از ظالم می‌گیرد.

پس گفتم یا رسول الله:آیا بر فاطمه(س) ظلم نشد پس امیرالمؤمنین(ع) صبر کرد و ارث شما را از او گرفتند پس چگونه از کسی که بر من ظلم می‌کند انتقام بگیرد؟

پیامبر(ص) فرمود:آن به واسطهٔ عهدی بود که با او عهد نموده بودم و به آن عهد او را امر کرده بودم و برای امیرالمؤمنین(ع) جز همان صبر و قیام به آن صورت مجزی نبود، اما الان، پس وای بر کسی که متعرض دوستان او بشود.

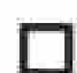
اما علی بن الحسین(ع) پس توسل به آن حضرت نما برای نجات از سلاطین و اذیت و وسوسهٔ شیاطین، و اما حضرت محمد بن علی(ع) و جعفر بن محمد الصادق(ع) پس متوسل شو به آن دو حضرت برای آخرت و اما حضرت موسی بن جعفر(ع)

۱- التهذیب ج ۲ ص ۱۰۹

پس التماس کن به او برای سلامتی و شفای امراض، و اما حضرت علی بن موسی الرضا(ع) پس توسل نما به حضرتش برای نجات در سفرها و در بیابان‌ها و دریاها، و اما حضرت محمد بن علی الجواد(ع) پس متوسل شو به آن حضرت برای نزول ارزاق از سوی خداوند عظم شأنه و اما حضرت علی بن محمد الهادی(ع) پس متوسل شو به حضرتش برای انجام نوافل و مستحبات و نیکیها و رسیدگی به برادران دینی و اما حضرت حسن بن علی عسگری(ع) پس به آن حضرت متوسل شو برای امر آخرت و اما حضرت حجة بن الحسن(عج)، پس هر وقت که هیچ راهی نداشتی و دیگر کار به انتها رسیده و شمشیر به حلقت رسیده بود به او استغاثه کن پس او فریاد رس است در آخرین مرحلهٔ چاره پس بگو: **«یا مولا یا صاحب الزّمان اَنا مُستَغیثٌ بِکَ»** پس در آن هنگام از جانب آسمان بر اسب یا حربه‌ای از نور می‌آید پس به او بگو ای مولای من شر این ظالم را از من کفایت فرما.

راوی گوید صبح کردم در حالیکه ابی الیاس احضارم نمود و گفت به چه کسی استغاثه نمودی؟

گفتم به کسی که او غیاث المستغیثین است. مؤلف گوید: این کیفیت توسل در دعای توسلی که در بحار و قبس المصباح و مجموع الدعوات روایت گردیده، مذکور می‌باشد و چون محدث قمی(ره) نیز در مفاتیح الجنان بعد از دعای توسل معروف در دعای توسل غیر معروف آن را نقل نموده از ذکر آن خود داری می‌نماییم و البته این طریق احسن و مخصوص توسل به معصومین(ع) می‌باشد و الا به هر یک از ائمه(ع) می‌توان در موارد مختلفه توسل نمود و تجربه این مسئله را واضح نموده است فلذا در موارد مختلف از حضرت امام رضا(ع) یا امام زمان(عج) حوائج گوناگون گرفته شده است.



دعای اویس قرنی

دعای اویس قرنی از ادعیه شریفه و کثیرالفائده‌ای است که سید بن طاووس(ره) در مهج الدعوات روایت نموده و آن دعایی است که حضرت امیرالمؤمنین(ع) به جناب

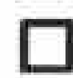
اویس قرنی(رض) تعلیم فرموده‌اند و آن حضرت از پیامبر(ص) روایت می‌فرمایند که فرمود: بنده‌ای نیست که دعا نماید به این دعا مگر آنکه حقتعالی(جل اسمه) دعای او را مستجاب می‌فرماید و پیامبر مکرراً در این مورد سوگند یاد کرده و فرموده اگر این دعا بر آب جاری خوانده شود ساکن می‌گردد و اگر انسان گرسنه و تشنه‌ای آن را بخواند بدرستیکه خداوند او را طعام داده و سیراب می‌فرماید، و اگر دعا شود به این دعا به کوه که از موضع خود حرکت نماید جابجا می‌گردد و اگر این دعا را برای زنی که ولادت برای او سخت گردیده بخواند زایمان برای او آسان می‌گردد و اگر انسانی در شهری این دعا را بخواند و آن شهر آتش بگیرد و خانهٔ او در وسط شهر باشد خانهٔ او از احتراق مصون می‌ماند و اگر چهل شب جمعه بخواند خداوند تمام گناهان او را می بخشد و دعا نمی‌کند به این دعا مهموم و مغمومی مگر آنکه خداوند برای او فرج و گشایش می‌فرماید. و بر هیچ سلطان ستمگر این دعا را نمی‌خواند مگر آن سلطان ستمگر ترسیده و خداوند در مورد آن سلطان دعا و مسئلهٔ او را مستجاب می‌فرماید و سید ذکر نموده که این دعا خواص و شرح طولانی دارد و به ذکر همین مقدار اکتفا نموده است، دعا این است:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُکَ وَ لٰا اَسْاَلُ غَيْرَکَ وَ اَرْغَبُ اِلَيْکَ وَ لٰا اَرْغَبُ اِلىٰ غَيْرِکَ اَسْئَلُکَ يٰا اَمٰانَ الْخٰائِفينَ وَ جٰارَ الْمُسْتَجيرينَ اَنْتَ الْفَتّٰاحُ ذُوالْخَيْرٰاتِ مُقيلُ الْعَثَرٰاتِ مٰاحِي السَّيِّئٰاتِ وَ كٰاتِبُ الْحَسَنٰاتِ وَ رٰافِعُ الدَّرَجٰاتِ اَسْاَلُکَ بِاَفْضَلِ الْمِسآئِلِ كُلِّهٰا وَ اَنْجَحِهٰا الَّتي لٰا يَنْبَغي لِلْعِبٰادِ اَنْ يَسْاَلُوکَ اِلّٰا بِهٰا يٰااَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ وَ بِاَسْمٰآئِکَ الْحُسْنىٰ وَ اَمْثٰالِکَ الْعُلْيٰا وَ نِعَمِکَ الَّتي لٰا تُحْصىٰ وَ بِاَكْرَمِ اَسْمٰآئِکَ عَلَيْکَ وَ اَحَبِّهٰا اِلَيْکَ وَ اَشْرَفِهٰا عِنْدَکَ مَنْزِلَةً وَ اَقْرَبِهٰا مِنْکَ وَسيلَةً وَ اَجْزَلِهٰا مَبْلَغاً وَ اَسْرَعِهٰا مِنْکَ اِجٰابَةً وَ بِاِسْمِکَ الْمَخْزُونِ الْجَليلِ الْاَجَلِّ الْعَظيمِ الَّذي تُحِبُّهُ وَ تَرْضٰاهُ وَ تَرْضىٰ عَنْ مَنْ دَعٰاکَ بِهِ فَاسْتَجَبْتَ دُعٰآئَهُ وَ حَقٌّ عَلَيْکَ اَلّٰا تَحْرِمُ سآئِلَکَ وَ بِكُلِّ اِسْمٍ هُوَ لَکَ عَلَّمْتَهُ اَحَداً مِنْ خَلْقِکَ اَوَلَمْ تُعَلِّمْهُ اَحَداً وَ بِكُلِّ اِسْمٍ دَعٰاکَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِکَ وَ مَلٰائِكَتُکَ وَ اَصْفِيٰآؤُکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ بِحَقِّ السّٰآئِلينَ لَکَ وَ الرّٰاغِبينَ اِلَيْکَ وَ الْمُتَعَوِّذينَ بِکَ وَالْمُتَضَرِّعينَ لَدَيْکَ وَ بِحَقِّ كُلِّ عَبْدٍ مُتَعَبِّدٍ لَکَ في بَرٍّ اَوْ بَحرٍ اَوْ سَهْلٍ اَوْ جَبَلٍ اَدْعُوکَ دُعٰآءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فٰاقَتُهُ وَ عَظُمَ جُرْمُهُ وَ اَشْرَفَ عَلَى الْهَلَكَةِ وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَ مَنْ لٰا يَثِقُ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَ لٰا يَجِدُ لِذَنْبِهِ

www.telasm.com

غافِراً غَيْرَکَ وَ لا لِسَعْيِهِ سِواکَ هَرَبْتُ مِنْکَ اِلَيْکَ مُعْتَرِفاً غَيْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لا مُسْتَکْبِرٍ عَنْ عِبادَتِکَ يا اُنْسَ کُلِّ فَقيرٍ مُسْتَجيرٍ اَسْئَلُکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ الْحَنّانُ الْمَنّانُ بَديعُ السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ ذُوالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ اَنْتَ الرَّبُّ وَ اَنَا الْعَبْدُ وَ اَنْتَ الْمالِکُ وَ اَنَاالْمَمْلُوکُ وَ اَنْتَ الْعَزيزُ وَ اَنَا الذَّليلُ وَ اَنْتَ الْغَنِيُّ وَ اَنَا الْفَقيرُ وَ اَنْتَ الْحَيُّ وَ اَنَاالْمَيِّتُ وَ اَنْتَ الْباقي وَ اَنَا الْفاني وَ اَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ اَنَاالْمُسيئُ وَ اَنْتَ الْغَفُورُ وَاَنَاالْمُذْنِبُ وَاَنْتَ الرَّحيمُ وَ اَنَاالْخاطي وَ اَنْتَ الْخالِقُ وَ اَنَاالْمَخْلُوقُ وَ اَنْتَ الْقَوِيُّ وَ اَنَاالضَّعيفُ وَ اَنْتَ الْمُعْطي وَ اَنَا السّائِلُ وَ اَنْتَ الْاَمينُ وَ اَنَاالْخائِفُ وَ اَنْتَ الرّازِقُ وَ اَنَا الْمَرْزُوق وَ اَنْتَ اَحَقُّ مَنْ شَکَوْتُ اِلَيْهِ وَ اسْتَغَثْتُ بِهِ وَ رَجَوْتُهُ لِاَنَّکَ کَمْ مِنْ مُذْنِبٍ قَدْ غَفَرْتَ لَهُ وَ کَمْ مِنْ مُسيئٍ قَدْ تَجاوَزْتَ عَنْهُ فَاغْفِرْ لي وَ تَجاوَزْ عَنّي وَ ارْحَمْني وَ عافِني مِمّا نَزَلَ بي وَ لا تَفْضَحْني بِما جَنَيْتُهُ عَلىٰ نَفْسي وَ خُذْ بِيَدي وَ بِيَدِ والِدَيَّ وَ وَلَدي وَ ارْحَمْنا بِرَحْمَتِکَ يا ذَاالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ».

مؤلف: این دعا شامل مضامین بسیار مهمی می‌باشدو نبایداز مداومت نمودن بر آن غفلت نمودانشاءالله‌تعالی و چون غالب کلمات آن مأنوس می‌باشد از معنا و شرح آن خودداری می‌نمائیم و فقط به ذکر این نکته اکتفامی‌کنیم که بعید نیست اسم‌اعظم و بعضی اسماء مخفی حقتعالی‌عزّه‌ذکره در این دعامستور باشد و خصوصاً قسمتی که با کلمات «**انت الرب و اناالعبد و انت‌المالک و اناالمملوک** ....» شروع می‌گردد از مناجاتهای دقیقه و خاصهٔ مؤمنین می‌باشد.



دعای مولایمان حضرت امام رضا﷣ در شدائد و بلیّات

ایضاً سید بن طاووس(ره) در مهج الدعوات از یونس بن بکیر در کتاب اصل او از حضرت امام علی بن موسی الرضا﷣ روایت است که از آن حضرت سؤال نمودم تا دعایی را به من تعلیم فرماید تا در شدائد آن را بخوانم، پس فرمود: یونس آنچه را که می‌نویسم برای تو حفظ کن و در هر شدت (سختی) با آن دعا کن که جواب داده می‌شوی و آنچه دعا را که خواسته باشی سپس مولایمان حضرت امام رضا﷣ برای

من نوشته:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبی وَ کَثْرَتَها قَدْ اَخْلَقَتْ وَ جْهی عِنْدَکَ وَ حَجَبَتْنی عَنِ اسْتیهالِ رَحْمَتِکَ وَ باعَدَتْنی عَنِ اسْتیجابِ مَغْفِرَتِکَ وَ لَوْ لا تَعَلُّقی بِآلائِکَ وَ تَمَسُّکی بِالدُّعاءِ وَ ما وَعَدْتَ اَمْثالی مِنَ الْمُسْرِفینَ وَ اَشْباهی مِنَ الْخاطِئینَ وَ اَوْعَدْتَ الْقانِطینَ مِنْ رَحْمَتِکَ بِقَوْلِکَ یا عِبادِیَ الَّذینَ اَسْرَفُوا عَلیٰ اَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمیعاً اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ وَ حَذَّرْتَ الْقانِطینَ مِنْ رَحْمَتِکَ فَقُلْتَ وَ مَنْ یَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ اِلَّا الضّالُّونَ ثُمَّ نَدَبْتَنا بِرَأْفَتِکَ اِلیٰ دُعاءِکَ فَقُلْتَ اُدْعُونی اَسْتَجِبْ لَکُمْ اِنَّ الَّذینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ اِلٰهی لَقَدْ کانَ ذٰلِکَ الْاِیاسِ عَلَیَّ مُشْتَمِلاً وَ الْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَتِکَ مُلْتَحِفاً اِلٰهی لَقَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِکَ ثَواباً وَ اَوْعَدْتَ الْمُسیءَ ظَنَّهُ بِکَ عِقاباً اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ اَمْسَکَ رَمَقی حُسْنُ الظَّنِّ بِکَ فی عِتْقِ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَ تَغَمُّدَ زَلَّتی وَ اِقالَةَ عَثْرَتی اَللّٰهُمَّ قُلْتَ فی کِتابِکَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ الَّذی لا خُلْفَ لَهُ وَ لا تَبْدیلَ یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ اُناسٍ بِاِمامِهِمْ وَ ذٰلِکَ یَوْمُ النُّشُورِ اِذا نُفِخَ فِی الصُّورِ وَ بُعْثِرَ ما فِی الْقُبُورِ اَللّٰهُمَّ فَاِنّی اُوفی وَ اَشْهَدُ وَ اُقِرُّ وَ لا اُنْکِرُ وَ لا اَجْحَدُ وَ اُسِرُّ وَ اُعْلِنُ وَ اُظْهِرُ وَ اُبْطِنُ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ اَنَّ عَلِیّاً اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ سَیِّدَ الْاَوصِیاءِ وَ وارِثَ عِلْمِ الْاَنْبِیاءِ عَلَمَ الدّینِ وَ مُبیرَ الْمُشْرِکینَ وَ مُمَیِّزَ الْمُنافِقینَ وَ مُجاهِدَ المارِقینَ وَ اِمامی وَ حُجَّتی وَ عُرْوَتی وَ صِراطی وَ دَلیلی وَ حُجَّتی وَ مَنْ لا اَثِقُ بِاَعْمالی وَ لَوْ زَکَتْ وَ لا اَراها مُنْجِیَةً لی وَ لَوْ صَلُحَتْ اِلّا بِوِلایَتِهِ وَ الْاِئْتِمامِ بِهِ وَ الْاِقْرارِ بِفَضائِلِهِ وَ الْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِها وَ التَّسْلیمِ لِرُواتِها وَ اُقِرُّ بِاَوْصِیائِهِ مِنْ اَبْنائِهِ اَئِمَّةً وَ حُجَجاً وَ اَدِلَّةً وَ سُرُجاً وَ اَعْلاماً وَ مَناراً وَ سادَةً وَ اَبْراراً وَ اُومِنُ بِسِرِّهِمْ وَ جَهْرِهِمْ وَ ظاهِرِهِمْ وَ باطِنِهِمْ وَ شاهِدِهِمْ وَ غائِبِهِمْ وَ حَیِّهِمْ وَ مَیِّتِهِمْ لا شَکَّ فی ذٰلِکَ وَ لا اِرْتِیابَ عِنْدَ تَحَوُّلِکَ وَ لا اِنْقِلابَ اَللّٰهُمَّ فَادْعُنی یَوْمَ حَشْری وَ نَشْری بِاِمامَتِهِمْ وَ اَنْقِذْنی بِهِمْ یا مَوْلایَ مِنْ حَرِّ النّیرانِ وَ اِنْ لَمْ تَرْزُقْنی رَوْحَ الْجِنانِ فَاِنَّکَ اِنْ اَعْتَقْتَنی مِنَ النّارِ کُنْتُ مِنَ الْفائِزینَ اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ اَصْبَحْتُ یَومی هٰذا لا ثِقَةَ لی وَ لا رَجاءَ وَ لا لَجَاَ وَ لا مَفْزَعَ وَ لا مَنْجا غَیْرَ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَیْکَ مُتَقَرِّباً اِلیٰ رَسُولِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ الزَّهْراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسیٰ وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ الْحَسَنِ وَ مِنْ بَعْدِهِمْ یُقیمُ الْمَحَجَّةَ اِلَی الْحُجَّةِ

اَلْمَسْتُورَةِ مِنْ وُلْدِهِ الْمَرْجُو لِلْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَ مَا بَعْدَهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ وَ مَعْقِلِي مِنَ الْمَخَاوِفِ وَ نَجِّنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ فَاسِقٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْرِفُ وَ مَا أُنْكِرُ وَ مَا اسْتَتَرَ عَنِّي وَ مَا أُبْصِرُ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ بِتَوَسُّلِي بِهِمْ إِلَيْكَ وَ تَقَرُّبِي بِمَحَبَّتِهِمْ وَ تَحَصُّنِي بِإِمَامَتِهِمْ إِفْتَحْ عَلَيَّ فِي هٰذَا الْيَوْمِ أَبْوَابَ رِزْقِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَ حَبِّبْنِي إِلَىٰ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْنِي بُغْضَهُمْ وَ عَدَاوَتَهُمْ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ وَ لِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ وَ لِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ حَقٌّ فَأَسْئَلُكَ بِمَنْ جَعَلْتُهُ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ وَ قَدَّمْتُهُ أَمَامَ طَلِبَتِي أَنْ تُعَرِّفَنِي بَرَكَةَ يَوْمِي هٰذَا وَ شَهْرِي هٰذَا وَ عَامِي هٰذَا اَللّٰهُمَّ وَ هُمْ مَفْزَعِي وَ مَعُونَتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي وَ عَافِيَتِي وَ بَلَائِي وَ نَوْمِي وَ يَقْظَتِي وَ ظَعْنِي وَ إِقَامَتِي وَ عُسْرِي وَ يُسْرِي وَ عَلَانِيَتِي وَ سِرِّي وَ إِصْبَاحِي وَ إِمْسَائِي وَ تَقَلُّبِي وَ مَثْوَايَ وَ سِرِّي وَ جَهْرِي اَللّٰهُمَّ فَلَا تُخَيِّبْنِي بِهِمْ مِنْ نَائِلِكَ وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ وَ لَا تَبْتَلِنِي بِانْغِلَاقِ أَبْوَابِ الْأَرْزَاقِ وَ انْسِدَادِ مَسَالِكِهَا وَ ارْتِيَاحِ مَذَاهِبِهَا وَ افْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ فَتْحاً يَسِيراً وَاجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ مَخْرَجاً وَ إِلَىٰ كُلِّ سَعَةٍ مَنْهَجاً إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

مولف گوید: چون در معانی این دعا دقت نموده و آن را بسیار عمیق و مبانی ولایت ائمهٔ معصومین ﷺ در آن به نحو وافی تشریح گردیده مصلحت ندیدم که از ترجمهٔ این کلمات شریفه که مولا یمان حضرت امام ابی‌الحسن علی بن موسی‌الرضا ؏ بدست مبارک خویش مرقوم فرموده‌اند صرفنظر گردد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحمنِ الرَّحِيمِ - بارالها بدرستیکه گناهانم و کثرت آن صورتم را نزد تو سیاه گردانیده و مرا از فرو گرفتن رحمتت محجوب نموده و مرا از مستجاب نمودن مغفرتت دور گردانیده، و اگر نبود تعلّق من به نعمتهایت، و تمسّکم به دعا کردن، و آنچه که وعده فرمودی به اشخاص مانند من از اسراف کنندگان و خطاکاران، و وعده فرمودی ناامیدان از رحمتت را به گفته‌ات «ای بندگان من که بر جانهای خود اسراف نموده‌اید از رحمت خداوند مأیوس نشوید بدرستیکه خداوند همهٔ گناهان را می‌بخشد و او غفور و رحیم است»، و حَذر فرمودی ناامیدان از رحمتت را به قولت پس فرمودی «و چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود مگر گمراهان؟» سپس ما را بخاطر

مهربانیت به سوی دعا کردن بسوی خود فرا خواندی پس فرمودی «بخوانید مرا اجابت می‌کنم شما را بدرستیکه کسانیکه به عبادت من استکبار می‌ورزند بزودی آنها را داخل جهنم می‌کنم در حالیکه ذلیل و خوار هستند».

(پس اگر اینچنین نبود در آن صورت) به تحقیق نومیدی شامل حال من می‌شد و یأس از رحمتت مرا فرا می‌گرفت، بارالها بدرستیکه گمان نیکوکار را به ثوابت وعده فرموده‌ای و گمان بدکار را به عقابت وعید داده‌ای، بارالها به تحقیق من دست می‌اندازم و با من است حسن ظن به تو در آزاد نمودن بندم از آتش و فرو پوشاندن گناهم و جبران نمودن ذلّتم. خدایا تو در کتابت فرموده‌ای و فرمودهٔ تو حق است بطوریکه خُلف و تبدیلی در آن نیست که «روز قیامت روزی است که هر یک از مردم را به امامشان می‌خوانیم و آن روز نشور و هنگامی است که در صور دمیده می‌شود و هر کسی که در قبرها می‌باشد برانگیخته می‌شود».

پس بدرستیکه من وفا می‌کنم و شهادت می‌دهم و اقرار می‌نمایم و انکار نمی‌کنم و اصلاً این حق را منکر نمی‌شوم و هم پنهان می‌کنم و هم ظاهر نموده و هم مخفی می‌نمایم به آنکه تو خدایی و خدایی جز تو نیست و یگانه‌ای و شریکی برای تو نیست و بدرستیکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو می‌باشد صلوات تو بر او باد و بدرستیکه امیر المؤمنین علیه السلام سیّد اوصیاء و وارث علم انبیاء و نشانهٔ دین و هلاک کنندهٔ مشرکین و جدا کنندهٔ منافقین و جهاد کنندهٔ با مارقین، امام و حجّت و دست‌آویز و راه و روش و دلیل و راهنمای من می‌باشد و کسی است که من به اعمال خود تکیه ندارم اگر چه پاک باشد و اعمالم را نجات دهنده نمی‌یابم اگر چه صالح باشد مگر به ولایت او علیه السلام و امامت او و اقرار به فضائلش و قبول نمودن کسی که فضائل او را حمل می‌نماید و تسلیم برای راویان کلامش و اقرار به اوصیاء از فرزندانش بعنوان ائمه و حجت و راهنما و روشنگر و علامت و نشان دهندهٔ راه و آقا و نیکوکار، و ایمان می‌آورم به سرّ آنها و آشکارشان و ظاهر ایشان و باطنشان و شاهد آنها و غائبشان و زندهٔ ایشان و غیر حیّ آنها و شکی در آن نیست و هیچ ریب و شبهه‌ای در حول و قوةّات نیست و نه تغییری در این مورد می‌باشد (یعنی امامت آنها و حائز بودن این شرائط در علم الهی ازلی و ابدی بوده و هیچگاه تغییر و تبدیلی در آن صورت نگرفته و نخواهد گرفت).

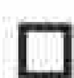
پس (بارالها) در روز حشر و نشر مرا به امامت ایشان فراخوان و مرا بواسطهٔ ایشان از گرمای آتش نجات بده اگر چه مرا از رحمت بهشت روزی نفرمایی پس بدرستیکه اگر تو مرا از آتش آزاد فرمایی از رستگاران خواهم بود (یعنی سختی و ذلت عذاب الهی در جهنم بحدّی است که اگر کسی از آن هم نجات یابد رستگار است و اما رفتن به بهشت به طریق اولیٰ رستگار می‌باشد).

خدایا و به تحقیق امروز را صبح نمودم در حالیکه هیچ اعتماد و امید و پناهگاه و محل فرار و نجات برایم نمی‌باشد، مگر آن کسانیکه به ایشان توسل نمودم در حالیکه متقرّب به سوی پیامبرت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله هستم سپس به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حضرت زهرا علیهاالسلام سیده زنان عالم و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن علیهم‌السلام و از بعد ایشان حجت بوسیله حضرت حجّة بن الحسن(عج) اقامه می‌گردد که مستور از دیدگان بوده و برای امت بعد از امام حسن عسگری امید می‌باشد.

بارالها پس ایشان را در این روز و بعد از آن برای من محافظ از بدیها قرار بده و ایشان را پناه من از آنچه که از آن ترسیده می‌شود مقرر بفرما و مرا بواسطهٔ ایشان از شرّ هر دشمن و طغیانگر و ظالم و فاسق و از شرّ هر چه که می‌شناسم و آنچه که نمی‌شناسم و آنچه که از من پوشیده است و آنچه که می‌بینم نجات بده و از شرّ هر جنبنده‌ای نجات بده، پروردگارم اختیار آن را کلاً دارد، بدرستیکه تو بر راه مستقیم می‌باشی.

بارالها بواسطهٔ توسّلم به ایشان به سوی تو و تقرّبم به محبت ایشان و طلب حفاظت نمودنم به امامت آنها در این روز ابواب رزق را بر من باز فرما و رحمتت را بر من گسترده بگردان و مرا بسوی خلق دوست بفرما و بغض خلق را از من دور بدار بدرستیکه تو بر هر چیز قدرت داری. بارالها برای هر متوسلی ثوابی می‌باشد و برای هر صاحب شفاعتی حقی است پس از تو سؤال می‌کنم قسم به کسانی که آنها را بسوی تو قرار دادم و آنها را نزد حاجاتم مقدم نمودم، آنکه برکت این روز و این ماه و این سال را به من ارائه فرمایی، خدایا ایشان (معصومین علیهم‌السلام) پناهگاه و یاری دهندهٔ من در هنگام شدّتم و آسایشم و عافیتم و ابتلائم و خوابم و بیداریم و سفرم و اقامتم و سختیم و

راحتیم و آشکارم و پنهانم و صبحم و شبم و حرکتم و سکوتم و خفایم و ظاهرم، می‌باشند. پس خدایا بواسطهٔ ایشان مرا از رستگاریت ناامید مفرما و امیدم را قطع نگردان و مرا از رحمتت مأیوس مفرما و مرا به بسته شدن ابواب رزق و بسته شدن راههایش مبتلا مفرما و برای من گشایش آسانی از نزد خودت قرار بده و از هر سختی و تنگی برای من فرجی قراربده و بسوی هر وسعتی راه آشکاری مقرّر بفرما بدرستیکه تو رحم کننده‌ترین رحم کنندگان می‌باشی و صلوات خداوند بر محمد و آل پاکش باد ای پروردگار عالمیان مستجاب بفرما.



نمازهای ایام هفته از جمال الاسبوع

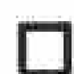
برای ایام هفته نمازهای متعدّدی ذکر شده است وحقیر از میان روایات مختلفی که در این مورد در کتب اصحاب می‌باشد روایتی را که از حیث اعتبار وصحّت به نظرم رسیده ذکر می‌نمایم، اما قبل از آن تذکّر این مسئله ضروری است که موضوع اصلی در هر نمازی توجّه قلبی و باطنی به سوی خداوند متعال می‌باشد که اکثراً از آن غافل می‌باشند در حالیکه توجّه و اقبال به سوی خالق عالم (جلّت عظمته) روح نماز می‌باشد و آن کسانی که تارک یا کاهل در نماز هستند از این قسمت نماز بی‌خبر می‌باشند، در کتاب وسائل الشیعه از کتاب المجالس والاخبار از ابوذر از پیامبرﷺ روایت نموده که فرمودند:

ای اباذر، دو رکعت نماز که در تفکّر (در عظمت الهی) باشد بهتر است از یک شب نماز خواندن در حالیکه قلب بی توجّه باشد، ذکر این مطلب نیز قابل توجّه است که در هر یک از نمازهای مستحبّی باید در هر دو رکعت سلام داده ونماز را تمام نماید یعنی مانند نماز صبح تمام نمازهای مستحبی دو رکعتی خوانده می‌شود مگر نماز اعرابی.



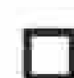
روز شنبه

از مولایمان حضرت امام ابی محمد الحسن العسگری (ع) روایت است که فرمودند: از کتابهای پدرانم (ع) خواندم که هر کس روز شنبه چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ قل هو اللّه احد و آیةالکرسی را بخواند خداوند عزّوجلّ برای او در درجهٔ انبیاء و شهداء وصالحین می‌نویسد و ایشان خوب رفقائی هستند.



روز یکشنبه

مولایمان حضرت امام حسن عسگری (ع) فرمودند: وکسی که در روز یکشنبه چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ مُلک (تبارک) را بخواند خداوند او در هر جایی که می خواهد در بهشت جای می‌دهد.



روز دوشنبه

وفرمودند (ع): کسی که روز دوشنبه ده رکعت نماز بخواند ودر هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ «قل هواللّه‌احد» را بخواند خداوند متعال در روز قیامت برای او نوری قرار می دهد که موقف را نورانی نماید حتی آنکه تمام کسانی که خداوند (جلّت عظمته) در آن روز خلق فرموده به او غبطه می‌خورند.

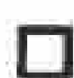


روز سه‌شنبه

وفرمودند (ع): کسی که در روز سه‌شنبه شش رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد آیهٔ «آمن الرسول» تا آخر سورهٔ «بقره» و سورهٔ «زلزال» را هر کدام یک مرتبه بخواند خداوند متعال از گناهان او می گذرد و مانند روزی که از مادر متولد شده بوده پاک می‌گردد.

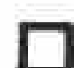
روز چهارشنبه

وفرمودند(ع): کسی که روز چهارشنبه چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ قل «هو اللّه‌احد» و سورهٔ «إنّا أنزلنا» را بخواند خداوند متعال گناهان او را عفو می‌فرماید و زوجه‌ای از حور العین به او تزویج می‌فرماید.



روز پنج‌شنبه

وفرمودند(ع): کسی که روز پنج‌شنبه ده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ «قل هواللّه‌احد» بخواند ملائکه به او خطاب می‌نمایند که: مسئلت نما که اعطا می‌شوی.



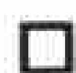
روز جمعه

ومولا یمان حضرت امام حسن عسگری(ع) فرمودند: کسی که در روز جمعه چهار رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ «ملک» (تبارک الّذي بیده الملک) و سورهٔ «حم سجده» را بخواند خداوند متعال او را داخل بهشت می‌فرماید وشفاعت او را در مورد خانواده‌اش می‌پذیرد و او را از فشار قبر وهولهای روز قیامت نگهداری می‌فرماید، پس راوی از حضرت امام حسن عسگری(ع) پرسید در چه وقت این نمازها را بخوانم؟ فرمودند:

از هنگام طلوع خورشید تا هنگام ظهر.

مؤلّف: البته باز هم تذکر این مسئله ضروری است که تمام این ثوابها برای کسی است که ولایت او در مورد أئمهٔ معصومین(ع) کامل باشد وبا دشمنان آنها از هر صنفی که باشند دشمن باشد زیرا که مولا یمان حضرت امام رضا(ع) فرمودند: ومن از شروط آن هستم، ودر وسائل الشیعه از رجال کشی روایت است که ابراهیم بن عقبه گوید به امام رضا(ع) نوشتم که فدای تو شوم من بعضی از واقفی‌ها (گروهی از دشمنان امام

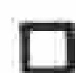
رضا(ع)) را شخصاً می‌شناسم پس در قنوت نمازهایم به آنها نفرین نمایم؟ حضرت فرمودند: بله در قنوت نمازت به آنها نفرین کن.[1] بنابراین آیا می‌توان شخصی را که به امام رضا یا به حضرت موسی بن جعفر یا به امام زمان (ع) توهین و جسارت نموده را به عنوان اینکه شاعر یا دانشمند است دوست داشت و انتظار قبولی اعمال و شفاعت اهلبیت را هم داشت؟



نماز جهت امنیت از جمعه تا جمعهٔ دیگر

در جمال الاسبوع سیّد بن طاووس (ره) روایت است که هر کس بعد از نماز ظهر در روز جمعه دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سورهٔ «قل هواللّه احد» را بخواند و بعد از نماز بگوید:

«اللّهُمَّ اجْعَلْني مِنْ اَهلِ الْجَنَّةِ الّتي حَشْوُها الْبَرَكَةُ وَعُمّارُها المَلائكةُ مَعَ نَبيِّنا مُحمَّدٍ صَلَّى اللّه عليهِ وآلِهِ وَ اَبينا اِبراهيمَ (ع)» بلایی به او نمی‌رسد ونه فتنه‌ای به او می رسد تا جمعهٔ دیگر و خداوند بین او بین حضرت محمّد(ص) وحضرت ابراهیم(ع) جمع می‌فرماید.



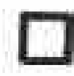
نماز هر روز

در مستدرک و دعوات قطب راوندی(ره) از مولا یمان حضرت امام ابی‌عبدالله جعفر بن محمد الصادق(ع) روایت است که هر کس در روز قبل از ظهر چهار رکعت نماز(دو نماز دو رکعتی) بخواند و در هر رکعت آن بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سورهٔ «قدر» را بخواند مریض نمی‌شود مگر به مرض موت.

و نیز در مستدرک از حضرت امیرالمؤمنین(ع) روایت نموده که هر کس هنگام ظهر

۱- وسائل الشیعه: ۶/۲۷۴.

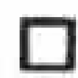
چهار رکعت نماز(دو نماز دو رکعتی) بخواند و در هر رکعت بعد از حمد آیةالکرسی را بخواند خداوند اهل، دین، مال و آخرت و دنیای او را برای او مصون و حفظ می‌فرماید.



کفایت کلیهٔ امور

صاحب خواص السّور آورده که از جناب ابی ذر غفاری(ره) منقول است که هر کس هر روز هفتاد مرتبه این آیه را بخواند خداوند عظم شأنه همهٔ مهمات دینی و دنیایی او را کفایت فرماید و از غرق شدن و در آتش افتادن و از مردن در زیر دیوار و از کشته شدن به تیغ نگهدارد آیه این است:

«فَإِنْ تَوَلَّوا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّٰهُ لٰا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَیهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ»(توبه۱۲۹).



امنیت و عافیت در هر ماه

سید بن طاووس(ره) در کتاب شریف دروع الواقیة من الاخطار از مولایمان حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت نموده که فرموده‌اند:

هر کس در شب اول ماه(قمری) دو رکعت نماز بگذارد و در هر دو رکعت آن سورهٔ مبارکهٔ «انعام» را بخواند و سپس از خداوند (عزّ ذکره) بخواهد که از هر خوف و بیماری در امان باشد خداوند تقدّست اسمائه او را در آن ماه از هر چه کراهت و خوف دارد ایمن می‌فرماید.

و نیز ایشان روایت نموده که مولایمان حضرت امام باقر(ع) هنگامی که داخل در ماه جدید می‌شدند، در روز اول آن ماه دو رکعت نماز می‌گذاردند و در رکعت اول سی مرتبه به تعداد روزهای ماه سورهٔ «قل هو الله احد» را می‌خواندند و در رکعت دوم نیز سی مرتبه سورهٔ «قدر» را قرائت می فرمودند و به آنچه که میسر می‌گردید تصدّق می‌نمودند و به این وسیله سلامت تمام آن ماه را می‌خریدند.

کیفیت عریضهٔ استغاثه به خدمت حضرت ولی عصر(عج) و نقل قضیه‌ای دربارهٔ آن

یکی از طرق استغاثه به خدمت مولایمان حضرت صاحب الزّمان(عج) فرستادن رقعهٔ استغاثه به خدمت حضرتش می‌باشد و قبل از آن قضیه‌ای که مربوط به عریضه حضرت ولی عصر(عج) می‌باشد را از کتاب نجم‌الثاقب نقل می‌نمائیم و آن حکایت ششم آن کتاب می‌باشد:

که خبر داد ما را جناب عالم فاضل صالح مورع تقی میرزا محمد حسین نایینی اصفهانی فرزند ارجمند جناب عالم عامل و مهذّب کامل میرزا عبدالرّحیم نایینی ملقّب به شیخ الاسلام ـ که مرا برادری است از پدر و مادر نامش میرزا محمّد سعید که حال مشغول تحصیل علوم دینیّه است تقریباً در سنهٔ هزار و دویست و هشتاد و پنج دردی در پایش ظاهر شد و پشت قدم ورم کرد به نحوی که آن را مُعْوَج کرد و از راه رفتن عاجز شد. میرزا احمد طبیب پسر حاجی میرزا عبدالوهاب نایینی را برای او آوردند معالجه کرد کجی پشت پا برطرف شد و ورم رفت و مادّه متفرق شد. چند روزی نگذشت که ماده در بین زانو و ساق ظاهر شد و پس از چند روز یک مادّهٔ دیگر در همان پا در ران پیدا شد و مادّه‌ای در میان کتف تا آن که هر یک از آنها زخم شد و وجع شدیدی داشت؛ معالجه کردند منفجر شد و از آنها چرک می‌آمد قریب یک سال یا زیاده بر آن گذشت بر این حال که مشغول معالجه این قروح بود به انواع معالجات و هیچیک از آنها ملتئم نشد بلکه هر روز بر جراحت افزوده می‌شد و در این مدت طولانی قادر نبود بر گذاشتن پا بر زمین و او را از جانبی به جانبی به دوش می‌کشیدند و از جهت طول مرض مزاجش ضعیف شد و از کثرت خون و چرک که از آن قروح بیرون رفته بود از او جز پوست و استخوان چیزی باقی نمانده بود و کار بر والد سخت شد و به هر نوع معالجه که اقدام می‌نمود جز زیادی جراحت و ضعفِ حال و قُویٰ و مزاج اثری نداشت و کار آن زخمها بدانجا رسید که آن دو که یکی در مابین زانو و ساق و دیگری در ران همان پا بود اگر دست بر روی یکی از آنها می‌گذاشتند چرک خون از دیگری جاری می‌شد و در آن ایام وبای شدیدی در نایین ظاهر شده بود و ما از خوف وبا در قریه‌ای از قرای آن پناه برده بودیم پس مطّلع شدیم که جرّاح حاذقی که او را آقا یوسف می‌گفتند در قریهٔ نزدیک

قریهٔ ما منزل دارد.

پس والد کسی نزد او فرستاد و برای معالجه حاضر کرد و چون عمویم مریض را بر او عرضه داشتند ساعتی ساکت شد تا آن که والد از نزد او بیرون رفت و من در نزد او ماندم با یکی از خالوهای (برادر مادر را خالو می گفتند) من که او را حاجی میرزا عبدالوهاب می‌گویند مدتی نَجویٰ کرد و من از فحاوی آن کلمات دانستم که به او خبر یأس می‌دهد و از من مخفی می‌کند که مبادا به والده بگویم و مضطرب شود و به جزع افتد. پس والد برگشت آن جرّاح گفت که من فلان مبلغ اول می‌گیرم آنگاه شروع می‌کنم در معالجه و غرض او از این سخن این بود که امتناع والد از دادن آن مبلغ پیش از معالجه وسیله باشد برای او و از برای رفتن پیش از اقدام در معالجه پس والد از دادن آنچه خواست پیش از معالجه امتناع نمود پس او فرصت را غنیمت شمرد و به قریهٔ خود مراجعت نمود و والد و والده دانستند که این عمل جرّاح به جهت یأس و عجز او بود از معالجه با وجود آن حذاقت و استادی که داشت. از او مأیوس شدند و مرا خالوی دیگر بود که او را میرزا ابوطالب می‌گفتند در غایت تقوی و صلاح و در بلد شهرتی داشت که رقعه‌های استغاثه به سوی امام عصر حضرت حجت عجل‌الله که او می‌نویسد برای مردم سریع الاجابة و زود تأثیر می‌کند و مردم در شداید و بلاها بسیار به او مراجعه می‌کردند پس والده‌ام از او خواهش کرد که برای شفای فرزندش رقعهٔ استغاثه بنویسد در روز جمعه نوشت و والده آن را گرفت و برادرم را برداشت و به نزد چاهی رفت که نزدیک قریه ما بود پس برادرم آن رقعه را در چاه انداخت و او معلق بود در بالای چاه در دست والده و در این حال برای او و والد رقّتی پیدا شد پس هر دو سخت بگریستند و این در ساعت آخر روز جمعه بود پس چند روزی نگذشت که من در خواب دیدم که سه سوار بر اسب به هیئت و شمائلی که در واقعهٔ اسمعیل هرقلی وارد شده از صحرا به خانه ما می‌آیند پس در آن حال واقعهٔ اسمعیل به خاطرم آمد و در آن روزها بر آن واقف شده بودم و تفصیل آن در نظرم بود.

پس ملتفت شدم که آن سوار مقدم حضرت حجة عجل‌الله است و این که آن جناب برای شفای برادر مریض من آمده و برادر مریض در فراش خود در فضای خانه بر پشت خوابیده یا تکیه داده چنانچه در غالب ایام چنین بود پس حضرت حجت عجل‌الله

تعالی‌فرجه نزدیک آمدند و در دست مبارک نیزه داشت پس آن نیزه را در موضعی از بدن او گذاشت و گویا در کتف او بود به او فرمود برخیز که خالویت از سفر آمده و چنین فهمیدم در آن حال که مراد آن جناب از این کلام بشارت است و به قدوم خالوی دیگر که داشتم نامش حاجی میرزا علی‌اکبر که به سفر تجارت رفته بود سفرش طول کشیده بود و ما بر او خائف بودیم به جهت طول سفر و انقلاب روزگار از قحط و غلای شدید چون حضرت نیزه را بر کتف او گذاشت و آن سخن را فرمود برادرم از جای خواب خود برخاست و به شتاب به سوی در خانه رفت به جهت استقبال خالوی مذکور پس از خواب بیدار شدم دیدم فجر طالع و هوا روشن شده کسی به جهت نماز صبح از خواب برنخاسته پس از جای خود برخاستم و به سرعت نزد برادرم رفتم پیش از آن که جامه بر تن کنم او را از خواب بیدار کردم و گفتم به او که حضرت حجة عليه‌السلام تو را شفا داده برخیز و دست او را گرفتم و به پا داشتم پس مادرم از خواب برخاست و بر من صیحه زد که چرا او را بیدار کردم چون به جهت شدت وجع غالب شب بیدار بود و اندک خواب در آن حال غنیمت بود گفتم حضرت حجة عليه‌السلام او را شفا داده چون او را بپا داشتم شروع کرد به راه رفتن در فضای حجره و در آن شب چنان بود که قدرت نداشت بر گذاشتن قدمش بر زمین و قریب یک سال یا زیاده چنین بر او گذشته بود و از مکانی به مکانی او را حمل می‌کردند پس: این حکایت در آن قریه منتشر شد و همه خویشان و آشنایان که بودند جمع شدند که او را ببینند چه به عقل باور نداشتند و من خواب را نقل می‌کردم و بسیار فرحناک بودم از این که من مبادرت کردم به بشارت شفا در حالتی که او در خواب بود و چرک و خون در آن روز منقطع شد و زخمها ملتئم شد پیش از گذشتن یک هفته و چند روز بعد از آن خالو با غنیمت و سلامت وارد شد و در این تاریخ که هزار و سیصد و سه است تمام اشخاصی که نام ایشان در این حکایت برده شد در حیاتند جز والده و جرّاح مذکور که داعی حق را لبیک گفتند و الحمدللّه.

مؤلف گوید که در کتب ادعیه، عریضهٔ استغاثه به حضرت صاحب الزمان(عج) به طرق مختلف نقل گردیده و این یکی از انواع آن می‌باشد که از کتاب وظیفة الانام به روایت از بحار ذکر می‌گردد و کیفیت آن چنین است که این عریضه را می‌نویسی و پیچیده و در گل پاکی می‌گذاری سپس در نهر آب یا چشمهٔ آبی می‌اندازی:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

كَتَبْتُ اِلَيْکَ يٰا مَوْلٰایَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْکَ مُسْتَغِيثاً وَ شَكَوتُ مٰانَزَلَ بِی مُسْتَجِيراً بِاللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ بِکَ من أمرٍ قد دَهَمَني وَ اَشْغَلَ قَلبِی وَ أَطٰالَ فِكْرِي وَ سَلَبَنِی بَعضَ لُبِّي وَ غَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِاللّٰهِ عِنْدِی أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخَيّلِ وُرُودِهِ الخَلِيلُ وَ تَبَرَّأَ مِنّي عِنْدَ تَرائِی إقْبٰالِهِ اِلَیَّ الحَمِيمُ وَ عَجَزَتْ عَنْ دِفٰاعِهِ حِيلَتی وَخٰانَني في تَحَمُّلِهِ صَبْرِي وَ قُوَّتِی فَلَجَأْتُ فِيهِ اِلَيْکَ وَ تَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلّٰهِ جَلَّ ثَنٰاؤُهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْکَ وَ في دِفٰاعِهِ عَنّی عِلْماً بِمَكٰانِکَ مِنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ وَلِيِّ التَدْبِيرِ وَ مٰالِكِ الْأُمُورِ واثِقاً بِکَ فِی المَسارَعَةِ فِی الشَّفاعَةِ اِلَيهِ جَلَّ ثَنٰاؤُهُ فِی اَمْرِي مُتَيَقِّناً لِـاِجٰابَتِه تَبارَکَ وَ تَعالىٰ اِيّٰاکَ بِإعْطٰاءِ سُؤْلِی وَ اَنْتَ يٰا مَوْلٰایَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنّي وَ تَصدِيقِ اَمَلِی فِيکَ فِي أَمْرِ كذا و كذا. «حاجت خود را می نویسی»، مِمّا لَا طاقَةَ لِی بِحَمْلِهِ وَ لٰا صَبْرَ لي عَلَيْهِ وَ اِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقّاً لَهُ وَ لأَضعٰافِهِ بِقَبِيحِ أَفعٰالِي وَ تَفرِيطي فِی الواجِبٰاتِ الَّتي لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَیَّ فأَغِثْني يٰا مَوْلٰایَ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْکَ عِندَ اللَهفِ وَ قَدِّمِ المَسْأَلَةَ للّٰهِ عَزَّوَجَلَّ فِی اَمْرِی قَبْلَ حُلولِ التَّلَفِ وَ شِماتَةِ الأَعداءِ فَبِکَ بُسِطَتِ النِعْمَةُ عَلَیَّ وَ اسْأَلِ اللّٰهَ جَلَّ جَلٰالُهُ لي نَصراً عَزِيزاً وَ فَتْحاً قَرِيباً فِيهِ بُلوغُ الآمٰالِ وَ خَيرُ المَبادِی وَ خَواتِيمُ الْأَعْمٰالِ وَ الأَمْنُ مِنَ المَخاوِفِ كُلِّهٰا فِی كُلِّ حٰالٍ اِنَّهُ جَلَّ ثَنٰاؤُهُ لِمٰايَشاءُ فَعّٰالٌ وَ هُوَ حَسبِی وَ نِعْمَ الوَكِيلُ فِی الْمَبدءِ وَ المٰالِ.

و هنگام انداختن آن می‌گویی:

يٰا سَيِّدی يٰا اَبٰاالقٰاسِمِ يٰا حُسينَ بن رُوْح سَلامٌ عَلَيْکَ اَشْهَدُ أَنَّ وَفاتَکَ فِی سَبِيلِ اللّٰهِ وَ اَنَّکَ حَيٌّ عِندَاللّٰهِ مَرْزوقٌ وَ قَد خٰاطَبتُکَ فِی حَياتِکَ الَّتی لَکَ عِندَاللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هٰذِه رُقْعَتی وَ حٰاجَتی اِلىٰ مَولٰانٰا عَليهِ السَّلام فَسَلِّمْهٰااِلَيْهِ فأنتَ الثِّقَةُ الاَمِين.

□

مجملی از وصایای حضرت سیّد المرسلین صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

شیخ ابی نصر فضل بن حسن طبری در کتاب شریف مکارم الاخلاق از مولایمان حضرت ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام روایت نموده از اجداد طاهرینش که حضرت سیّدالمرسلین صلوات الله علیه و علی آله الطاهرین فرمودند: یا علی، وصیت

می‌نمایم به شما وصیتی که تا هنگامی که آن را حفظ نمایی پیوسته بر خیر می باشی:

یا علی: هر کس که خشم خود را فرونشاند در حالیکه قدرت بر اِعمال آن داشته باشد خداوند او را در روز قیامت به سلامتی عبور می دهد و ایمانی را به او عطا می‌فرماید که شیرینی طعمش را بچشد.

یاعلی: کسی که وصیّتش در هنگام مرگ نیکو و کامل نباشد از کمبود مروّتش می‌باشد و از شفاعت بهره‌مند نمی گردد.

یاعلی: برترین جهادها آن است که صبح نماید در حالیکه بر ظلم نمودن به کسی اهتمام نداشته باشد.

یا علی: کسی که مردم از زبانش بترسند اهل جهنم است.

یا علی: بدترین مردم کسی است که مردم از ترس شرّش او را اکرام نمایند.

یا علی: بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیای دیگری بفروشد.

یا علی: هر کس که عذر، عذر خواهنده ای را نپذیرید حال چه او در عذر خواهی خود صادق باشد یا کاذب به شفاعت من نائل نمی گردد.

یا علی: بدرستیکه خداوند عزّوجل دروغ را در اصلاح نمودن دوست می دارد و از راستگوئی در جائی که راست گفتن فتنه انگیز می باشد غضبناک می باشد.

یا علی: کسی که شرب خمر را برای غیر خدا ترک نماید خداوند او را از رحیق مختوم (آب بهشتی) می نوشاند، امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: برای غیر خدا؟

فرمودند: بله ، واللّه اگر شراب خوردن را برای حفظ جان و بدن خودش هم ترک نماید خداوند از آن تشکّر می فرماید.

یا علی: شارب خمر مانند بت پرست می باشد، یا علی خداوند عزّوجل نماز شارب خمر را تا چهل روز قبول نمی فرماید پس اگر در آن چهل مُزد کافر مرده است.

یا علی: هر مسکری (مست کننده) حرام است و آن چیزی که زیاد آن مست کنند باشد پس یک جرعهٔ آن هم حرام است.

یا علی: ساعتی بر شارب خمر می آید که در آن پروردگارش عزّوجلّ را نمی شناسد.

یا علی: بدرستیکه از جا کندن کوههای بلند آسان تر است از بین بردن مُلک

مؤجّلی که اجل آن فرا نرسیده است.

یاعلی: معاشرت و همنشینی با کسی که نفعی برای دین یا دنیای تو نداشته باشد خیری ندارد و هر کس که برای تو حقّی قائل نبود پس تو حقی برای او قائل نباش و ارزشی برای او ندان.

یا علی: سزاوار است که مؤمن هَشت خصلت داشته باشد: در هنگام سختی ها شکیبا و مقاوم باشد، و در وقت بلا شاکر باشد، و به آنچه که خداوند به او روزی فرمود قانع باشد. و بر دشمنان ظلم ننماید (از روی ناجوانمردی با دشمنان عمل نکند) و به دوستان تحمیل ننماید، و جسمش برای دیگران در تلاش باشد، و مردم از او در راحتی باشند و آزاری از او به آنها نرسد.

یا علی: چهار نفرند که دعای آنها ردّ نمی شود: امام عادل، پدر برای فرزندش، کسی که برای برادر مؤمنش پشت سر او دعا نماید و شخص مظلوم، خداوند عزّوجلّ می فرماید: به عزت و جلالم یاری ات می نمایم اگر چه بعد از مدتی باشد.

یا علی: هشت کس اگر اهانت شدند جز خود را ملامت ننمایند: کسی که بر سر سفره‌ای برود که دعوت نشده، و کسی که بر صاحب خانه زیاد امر و نهی کند، و کسی که طلب خیر از دشمنانش نماید، و کسی که از شخص لئیم و پست تقاضای فضل نماید، و کسی که بر دو نفر وارد گردد در سرّی که آن دو نفر او را در آن سرّ داخل نکرده‌اند و کسی که سلطان را استخفاف نماید، و کسی که در جائی بنشیند که اهلیت و شأن آن را نداشته باشد و صحبت نماید برای کسی که به او گوش نمی دهد.

یا علی: خداوند بهشت را حرام فرموده بر هر شخص فحّاش اذیت کننده‌ای که ازآنچه می گوید و آنچه که برای او گفته می شود پرهیزی ندارد.

یا علی: خوشا بحال کسی که عمرش طولانی و عملش نیکو باشد.

یا علی: مزاح نکن که قدر و بهای تو می رود و دروغ مگو که نورت می رود.

یا علی: چهار کس است که عقوبت آنها بسیار سریع است: کسی که به او نیکویی نمایی اما او در عوض نیکویی تو را با بدی جواب دهد، و کسی که تو به او ظلمی نکنی اما او به تو ظلم نماید، و کسی که با او عهد و پیمان بسته ای پس تو به عهد و پیمان وفا نمایی اما او با تو خیانت نماید، و کسی که با او صلهٔ رحم نمایند پس او رحم را قطع

نماید.

یا علی: کسی که از خداوند عزّوجلّ بترسد همه چیز از هیبت او ترسان می باشد و کسی که از خداوند نترسد خداوند او را از همه چیزی می ترساند.

یا علی: خداوند سه نفر را لعنت فرمود :کسی که توشه و غذایش را تنها بخورد ،کسی که به تنهایی در بیابان سفر نماید و کسی که به تنهایی در اطاقی بخوابد.

یا علی: سه چیز خوشحال کنندهٔ مؤمن در دنیا می باشد: دیدار برادران مؤمن، و افطار دادن به روزه دار ،و عبادت و نماز در آخر شب.

یا علی: نهی می نمایم تو را از سه خصلت :حسد و حرص و کبر.

یا علی: چهار خصلت از شقاوت و بدبختی می باشد: خشکی چشم (گریه نکردن)، و قساوت قلب، و طول آرزو، و دوست داشتن و میل به بقاء در دنیا.

یا علی: محکمترین دستاویزهای ایمانی، دوست داشتن در راه خدا و دشمنی در راه خدا می باشد.

یا علی: خداوند به دنیا وحی فرمود: هر کس که مرا خدمت می نماید او را خدمت کن و هر کسی که تو را خدمت می کند به او سختی برسان.

یا علی: کسی از اولین و آخرین در روز قیامت نیست مگر آنکه آرزو می کند که ای کاش از دنیا به جز قوتش چیز دیگری نداشت (بخاطر مسئولیت و محاسبهٔ آن).

یا علی: بدترین مردم کسی است که در قضاء خود خداوند را متّهم نماید (بلکه گناهان خود او باعث آن قضاء شده است).

یا علی: نالهٔ مؤمِن مریض تسبیح است و فریادش تهلیل و خوابیدنش در بستر بیماری عبادت و پهلو به پهلو شدنش در بیماری جهاد در راه خدا می باشد، پس اگر عافیت یافته و به میان مردم بیاید گناهی بر او نمانده است.

یا علی: بد خلقی شوم است و اطاعت زن پشیمانی می باشد.

یا علی: هر کس که عمداً بر من دروغ بندد پس جایگاهش در جهنم می باشد.

یا علی: بدرستیکه جناب عبدالمطلب به «لام» قرعه نمی زد و بتها را نمی پرستید و از گوشت قربانی بتها نمی خورد و می فرمودند: من بر دین پدرم ابراهیم علیه‌السلام می‌باشم.

یا علی: عجیب ترین مردم از نظر ایمان و عظیم ترینشان از نظر یقین قومی باشند

که د ر آخر الزمان هستند که نه پیامبری را دیده اند و حجت خدا هم از آنها مستور شده. پس به نوشته های روی کاغذها ایمان آورده‌اند (قرآن و احادیث و معجزات).

یا علی: خداوند دعایی را که از روی حضور قلب نباشد نمی پذیرد.

یا علی: خواب عالم بهتر از عبادت عابد جاهل می باشد .

یا علی: در زنا شش خصلت است: سه عدد آن در دنیا و سه عدد آن در آخرت، اما آنچه که در دنیا می باشد: بهاء و طراوت را می برد و فنا و نابودی و مرگ را زود می‌رساند و رزق را قطع می نماید، و امّا آنچه که در آخرت است: پس بدی حساب و خشم خداوند جهان آفرین و جاودانی در دوزخ می باشد .

یا علی: ربا هفتاد جزء دارد که آسانترین جزء آن مثل این است که شخص در بیت اللّه الحرام با مادر خود زنا نماید.

یا علی: کسی که قیراطی از زکات مالش را منع نماید و ندهد پس مؤمن نیست و مسلمان هم نیست و احترامی هم ندارد.

یا علی: بهترین عقل آن چیزی می باشد که با او بهشت بدست آید و رضایت خداوند رحمن بوسیله آن حاصل گردد.

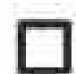
یا علی: صدقه ای نیست (قبول نمی گردد) در حالیکه صاحب رَحِم محتاج باشد (تا وقتی که رَحِم و خویشان فقیر باشد صدقه به غیر، مقبول خداوند نیست).

یا علی: سه چیز از وسواس است :خوردن گِل و ناخن به دندان جویدن و ریش را به دندان گرفتن.

یا علی: هر کس که والدینش را ناراحت نماید عاقّ است.

یا علی: کسی که در حضور او غیبت برادر مسلمانش بشود و او قدرت بر دفاع ا زاو را داشته باشد اما در مقام دفاع برنیاید خداوند در دنیا و آخرت او را ذلیل فرماید.

یا علی: هر کس صلوات بر من را (در هنگام ذکر آن حضرت) فراموش نماید پس راه بهشت را گم نموده است.



مجملی از وصایای
حضرت سیّد المرسلین ﷺ به ابوذر (رض)

شیخ طبرسی در مکارم الاخلاق به سند خود از جناب ابوذر رضی اللّه عنه روایت نموده که گفت: روزی در ابتدای روز وارد مسجد شدم پس کسی از مردم را در مسجد ندیدم مگر پیامبر ﷺ و علی علیه‌السلام که در کنار آن حضرت نشسته بود، پس به آن حضرت عرض نمودم: یا رسول اللّه پدر و مادرم فدایت وصیّتی به من بفرمائید تا خداوند مرا بوسیلهٔ آن نفع بخشد، پس فرمود: بله: ای اباذر و تو گرامی هستی در نزد ما و از اهل بیت ما می باشی من وصیتی به تو می نمایم پس آن را حفظ کن که جامع برای تمام راههای خیر می باشد پس اگر آن را حفظ نمایی برای تو کفایت می نماید:

یا اباذر: خداوند متعال را عبادت کن مانند آنکه او را می‌بینی پس اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند و بدان که اولین عبادت خدا معرفت و شناخت او می باشد، پس او اول است که قبل از او هیچ چیزی نبوده است و پایانی ندارد، به وجود آورندهٔ آسمانها و زمین است و آنچه در آن دو است و آنچه که ما بین آن دو می‌باشد از هر چیزی که بین آن دو است و او لطیف و خبیر است و بر هر چیزی قادر است، سپس ایمان به من اقرار به این است که خداوند متعال مرا بسوی تمام خلق بشیر و نذیر و دعوت کنندهٔ بسوی خداوند و چراغ روشن فرستاده است سپس دوستی اهلبیتم می باشد که خداوند هر گونه پلیدی را از ایشان دور فرمود و آنها را پاک فرموده است پاک فرمودنی.

ای اباذر: دو نعمت است که بیشتر مردم در آن مغبون و متضرّر می شوند: سلامتی و فراغت.

ای اباذر: پنج چیز را مغتنم بشمار قبل از پنج چیز :جوانی ات را قبل از پیری و صحّت و سلامتی ات را قبل از بیماری و ثروت را قبل از فقر و فراغت را قبل از گرفتاری حیاتت را قبل از مرگ.

ای اباذر: چه بسیار کسانیکه روز خود را شب نکردند و چه بسیار افرادی که در انتظار فردا بودند اما به آن نرسیدند.

ای اباذر: در دنیا مانند غریبان باش یا مانند رهگذران و خود را از صاحب قبور

بدان ای اباذر: بر عمر خویش حریص تر باش از آن چه که بر در هم و دینارت هستی.

ای اباذر: کسیکه علم را بری فریب مردم تحصیل نماید بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

ای اباذر: هنگامیکه از چیزی که آن را نمی دانی سؤال شدی پس بگو آن را نمی‌دانم پس از عاقبتش نجات می یابی و به آن چیزی که علم نداری فتوا مده تا از عذاب خداوند متعال در روز قیامت نجات یابی.

ای اباذر: گروهی از اهل بهشت به گروهی از اهل جهنم وارد می شوند پس می‌گویند چه چیزی شما را وارد جهنم نمود و حال آن که ما بخاطر تأدیب و تعلیم شما وارد بهشت شدیم آنها در جواب می گویند: ما امر به خیر می کردیم اما آن را انجام نمی‌دادیم.

ای اباذر: بدرستیکه حقوق خداوند جل ثنائهُ بسیار بالاتر از آن است که بندگان بتوانند در شمار آورند ولکن با این حال صبح و شب در حال توبه نمودن باشید.

ای اباذر: بدرستیکه خداوند تبارک و تعالی هنگامیکه به بنده ای اراده شر نماید گناهانش را از یادش می برد.

ای اباذر: نگاه به کوچکی گناه نکن امّا نظر کن سوی آن که او (خدا) را عصیان نمودی.

ای اباذر: بدرستیکه مؤمن بر گناهی که نموده از گنجشکی که گرفتار شده مضطرب تر و نگران تر است.

ای اباذر: بدرستیکه انسان از روزی اش محروم می گردد بخاطر گناهی که از او سر زده است.

ای اباذر: آنچه را که به تو مربوط نمی شود رها کن پس سخن نگو در آن چیزی که برای تو در آن فایده ای نیست و زبانت را نگه دار همچنانکه پول خود را ذخیره می‌نمایی.

ای اباذر: خداوند جل ثنائه نماز را نور چشم من قرار داده است و نماز را آنچنان مورد علاقه من قرار داده که غذا را برای شخص گرسنه و آب را برای فرد تشنه، پس بدرستیکه گرسنه هنگامی که غذا بخورد سیر می‌شود و تشنه هنگامی که آب بنوشد

سیراب می گردد ولی من هرگز از نماز سیر نمی‌شوم.

ای اباذر: بدرستیکه تو مادامی که در حال نماز می باشی پس حقیقتاً درِ خانه مَلِک جبار (خداوند متعال) را می کوبی و کسیکه زیاد در خانهٔ مَلِکی را بکوبد سرانجام در را بسوی او باز می نماید.

ای اباذر: هر کس می تواند گریه کند (از ترس خداوند)، پس بگرید و کسیکه نمی‌تواند بگرید پس قلب خود را محزون نموده و خود را به حالت گریه بیندازد بدرستیکه انسان سنگدل از خداوند بسیار دور است اما متوجه نمی شود.

ای اباذر: اگر برای کسی مانند عمل هفتاد پیامبر باشد نباید آن را به حساب آورد و باید بترسد از آن که شاید روز قیامت رستگاری نیابد.

ای اباذر: بدرستیکه خداوند تبارک و تعالی هنگامیکه به بنده‌ای اراده خیر بفرماید گناهان او را در پیش چشمانش قرار می‌دهد و هنگامیکه به بنده‌ای اراده شر نماید گناهانش را از یادش می‌برد.

ای اباذر: بدرستیکه خداوند تبارک و تعالی وحی فرمود بسوی برادرم عیسی علیه‌السلام که: یا عیسی دنیا را دوست نداشته باش پس بدرستیکه من آن را دوست ندارم و آخرت را دوست بدار پس بدرستیکه آن خانه بازگشت است.

ای اباذر: باید برای تو در هر چیزی حتی در خوردن و خوابیدن نیت صالح و خیری باشد.

ای اباذر: هنگامیکه نور خداوند وارد قلب شود قلب را وسعت می بخشد ،گفتم: پس یا رسول اللّه پدر و مادرم بفدایت علامتش چیست؟ فرمودند:توجّه و توبه بسوی خانهٔ ابدی و کناره گیری از دارفانی و فریبنده و آمادگی برای مردن قبل از فرارسیدن آن .

ای اباذر: در هنگام تشییع جنازه و جنگ و هنگام قرائت قرآن صدایت را پایین آور.

ای اباذر: دو رکعت نماز مختصر و با تفکر بهتر از یک شب عبادت بدون حضور قلب است .

ای اباذر: حق سنگین و تلخ و باطل، سبک و شیرین می باشد و چه بسا یک ساعت شهوت موجب اندوهی طولانی می گردد.

ای اباذر: بدرستیکه مومن هنگامیکه مُرد زمین برای او چهل روز می گرید.

ای اباذر: هیچ جوانی نیست که دنیا را ترک نماید و جوانی‌اش را در راه طاعت خداوند بگذراند مگر آن که خداوند اجر هفتاد و دو صدّیق را به او عطا می نماید.

ای اباذر: یادکنندهٔ خداوند متعال در میان غافلین مانند کسی است که در میان سربازان فراری به جهاد ادامه دهد.

ای اباذر: جز با مؤمن همنشینی نکن و غذایت را بجز به شخص پرهیزگار نخوران و از غذای افراد فاسق نخور.

ای اباذر: برای دروغ گویی فرد همین بس که هر چه شنود به زبان جاری سازد.

ای اباذر: هیچ چیز برای زندانی کردن سزاوارتر از زبان نیست.

ای اباذر: پیوسته انسان از خداوند متعال دور می گردد مادامی که بد اخلاق باشد.

ای اباذر: هر نشستی در مسجد لغو و بیهوده است مگر برای سه چیز: نماز خواندن یا ذکر خدا یا فراگیری علم.

ای اباذر: برای عمل همراه با تقوی بیشتر همّت گمار تا به عمل (تنها)، که عمل مقبول کاسته نگردد و چگونه عمل مقبول (همراه با تقوا) کاسته شود که خداوند متعال می فرماید: «فقط خداوند عمل متقیان را می پذیرد».(مائده-۳۰).

ای اباذر: بدرستیکه محبوب ترین شما در نزد خداوند متعال کسی است که بیشتر به یاد خدا می باشد و گرامی ترین شما نزد خداوند عزّوجلّ با تقواترین شما است و نجات یافته‌ترین شما از عذاب خداوند متعال ترسان ترین شما از خداوند متعال می‌باشد.

ای اباذر: کسیکه اطاعت خداوند متعال را بنماید پس ذکر او را نموده است و اگر چه نماز و روزه و تلاوت قرآنش کم باشد.

ای اباذر: با تقوا باش پس عابدترین مردمی و بهترین چیز در دین شما پارسایی است.

ای اباذر: وای بر کسی که خبرها و سخن های دروغ بگوید برای آن که مردم را بوسیلهٔ آن بخنداند وای بر او، وای بر او، وای بر او.

فهرست

www.telasm.com

□ **فصل شانزدهم: بیان بعضی از مسائل و احاکم ضروریه**

□ **فصل هفدهم: ثواب سوره‌های قرآن**

□ **فصل نوزدهم: اختیارات ایّام ماه قمری**

□ **فصل بیستم: نوادر ادعیه و اذکار و فوائد مُتنوّعه**